



آجیو سنت

گاهنامه اجتماعی، فرهنگی، ادبی
سال اول، شماره دوم - بیرینجی ایل، ایکینجی سایی
شهریور ۹۶

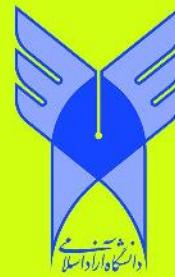


The lake died
Fishes died
Hope ship of Urmia lake sold!

Elnaz Xalqzad

آجیو

باش سؤز ۲
بررسی اظهارات ضدونقیض مسئولین
در رابطه با احیای دریاچه اورمیه ۴
قوانين داخلی، حقوق بین الملل
و مسئله دریاچه اورمیه! ۷
وضعیت قرمز در دریاچه اورمیه! ۱۰
دریاچه اورمیه؛ مستندسازی یک فاجعه ۱۱
آرتیما ۱۵
بحران آب در ایران و مدیریت ناکارآمد ۱۶
سن او لمه یه جکسن ۱۸
اورمو گوئلو (شئعر) ۱۹
علی حمزه زاده‌نین «همیاران زیست سبز»
قورو لوشونون سورملوسو ایله دانیشیغی ۲۰
ارمنستان آراز را به کانال بزرگی از فاضلاب
صنعتی مبدل می‌کند؟ ۲۳؟
دریاچه‌ها و رودخانه‌های بحرانی در ایران ۲۴
دریاچه و رودخانه جهان که خشک شدند ۲۸
کیست مرا یاری کند؟ ۲۹
معرفی فیلم «اکیزLER» ۳۰
کاظلیم خان ۳۴
غرب آذربایجان، قلب تپنده دیار دده قورقد ۳۶
تورک اصیل لی روسلار ۳۸
ساقا خالی - خالچاسی ۴۱
ایکی اوزلولر ۴۲
شد آنچه نباید می‌شد ۴۳
عرف جامعه را به چالش نکشیم ۴۴
جنگ جهانی دوم و سرنوشت شوم آن برای اهر ۴۶
سوزلوك ۴۸



دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز
تعاونیت فرهنگی و دانشجویی

گاهنامه اجتماعی، فرهنگی، ادبی
سال اول شماره دوم - بیرینجی ایل، ایکینجی سایی
شهریور ۹۶

صاحب امتیاز، مدیر مسئول : علی محمد زاده
سردبیر: علی حمزه زاده

همکاران این شماره: رضا دانایی، مسعود پیری، امین
روstem زاده، مهدی حمیدی، اثناز خاکزاد، توحید نوبهار،
حمید محمدی، اثناز مرادی، ساناز سادات موسوی،
بنیامین دلاور، میر عزیز محمدی

طراحی پوسترها: دریاچه اورمیه و زهرا: اثناز خاکزاد



باش سؤز

«عزیزیم دره داغلار
دوز باغلار، دره داغلار
اورمو سوسوز قالیدیر
هاردا قالدی بولاقلار...؟»

«وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا» (آیه ۳۰ سوره انبیاء)

اورمو گؤلو آذربایجان اوچون چوخ بؤیوک بير نعمت و ثروت ساييلير، آمما تأسفلر اولسون کي، بو گون آذربایجانين دامارلاريندا آخان قاني چوخ آغىر بير دورو مدادير.

بو قانين قوروماغى ايله بيرلىكىدە دئمك اولار آذربایجاندا ئۆلەجك، نېبىه کى، قانسيز بير جانى تصور ائتمك اولماز. آراشدىرىجى لارين آپاردىقلارى آراشدىرمالار اساسيندا اورمو گؤلونون قوروماغى ايله نئچە مىليون اينسانين حياتى تهلوکە ايله اوزبهاؤز اولاجاقدىر. نئچە کى ايندى ده گۇرونۇر، اورمو گؤلونون چئورەسىنده ياشايان اينسانلار و حتى حيوانلار دا بىلە آغىر خستەلىكىلرلە اوزلەشىبلار. اكىنچىلىرىن يېرلىرى آكىن-بىچىم يېرىنە كانسىز خستەلىينى داشىيان دوزو اوزوندە گۈرۈر.

آراشدىرمالار بىلە گؤسترىپ کى، گؤلون قوروما نىن لرىندهن بير نئچەسى بو قرارداندیر: قايدا-قورال سىز دوزەلين سدلر، گۈلۈكى يېرە بېلن كۈرپى، ياغىنتى لارين آزالماسى، يالنىش اكىنچىلىك طرزى ايله بير سىيرا باشقانىن لر كى بونلارين بير سىراسى گۈلۈن بىلەرك قوردولماسىنا نىن اولوماغى گؤسترىر، درگى ده اولان يازىلاردا بو قونولار داها آرتىق آچىقلانىپ دىرلار.

ياشايىش چئورەسىنى قوروماق هر بير توپلومدا ياشايانين گۈرەسى ساييلير. بونا گۈرەده ايران اولكەسىنinin آنا ياساسىندا دا ۵۰-جى اصل بو قونويا وورغولايير كى، ياشايىش چئورەسىنى قوروماق بو گون هر بير اينسانين و گلهجىكەدە بو توپراقدا ياشايانلارين توپلومساڭ گۈرۈدىر.

بو اساسدا دا ايندى بىدك آذربایجان مىلتى بو حياتى نعمتى قوروماق اوچون ئىيندن گلنى اسىر گەمەيىپ. آمما تأسفلر اولسون كى، بير سىيرا يالنىش باخىشلار اساسيندا اورمو گۈلۈ قونوسونا امنىتى باخىشلارلا باخىلىپ دىر. حال بو كى، ايرانين باشقان يېرلىرىنده عىنى مسئلەلرلە بىشكىلدە داۋانىلمايىر.

بىزىم دىلە گىمىزىدە بودور، بىلە باخىشلار آذربایجاندان گۈئۈرولسون و سونوندا مىللەتىمىز دئمىشىكن :

اورمو گۈلۈ اولمەسىن - دوز چۈلۈنە دونمەسىن

على حمزه زاده

بخش ویژه

دریاچه اورمیه



«دریاچه اورمیه» تنها یک نام؛

بررسی اظهارات ضدونقیض مسئولین در رابطه با احیای دریاچه اورمیه

برنامه‌ریزی ستاد احیای دریاچه اورمیه می‌گوید: «نزدیک به ۸۰ درصد از اقدامات سال ۹۶ مربوط به برنامه‌هایی است که در سال گذشته به طور کامل اجرانشده اند.»

مسعود تجریشی در گفت‌وگو تسنیم، اظهار کرد: «با توجه به اینکه بسیاری از پروژه‌ها به سبب نبود اعتبار در سال ۹۵ به کندی اجراشده و یا به طور کلی تعطیل شده بودند نزدیک به ۸۰ درصد از اقدامات سال ۹۶ مربوط به برنامه‌هایی است که در سال گذشته به طور کامل اجرانشده‌اند.»

این گفته‌ها در حالی است که عیسی کلانتری مدیر ستاد احیای دریاچه اورمیه در مصاحبه با رسانه‌ها می‌گوید: «هنوز هیچ‌کدام از پروژه‌های انتقال آب به دریاچه اورمیه به ثمر نرسیده است.»

کلانتری در رابطه با عملکرد جهاد کشاورزی در حوزه پروژه‌های احیای دریاچه اورمیه می‌افزاید: «متأسفانه برخی از مدیران مصوبات دولت را یا به بازی گرفته‌اند و یا اینکه نسبت به آن‌ها بی‌توجه هستند.»

از گفته و اظهارات مسئولین پر واضح است که هنوز هیچ کار عملی که بتوان از آن به عنوان یک کار جدی یاد کرد در راستای احیای دریاچه اورمیه انجام نشده است. ولی در آشفته بازار احیای دریاچه اورمیه بعضاً صحبت از طرح هایی به میان می‌آید که هیچ فرد بالغی جدی نمی‌گیرد. یکی از این طرح‌ها، طرح انتقال آب از دریاچه وان ترکیه به دریاچه اورمیه است.

در بحبوحه تبلیغات ریاست جمهوری سال ۹۶، فرهاد سرخوش مدیر استانی ستاد احیای دریاچه اورمیه به خبرنگار مهر گفت: «مطالعه انتقال آب دریاچه وان به دریاچه اورمیه در دستور کار ستاد احیا قرار گرفت و در صورت موافقت طرفین عملیاتی می‌شود.»

اما پس از انتخابات و آرام شدن فضای مسعود تجریشی مدیر دفتر برنامه‌ریزی و تلفیق ستاد احیای دریاچه اورمیه گفت: «ستاد هیچ برنامه‌ای برای انتقال آب دریاچه وان به دریاچه برنامه‌ای برای انتقال آب از خزر به اورمیه نیست و تلاش ما تأمین آب از حوزه آب ریز محلی است.»

همه این صحبت و اظهار نظرها جایی پوچ درمی‌آید که دکتر ناصر آق استاد دانشگاه اورمیه می‌گوید: «متأسفانه

دریاچه اورمیه یکی از ذخایر زیست محیطی آذربایجان و منطقه است که امروز با وجود وعده‌های متعدد و برگزاری کنفرانس‌ها و ... رو به موت است. مرگ این دریاچه را می‌توان به نوعی مرگ یک منطقه تعبیر کرد؛ اما در این میان مسئولان دولتی به جای اقدامی ضریبی در جهت توقف این فجایع زیست‌محیطی همچنان به کلی گویی‌های غیرعلمی ادامه می‌دهند. خشک شدن کامل این دریاچه همراه با تهدید جان ۱۴ میلیون انسان است. در این باره «امیرعباس جعفری» مدیر کل مدیریت بحران استانداری آذربایجان غربی می‌گوید: «چنانچه دریاچه اورمیه احیا نشود، بیش از ۱۴ میلیون نفر جانشان در خطر خواهد بود و انواع بیماری‌ها آن‌ها را تهدید می‌کند.»

این هشدار تازه در حالی داده می‌شود که در بهمن ماه سال قبل روزنامه «شهروند» از قول «عیسی کلانتری» مدیر و مجری کارگروه ملی نجات دریاچه اورمیه، نوشت: «با دست خالی نمی‌توان کاری کرد، این دیگر کاری نیست که مردم یا بخش خصوصی بتوانند سرمایه آن را تأمین کنند. در همه جای دنیا توسعه زیربنایی و اکولوژیکی بر عهده دولت است. احیای دریاچه مثل سدسازی نیست که بتوان با فروش آب و برقش، سود سرمایه‌گذاری را تضمین کرد. حاکمیت باید هزینه‌های احیای دریاچه اورمیه را تأمین کند.»

«شهروند» در این گزارش تأکید کرد: «یک سال است که بودجه‌ای به دریاچه اورمیه اختصاص نیافته و این کرده است.»

در طرح‌های احیای دریاچه اورمیه، عدم رسیدگی به برداشت نمک و استفاده شخصی به نفع خود، عدم توجه به آرتمیا، عدم رسیدگی به هزینه‌ها، عدم رسیدگی به پساب فاضلاب‌های ریخته شده به دریاچه نیز نوعی تهدید در آینده دریاچه و محیط‌زیست منطقه محسوب می‌شوند.

اما این همه‌ی ماجرا نیست، ستاد احیای دریاچه اورمیه و نیز مسئولین دولتی همواره از اجرای و رشد سریع طرح‌های احیا سخن به میان می‌آورند که مصاحبه برخی از همین مسئولین با واقعیت‌های موجود و آمارهای دولتی هم‌خوانی ندارد. مدیر دفتر تلفیق و

نقطه دریاچه، افزایش سدسازی‌های بدون مطالعه و برداشت‌های بیش از حد از سفره‌های آب زیرزمینی برای مصارف کشاورزی، در حال خشک شدن کامل است. در ادامه این نوشه به بررسی کوتاه یکی از این عوامل که کمتر مورد توجه افراد و رسانه‌ها قرار گرفته خواهیم پرداخت.

حمید قاسمی، مدیر کل حفاظت محیط‌زیست آذربایجان شرقی در تاریخ ۲۱ دی‌ماه سال ۹۲ در حاشیه جلسه ارزیابی تأثیرات جاده میان‌گذر و برداشت نمک بر اکوسیستم دریاچه شاید نخستین مسئولی بود که صراحتاً در اعتراضی دیرهنگام به تأثیرات مخرب پل میان‌گذر بر دریاچه اورمیه اشاره کرد و در این خصوص اظهار داشت: «با توجه به ویژگی‌های فیزیکی میان‌گذر دریاچه ارومیه از زمان احداث تاکنون، تأثیر آن بر کیفیت و کمیت آب دریاچه ارومیه مشهود است.»

در رابطه با تأثیر مخرب پل میان‌گذر دریاچه اورمیه مسعود باقر زاده معاون دفتر زیست‌گاه‌ها و امور مناطق سازمان حفاظت محیط‌زیست معتقد است: «یک خطای بسیار بزرگ مهندسی هم در این منطقه انجام داده‌ایم که به قولی می‌توان گفت آخرین ضربه را به خشکی دریاچه اورمیه زد و آن احداث میان‌گذر شهید کلانتری است که در بدترین شکل مهندسی ایجاد شد و همین باعث شد که جریان هیدرولیکی داخل دریاچه مختل شود.»

به اعتقاد کارشناسان احداث این بزرگراه روی بزرگترین دریاچه داخلی کشور با مجموعه پیچدهای از ویژگی‌های ژئومورفولوژیک، هیدرولوگرافیک و اکولوژیک و در منطقه کوهستانی بسیار آسیب‌پذیر و سانحه خیزی مستقر است. احداث پل میان‌گذر منجر به اختلال در چرخه طبیعی گردش آب دریاچه، رسوب‌گذاری غیرمعتارف و کاهش ظرفیت خود پالایی آب دریاچه شده که به زوال تدریجی اکوسیستم منطقه منجر خواهد شد.

بررسی تصاویر ماهواره‌ای نشان می‌دهد که احداث بزرگراه بواسطه تأثیر در نظام طبیعی گردش آب در دریاچه است. در صورت ادامه‌ی روند کاهشی آب دریاچه که به افزایش میزان نمک آن خواهد انجامید، چرخه غذایی و سامانه‌ی زیستی دریاچه به هم ریخته و محیط زیست تالاب دستخوش دگرگونی می‌شود.

دکتر جواد پارسا (استادیار گروه مهندسی آب دانشکده کشاورزی دانشگاه تبریز) و دکتر علیرضا مجتهدی (استادیار گروه مهندسی آب دانشکده مهندسی عمران دانشگاه تبریز) درباره تأثیرات مخرب پل میان‌گذر می‌گویند: «احداث میان‌گذر علاوه بر کاهش چشمگیر ارتباط هیدرولیکی بین دو بخش شمالی و جنوبی دریاچه، باعث تغییر در الگوی رسوب‌گذاری، تبادل حرارتی و میزان غلظت در دو بخش مذکور شده است. با توجه به سطح بیشتر بخش جنوبی نسبت به بخش شمالی، کاهش ارتباط هیدرولیکی و تبادل حرارتی، موجب افزایش میزان دمای بخش جنوبی در فصول گرم

تا پایان شهریور امسال بیش از نیمی از دریاچه اورمیه دوباره خشک خواهد شد و کمتر از یک میلیارد مترمکعب در دریاچه آب باقی خواهد ماند.» وی ادامه می‌دهد: «ستاد احیای دریاچه اورمیه قصد دارد تراز اکولوژیک جدیدی برای دریاچه تعریف کند و مسئولان ستاد به این نتیجه رسیده‌اند با شرایط فعلی نمی‌توان به تراز اکولوژیک مدنظر ستاد رسید. فکر می‌کنم تراز اکولوژیک دریاچه اورمیه را در حد ۱۲۷۲ متر باید در نظر بگیریم و اگر دیدیم آب اضافه داریم، می‌توانیم آب بیشتری وارد دریاچه کنیم تا زمانی که تصمیم نگیریم دریاچه را کوچک کنیم، نمی‌توانیم در احیای دریاچه اورمیه موفق عمل کنیم.»

عضو هیئت‌علمی دانشگاه اورمیه می‌افزاید: «اما می‌خواهیم در کنار ستاد احیای دریاچه اورمیه باشیم و به احیای دریاچه کمک کنیم، به شرط اینکه به مسائل و نظریات علمی توجه کنند. مشکل اصلی ما استفاده نکردن از نیروهای علمی است. هیچ وقت از مانمی پرسند که وضع دریاچه چگونه هست و چه باید کرد؟ عمق متوسط دریاچه اورمیه الان زیر یک متر است و این یعنی با تبخیر شدید آب دریاچه تا اواسط مهرماه حداقل ۶۰

سانتی‌متر تبخیر خواهیم داشت و هرجایی از دریاچه که کمتر از ۶۰ سانتی‌متر عمق داشته باشد، دوباره خشک خواهد شد.»

رئیس سابق پژوهشگاه آرتمیا و جانوران آبزی دانشگاه اورمیه ادامه می‌دهد: «رئیس جمهوری واقعاً از نزدیک در جریان مسائل دریاچه اورمیه نیست و آمارهایی که به وی داده می‌شود، واقع‌بینانه نیستند. متأسفانه اخبار درستی به مدیران ارشد دولت نمی‌رسد و همکاران ما در استان در گزارش‌هایشان واقعیت‌ها را نمی‌گویند و رئیس جمهور و خانم ابتکار هم بر اساس همین اطلاعات اظهارنظر می‌کنند. این نشان می‌دهد کارهای ما واقعاً جواب نداده است، ما که دریاچه فصلی نمی‌خواهیم. طرح‌های احیای دریاچه اورمیه باید به صورت واقع‌بینانه اجرایی شوند.»

با همه این ادعاهای هستند کسانی که هنوز طرح‌های اجرانشده احیای دریاچه اورمیه را کارآمد می‌دانند و با وفاحت تمام این نسخه را برای حل بحران کم‌آبی کل کشور می‌بینند. مسعود تجربی مهندس دفتر برنامه ریزی و تلفیق ستاد احیای دریاچه اورمیه در جمیع خبرنگاران عنوان می‌کند: «برای مقابله با بحران آب، طرح احیای دریاچه اورمیه می‌تواند به عنوان مدلی موفق در سراسر کشور اجرا شود. مدل احیای دریاچه اورمیه قابلیت تعمیم به کل کشور را دارد.» اینجاست ضرب المثل معروف «دم خروس را باور کنیم یا قسم حضرت عباس را» ناخودآگاه به ذهن همه خطور می‌کند.

دریاچه اورمیه در دهه اخیر به دلایلی همچون احداث خاک‌ریزی به نام پل میان‌گذر در حساس‌ترین

سال شده است. از طرف دیگر با توجه به اینکه سهم رودخانه‌های بخش جنوبی درآورد رسوب بیشتر از رودخانه‌های بخش شمالی است لذا افزایش شدت رسوب‌گذاری نیز در بخش جنوبی پس از احداث میان گذر باعث کاهش بیشتر عمق در آن شده و موجب شده است که عامل تبخیر از این بخش، با شدت بیشتری تأثیرگذاری نماید.

طبیعی است این عامل که ناشی از احداث میان گذر بوده است در روند خشک شدن دریاچه نقش زیادی ایفا کند. صرف نظر از تأثیر شرایط هیدرولیکی و الگوی چرخش آب و رسوب‌گذاری، تأثیر چشمگیر میان گذر بر پارامترهای اکولوژیکی دریاچه به عنوان یک زیست‌بوم منطقه‌ای و جهانی انکارناپذیر هست. به عنوان نمونه به هم خوردن تعادل میزان غلظت و شوری ناشی از احداث میان گذر به همراه سایر عوامل دخیل در بیلان آبی دریاچه، تهدید کننده بقای گونه منحصربه‌فرد آرتمیای این دریاچه بوده است. واقعیت امر این است که خاک ریزی‌های مربوط به احداث میان گذر، یک اقدام شتاب زده و فاقد اثرات مطالعات کافی به ویژه از نظر ارزیابی زیست‌محیطی بر این پارک ملی بوده و علیرغم اینکه در طی سال‌های اجرای میان گذر مطالعات متعدد انجام گرفته، حاکی از اثرات نامطلوب زیست‌محیطی آن بر این پارک ملی می‌بود لیکن احداث میان گذر همچنان تداوم یافت.»

این کارشناسان درباره نظر برخی کارشناسان که معتقدند، اگرچه احداث میان گذر در خشکی دریاچه اورمیه تأثیرگذار بوده است اما در شرایط کنونی دریاچه می‌تواند به عنوان عامل تأثیرگذاری در احیای بخش شمالی و جنوبی دریاچه به صورت جداگانه در نظر گرفته شود، عنوان می‌کنند: «احیای بخش شمالی و جنوبی دریاچه به صورت جداگانه در قالب مطالعات برخی از همکاران به شکل یک نظریه انجام گرفته است که لازمه آن قطع ارتباط کامل بین دو بخش شمالی و جنوبی و عملکرد میان گذر به عنوان یک دایک کامل می‌باشد ولی تجربه ناموفق Great Salt Lake در ایالات متحده که نظر محققان متعدد حاکی از خشک شدن کامل آن در آینده نزدیک می‌باشد، دلیلی بر رد این دیدگاه است. مضافاً اینکه اجرای چنین طرحی می‌تواند در بلندمدت منجر به بروز اثرات نامطلوب مضاعف اکولوژیکی غیرقابل پیش‌بینی باشد که وضعیت اکولوژیکی منطقه‌ای را بیش از پیش تحت تأثیر قرار دهد.»

قوانين داخلی، حقوق بین الملل و مسئله دریاچه اورمیه!

«وَ هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَنَا بِهِ نَبَاتٌ كُلُّ شَيْءٍ...»؛ (انعام ، ۹۹)

او کسی است که از آسمان آب را فرستاد و همه نباتات را ما به وسیله آب رویاندیم.

علی حمزه زاده دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق عمومی

مقدمه

تالاب ها یکی از ارزشمندترین اکوسیستم های زمین هستند. به گونه ای که امروزه بیش از یک سوم جمعیت جهان در حاشیه تالاب ها، اعم از رودخانه ها، برکه ها و سواحل زندگی می کنند.

علاوه بر این از نظر اقتصادی مطالعات صورت پذیرفته نشان دهنده این مهم می باشد که یک تالاب حدود ۱۰ برابر جنگل ها و ۲۰۰ برابر زمین های زراعی ارزش اقتصادی دارد.

از تعاریف یاد شده از تالاب می توان به این تعریف جامع که در کوانسیون رامسر ارائه شده است اشاره نمود: «مناطقی پوشیده از مرداب، باتلاق، لجن زار یا آبگیرهای طبیعی و مصنوعی اعم از دائمی یا موقت که در آن آبهای شور یا شیرین به صورت راکد یا جاری یافت می شود، از جمله شامل آبگیرهای دریایی که عمق آنها در پایین ترین حد جزر از ۶ متر تجاوز نکند.»

با توجه به مطالب مذکور می توان به اهمیت روز افزون تالاب ها پی برد. اما متأسفانه این نعمات الهی با خطرات بسیاری مواجه هستند که یکی از آن ها فعالیت های بشري است.

دریاچه اورمیه یکی از ارزشمندترین تالاب های موجود در کشور ایران می باشد که امروزه با خطر مرگ دست و پنجه نرم می کند. دریاچه ای که روزی خروشان بود اما امروزه در مظلومیت و تنهایی برای حیات آذربایجان تا آخرین نفس می خواهد زنده بماند.

امروزه پژوهه های اقتصادی نظیر احداث بزرگراه شهید کلانتری بر روی دریاچه و ساخت سدهای متعدد مخزنی در مسیر رودخانه های تغذیه کننده آن، دریاچه را با مشکلات جدی روبرو ساخته است. که این اعمال با توجه به اثراتی که مشاهده می شود بیانگر این می باشد که مغایر قوانین و مقررات بوده و در خوش بینانه ترین حالت ممکن تنها در جهت کسب منافع اقتصادی صورت پذیرفته است.

در این نوشتہ با اختصار مشکل زیست محیطی دریاچه اورمیه از دیدگاه حقوق داخلی و بین المللی بررسی خواهد شد.

اهمیت و جایگاه دریاچه اورمیه در ایران و جهان

دریاچه اورمیه به عنوان دومین دریاچه شور جهان، بزرگترین زیستگاه طبیعی آرتمیا، بیستمین دریاچه بزرگ جهان، بزرگ ترین دریاچه داخلی ایران و بزرگ ترین آبگیر دائمی آسیای غربی با مساحت بیش از ۴۸۳۰۰ هکتار، در سال ۱۳۴۶ به عنوان منطقه حفاظت شده انتخاب و در سال ۱۳۴۹ به پارک ملی تبدیل شد و بعدها نیز به عنوان یکی از نادر ترین ذخیره گاه بیوسفری ایران و جهان در نظر گرفته شد. یونسکو در سال ۱۳۵۴ در برنامه جهانی انسان و زیست کرده، ۹ نقطه را برای حفاظت ...

انتخاب نمود که یکی از آن‌ها دریاچه ارومیه هست. دریاچه ارومیه از سوی شورای حفاظت از پرندگان به عنوان یکی از زیستگاه‌های مهم برای پرندگان تشخیص داده شده است. این دریاچه، در سال ۱۳۵۴ در کنوانسیون رامسر در گروه دریاچه‌های «لاک و سترین» به ثبت رسید.

این تالاب بنا به گزارش برنامه مدیریت جامع دریاچه ارومیه به لحاظ موارد زیر واجد ارزش هست:

(الف) کارکردها (حمایت از تنوع زیستی، تعدیل آبوهوا، کاهش و ترسیب رسوبات و آلاینده‌ها، جلوگیری از پیشروی آب‌شور، چشم انداز زیبا، تثبیت نهشته‌ای نمکی)

(ب) خدمات (گردشگری و طبیعت‌گردی، چشم‌های آب گرم لجن درمانی، آبزی پروی، آموزش، تحقیقات و پژوهش، میراث فرهنگی)

(ج) فرآورده‌ها (صید آرتیمیا، برداشت نمک، چرای دام‌های اهلی و گاویش، شکار پرندگان آبزی، ماهیگیری، منبع گیاهان دارویی)

این تالاب دارای دو نوع اکوسیستم آبی و خشکی بوده که اکوسیستم آبی آن شامل آب‌شور دریاچه و اراضی باتلاقی حاشیه آن است. دریاچه ارومیه یکی از بزرگ‌ترین زیستگاه‌های طبیعی آرتیمیا در دنیاست.

اکوسیستم خشکی نیز شامل ۱۰۲ جزیره بزرگ و کوچک می‌باشد که هر یک تأمین‌کننده بخشی از نیازهای حیاتی دریاچه به شما رمی‌رود. این دریاچه از مهم‌ترین مکان‌های پذیرای پرندگان مهاجر هست. از پرندگان تاکنون ۱۸۶ گونه متعلق به ۲۲ خانواده بو می و مهاجر در این دریاچه شناسایی شده‌اند که این تنوع زیستی دریک محدوده در جهان کم‌نظیر است. دریاچه ارومیه در سطح بین‌المللی و ملی یک زیست‌بوم بسیار بالارزش و بالهمیت است که تأمین-کننده تنوع زیستی غنی، ارزش‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در سطح حوزه است.

در قوانین ایران مواردی متعددی برای حفظ محیط‌زیست ذکر شده است، اما آیانگین آذربایجان در این میان استثنای است؟!

در قوانین داخلی جمهوری اسلامی ایران در موارد مختلفی به طرقی به مسائل محیط زیستی اشاره شده است. که در این میان می‌توان بدین موارد اشاره نمود: قانون توزیع عادلانه آب، قانون معادن، قانون مناطق دریایی جمهوری اسلامی ایران، آیین‌نامه جلوگیری از آلودگی آب، قانون تحove جلوگیری از آلودگی هوا، قانون حفاظت و بهره‌برداری از منابع آبزی جمهوری اسلامی ایران، قانون مجازات اسلامی اما در صدر این قوانین آنچه اهمیت مسائل محیط زیستی را بیشتر در قوانین داخلی ایران معین می‌نماید اصل ۵۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هست که بیان می‌دارد:

«در جمهوری اسلامی، حفاظت محیط‌زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌شود. از این‌رو فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط‌زیست یا تخریب غیرقابل‌जبران آن ملازمه پیدا کند، منوع است.»

همان‌گونه که مشاهده می‌شود قانون اساسی حفظت از محیط‌زیست را یک وظیفه عمومی قلمداد نموده است. از این‌رو ملت آذربایجان حق دارد که از دریاچه‌اش که امری حیاتی برای وطنش می‌باشد حفاظت نماید. و هر کاری که از یادش ساخته است از نگین آذربایجان دریغ ننماید. اما متأسفانه هستند کسانی که حتی در مسائل محیط زیستی نیز به آذربایجان با دیدگاه مسموم می‌نگردند. گویی با مرگ دریاچه ارومیه چه چیزی نصیب آنان خواهد شد؟! اما در حقیقت آنان غافل‌اند، غافل‌اند از اینکه طوفان‌های نمک روزی به چشم آنان و نزدیکانشان نیز خواهد رفت.

قوانين باید در هر مکان و زمان برای افراد مملکت به صورت یکسان اجرا شود به گونه‌ای که هیچ فردی در جامعه احساس تبعیض ننماید. همانند سایر قوانین، قوانین محیط زیستی نیز باید در ایران همان‌گونه که در اصفهان و شهرهای دیگر، برای کارون و زاینده‌رود و... اجرا می‌شود در آذربایجان و نسبت به دریاچه ارومیه نیز همان‌گونه باشد.

حفظ از تالاب‌ها در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست و مسئله دریاچه ارومیه

اهمیت حفاظت از تالاب‌ها جامعه بین‌المللی را نیز متوجه خطرات از بین رفتن این اکوسیستم‌های ارزشمند ساخته است. بدین جهت نیز در سال ۱۹۷۱ جامعه بین‌المللی برای تهییه کنوانسیون رامسر در حفاظت از تالاب‌ها اقدام نمود. این کنوانسیون به عنوان مهم‌ترین و تنها کنوانسیون ناظر بر حفاظت از تالاب‌ها، همه‌ی دولت‌های عضو خود، از جمله ایران را متعهد به استفاده معقول از تالاب‌ها می‌نماید. همان‌گونه که در فوق ذکر شد دریاچه ارومیه یکی از ارزشمندترین تالاب‌های جهان هست اما متأسفانه در اثر برخی بی‌تبیری‌ها که با توجه به قوانین داخلی و خارجی تخلف محسوب می‌شود، نگین آذربایجان با مشکلات اساسی مواجه شده است.

در این قسمت تلاش می‌شود عمدتاً از منظر حقوق بین‌الملل خاص حاکم بر حفاظت از تالاب‌ها، کنوانسیون رامسر به قضیه پرداخته شود.

کنوانسیون رامسر، به عنوان تنها کنوانسیون جهانی پایه‌گذاری شده در ایران، قدیمی‌ترین معاہده بین‌الدولی جهانی با تأکید بر حفاظت و استفاده پایدار از طبیعت و تنها کنوانسیون بین‌المللی حفاظت از تالاب‌های است. این کنوانسیون در دوم فوریه ۱۹۷۱ منعقد و در ۲۱ دسامبر ۱۹۷۵ لازم‌اجرا شد؛ بنابراین، دوم فوریه (۱۳ بهمن) روز جهانی تالاب‌ها نامیده می‌شود. محل انعقاد این کنوانسیون شهر رامسر ایران، دبیرخانه آن در شهر گلاند سوئیس و مرجع نگهداری

استناد کنوانسیون، سازمان جهانی یونسکو است.

اموریت کنوانسیون رامسر حفاظت و استفاده معقول از تالابها از طریق اقدامات محلی، ملی و همکاری‌های بین‌المللی به عنوان گامی در نیل به توسعه پایدار در سرتاسر جهان می‌باشد. بر طبق این کنوانسیون دولتهای طرف معاهدہ به موارد زیر معهده استند:

(۱) ثبت حداقل یک سایت واجد معیارهای کنوانسیون رامسر در فهرست تالابها بالهمیت بین‌المللی.

(۲) ترویج حفاظت و استفاده معقول از تالابها.

(۳) گنجاندن حفاظت از تالابها در طرح ملی.

(۴) ایجاد مناطق حفاظتشده طبیعی تالابی و ترویج آموزش درزمنه بهره‌برداری از تالابها.

(۵) مشاوره با کشورهای عضو کنوانسیون در خصوص نحوه اجرای اجرای کنوانسیون رامسر.

هرگونه کوتاهی و نقصان در حفاظت از تالابها منجر به مسئولیت بین‌المللی آن کشور می‌شود.

تالابهای مندرج در کنوانسیون رامسر وضعیت جدیدی را در سطح ملی کسب می‌کنند و از سوی جامعه بین‌المللی واجد ارزشی برجسته می‌شوند.

تالابهایی که به دلایل مختلف نظیر بهره‌برداری نادرست، خشک‌سالی، تهدیدها و مضلات زیست‌محیطی در معرض خطر و نابودی قرار می‌گیرند، جای خود را در فهرست رامسر ازدست‌داده و در فهرست جدیدی به نام مونترو (لیست تالابهای در معرض خطر و نابودی) قرار می‌گیرند. در این حالت بنا بر توصیه دولت مربوطه و مشورت با دفتر کنوانسیون با ورود نام تالاب به فهرست مونترو، اقدامات فوری اغلب توسط سایر اعضاء کنوانسیون برای بهبود وضع تالاب انجام می‌پذیرد.

دولتهای عضو این کنوانسیون معهده استفاده معقول از تالابهای واقع در قلمرو سرزمینشان و در راستای آن معهده به حفظ ویژگی‌های اکولوژیکال تالابها، ارزیابی زیست‌محیطی و در نظر گرفتن اصل احتیاط در انجام هرگونه اقدام در تالاب‌ها شده‌اند.

معهده استفاده معقول از تالابها هستیم اما با این فعلها و ترک فعلها تعهدات خود را نقض می‌کنیم!

بر هم خوردن ویژگی‌های اکولوژیکال دریاچه در اثر اجرای پروژه‌هایی همچون احداث بزرگراه میان‌گذر شهید کلانتری و یا احداث سدهای متعدد مغایر با معیار استفاده معقول مندرج در کنوانسیون رامسر می‌باشد. توسعه اقتصادی باید با تدبیر و مدیریت و ارزیابی صورت پذیرد تا مشکلی برای پایداری محیط‌زیست ایجاد نکند.

پروژه‌های مذکور مصدق بارز توسعه ناپایدار اقتصادی در دریاچه اورمیه هست. متأسفانه علی‌غم اینکه ایران به عنوان مبدأ کنوانسیون رامسر همواره خود را معهده حفاظت از تالابها دانسته است اما در این مورد مشاهده می‌شود که این اعمال صورت گرفته منطبق با تعهداتش نسبت به کنوانسیون و فراتر از آن منطبق با اصول حقوق بین‌الملل نمی‌باشد.

پایان سخن

همان‌طور که گفته شد، قوانین متعددی هم در حقوق داخلی و هم در حقوق بین‌المللی البته با توجه به نوافع و کاستی‌ها به‌حال وجود دارد؛ اما متأسفانه حتی این قوانین نیز همچون برخی دیگر از قوانین از قبیل اصول ۱۵، ۱۹، ۲۷ قانون اساسی و ... در آذربایجان با دیگر مناطق ایران با تفاوت‌های اعمال شده یا اصلاً اعمال نمی‌شوند!

به‌ Moghb اصل ۲۱ اعلامیه استکلهلم مسئولیت حفاظت از محیط‌زیست یک کشور بر عهده همان کشور است. بدین‌جهت نیز در مرحله اول ایران هست که مسئولیت دریاچه اورمیه را بر عهده خواهد داشت و باید با مدیریت و ابتکار مناسب و ارزیابی‌های دقیق و علمی به نجات نگین آذربایجان گام بردارد؛ و با استی اقدامات غلطی که تاکنون صورت پذیرفته سریعاً اصلاح و برطرف شوند.

ایران باید عوامل منجر به استفاده غیرمعقول از دریاچه اورمیه را رفع کند و سیستم ارزیابی‌های زیست‌محیطی خود را در خصوص هرگونه اقدام مربوط به دریاچه اورمیه تقویت نماید تا دیگر شاهد شاهکارهایی همچون بزرگراه و سدهای مخزنی بی‌مورد که دریاچه را با خطرات جدی مواجه ساخته‌اند نباشیم.

در مرحله دوم نیز به دلیل اینکه مسائل محیط زیستی دغدغه‌هایی هستند که فراتر از مزه‌های یک کشور را در بر می‌گیرند، به‌گونه‌ای که حتی خطرات ناشی از آن می‌تواند کشورهای همسایه یک کشور را نیز دربر بگیرد، جامعه بین‌الملل نیز بر خود وظیفه می‌داند جهت حفاظت از آن، اقدامات و قوانینی را وضع نماید.

از یکسو، حقوق بین‌الملل می‌تواند ایران را ملزم به انجام تعهدات خود نسبت به محیط‌زیست بنماید و از طرفی دیگر ایران نیز می‌تواند در مسائلی همچون مشکل دریاچه اورمیه از راهکارهای بین‌المللی، کمک‌های مالی از نهادهای مالی بین‌المللی و ... بهره‌مند شود؛ و در مسائلی از این قبیل از جامعه بین‌المللی درخواست کمک نماید.

امید است تمامی قوانین، راهکارها و تدبیرات و نحو احسنت در ارتباط با محیط‌زیست به خصوص در ارتباط با دریاچه اورمیه اجرا شوند تا روزی بازهم بتوانیم شاهد موج‌های خروشان دریاچه اورمیه باشیم.

منابع:

۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و دیگر قوانین داخلی مذکور ۲ بررسی مشکل زیست‌محیطی دریاچه اورمیه از منظر حقوق بین‌الملل محیط‌زیست-حقوق سلیمانی ترکمانی
۲. سازمان حفاظت محیط‌زیست (برنامه مدیریت جامع دریاچه اورمیه) ۴. اعلامیه استکلهلم ۵ کنوانسیون رامسر

وضعیت قرمز در دریاچه اورمیه!



مسعود پیری

چندین سال است که دریاچه اورمیه با پدیده خشکی مواجه شده و با آن برای نجات خود دست و بینجه نرم می‌کند و این خشکی به یکی از دغدغه‌های ملت آذربایجان تبدیل شده است.

تابه‌حال جهت احیای این دریاچه اقداماتی هم از طرف مردم در حد توان خویش و

هم از طرف کشورهای دیگر NGO-های طرف دار محیط‌بیست و سازمان‌های جهانی از جمله سازمان ملل متحد شده است ولی متأسفانه نتیجه‌های قابل قبول به دست کارشناس مکانیک و داشجوی رشته حقوق

نیامده است و نگرانی‌های مردم و طرفداران محیط‌بیست از اینکه دریاچه دیگر احیا

نخواهد شد همچنان باقی است با توجه به اینکه دریاچه اورمیه دومین دریاچه شور جهان و یکی از منابع طبیعی

بالارزش به حساب می‌آید و هر کشوری آرزوی داشتن همچنین دریاچه‌ای را دارد، متأسفانه با بی‌توجهی دولت‌های وقت

و دولت فعلی و عدم ارائه نظریه‌های کارشناسی و اجرای آن‌ها جهت جلوگیری از خشک شدن دریاچه اکنون بیش از نود

در صد دریاچه به صورت کامل خشک شده است که یک فاجعه زیست‌محیطی به حساب می‌آید.

در این چند سال اخیر پدیده‌ای دیگری نیز رخداده است که شدت آن امسال نسبت به سال‌های قبل بیشتر شده و آن

هم تغییر رنگ دریاچه به رنگ قرمز است و حرف‌وحديث‌های زیادی در مورد علل قرمز شدن دریاچه زده می‌شود و

باعث نگرانی مردم شده است.

با توجه به گفته‌های مدیریت بحران استان آذربایجان شرقی وجود تعداد زیادی از جلبک‌ها و آرتمیا باعث خارج شدن رنگ دریاچه از حالت طبیعی شده است و فعالیت بیش از حد آن‌ها باعث قرمز شدن دریاچه اورمیه شده و تنها ترین علت تغییر رنگ است.

محققان مرکز تحقیقات آرتمیا کشور با نمونه‌برداری از دریاچه و انجام آزمایش‌هایی علل تغییر رنگ را چنین گفتند:

با توجه به اینکه دریاچه اورمیه، دریاچه‌ای با شوری بالاتر از اشبع هست و شرایط مساعد برای رشد و تکثیر گروهی از باکتری‌های هالوفیت‌ها از گروه هولوباكتریوم ها

و هولوکوس می‌شود که این باکتری‌ها دارای رنگ ریزه‌های باکتر و

رودوپسین هستند که به آن‌ها امکان استفاده از انرژی نورانی خورشید را

به صورت بی‌هوایی و در محیط‌هایی با کمبود اکسیژن بالا می‌دهد که

این رنگ ریزه‌ها به رنگ زرشکی بوده و آب دریاچه بالاً خاص در سواحل

که دارای تابش شدید نوری و نفوذ نور هستند را به رنگ سرخ درمی‌آورد.

این باکتری‌ها که علل اصلی تغییر رنگ دریاچه هستند هیچ‌گونه تأثیر منفی از لحاظ بهداشتی و سلامتی برای انسان ندارند ولی زندگی آرتمیاها که تنها موجودات زنده در

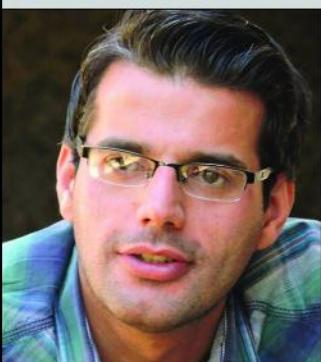
دریاچه اورمیه هستند را به خطر انداخته است.

از نظر محققان تغییر رنگ رخداده در دریاچه پدیده‌ای زیست‌محیطی محاسب می‌شود و با

افزایش و تابش نور خورشید تا پایان روزهای گرم فصل تابستان شاهد چنین تغییر رنگی در دریاچه خواهیم بود.

چنین تغییراتی در دریاچه‌های شور جهان در دریاچه گریت سالت لیک آمریکا در سال ۱۹۸۰

دریاچه یوتا در سال ۱۹۹۰ و دریاچه بحرالمیت کشور اردن نیز دیده شده است.



دریاچه اورمیه؛ مستندسازی یک فاجعه

مهار طبیعت عبارتی است اندیشه خودبینی، زاده عصر نناندرتال زیستشناسی و فلسفه، بدان گاه که گمان می‌رفت، طبیعت برای آسایش انسان آفریده شده است.
(کارسون، ۱۹۶۲: ۱۰۰)

مهدی حمیدی شفیقی

دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی

مقدمه:

زمانی بود که طبیعت اصلی‌ترین مانع در پیشرفت و توسعه تمدن بشری قلمداد می‌شد، انسان عصر کهن طبیعت را نیز همچون خود ذیروح، صاحب شعور و زندگی می‌دانست و برای آن اراده‌ای متمايز قائل بود. در بیشتر تمدن‌های مطرح عصر کهن رگه‌هایی از آنیسم (جاندار پنداری) و در اساطیر بر جای‌مانده از این اقوام، خدایگانی نماینده قدرت‌های ناشناخته طبیعت دیده می‌شوند که به خاطر مهار و کنترل خشم طبیعت، مورده‌ستایش و پرستش قرار می‌گیرند. در شمنیسم به عنوان آینین باستانی اقوام ترک، طبیعت‌گرایی یک عنصر برجسته است و پیروان این آینین برای تمام عناصر محیط طبیعی از جمله سنگ، درخت، کوه و رود زندگی قائل‌اند و معتقدند نیروهای طبیعت تمام شئون زندگی انسان را تحت کنترل خود دارد. به مرور با افزایش سطح علم و پیشرفت تکنولوژی، انسان از دوران ستایش و پرستش طبیعت و نیروهای طبیعت گام به دوران مدرن و آغاز عصر اومانیسم گذاشت، زمانی که انسان خود را در رأس کائنات می‌دید. بدین شکل، انقلابی شگرف از اندیشه یکسان پنداری انسان و طبیعت و هماهنگی این دو در دوران کهن، به برتری اراده و هستی انسان بر طبیعت در دوران مدرن اتفاق افتاد. هرچند در سایه تکنولوژی و علم انسان مدرن، انسان مدرن می‌پندارد که با تکیه‌بر اراده برتر خود، موفق شده طبیعت را مهار و رام کند، اما به وقت بروز بلاهایی طبیعی نظیر سیل و زلزله، باز هم ضعف انسان در برابر طبیعت آشکار می‌شود. طبیعت همچنان در اشکال مختلف غیرقابل پیش‌بینی و غیرقابل کنترل است و انسان خودخواه و مغروف برآمده از عصر مدرن به نام توسعه در حال تخریب وجوده گوناگون آن است، غافل از اینکه اگر طبیعت از بین برود، زندگی انسان هم رو به پایان خواهد گذاشت.

زنگ خطر؛ زمین دارد از دست می‌رود

مجمع جهانی اقتصاد در یک گزارش علمی که با همکاری ۷۵۰ کارشناس در حوزه‌های مختلف تنظیم شده به معرفی ۳۰ خطر پرداخته که در سال ۲۰۱۷ جهان را تهدید می‌کند. در این گزارش مخاطرات سال ۲۰۱۷ به تفکیک ۵ بخش مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، محیط‌زیستی و تکنولوژیک معرفی شده‌اند و بر این اساس تغییرات آب و هوایی در کنار ناوبری سطح دستمزدها و قطبی شدن جوامع، بزرگ‌ترین روندهای خطرآفرین در سال ۲۰۱۷ خواهند بود و پنج خطر زیست‌محیطی برای نخستین بار جزو محتمل‌ترین و تأثیرگذارترین خطراتی معرفی شده‌اند که پیش روی جهان قرار می‌گیرند. بحران که‌آبی و خشکسالی، شرایط بد آب و هوایی، بلایای طبیعی اصلی و شکست اقدامات مقابله با تغییرات آب و هوایی در زمرة ۵ خطر تأثیرگذار سال ۲۰۱۷ میلادی قرار دارند. در شرایطی که جهان در سال ۲۰۱۶ شاهد



بیش از دو سوم از تالاب‌های ایران خشک شده‌اند، ۱ میلیون هکتار از تالاب‌های ایران خشک و تبدیل به بیابان شده‌اند. میزان فرسایش خاک در ایران ۵ برابر متوسط جهانی است و هر سال ۱ درصد به مساحت بیابان‌های ایران اضافه می‌شود و فرسایش خاک سالانه ۲۰ تن خاک در هکتار عرصه‌های منابع طبیعی ایران را در مسیر بیابانی شدن قرار می‌دهد. هر روز حدود ۳۰ میلیون مترمربع و تا پایان سال ۱۱ میلیارد و ۴۰ میلیون مترمربع از جنگل‌ها و مراتع طبیعی کشور تخریب می‌شود. در طی ۷ سال گذشته ۱۰ میلیون از مساحت عرصه‌های طبیعی ایران نابود شده و در مقابل ۱۶۵ هزار هکتار بیابان‌زدایی داشته‌ایم. اگرچه هر سال به استناد آمار دولتی ۱۰۰ هزار اصله نهال برای تقویت جنگل کاری کاشه است. بر اساس گزارش بانک جهانی که در حال کاشه است. بر اساس گزارش بانک جهانی که در سال ۱۳۸۴ رسانه‌ای شد، سالانه ۱۲۵ هزار هکتار از جنگل‌های ایران نابود می‌شود، پیش‌بینی شده است.

ایران تا ۵۰ سال آینده جنگلی نخواهد داشت. ۸۰ درصد از دشت‌های ایران در معرض نابودی است و با ادامه این خشکسالی در طی ۱۰ سال آینده پیش‌بینی می‌شود، ایران به یک بیابان کامل تبدیل شود. دمای ایران در طی سال‌های گذشته بیش از ۵/۱ درجه سانتی گراد افزایش داشته، در تولید گازهای گلخانه ای جزء ۵۵ کشور اول دنیا در این زمینه هستیم، سازمان بهداشت جهانی اعلام کرد که میزان آلودگی هوای شهرهای اهواز، آبادان، اندیمشک و ماهشهر ۶ برابر بیشتر از استانداردهای جهانی است و در مهرماه سال ۹۳ چهار شهر سنندج، کرمانشاه، یاسوج و اهواز در زمرة ۱۰ شهر آلوده جهان قرار گرفتند. شاخص عملکرد محیط‌زیستی ایران در سال ۲۰۱۶ حاکی از آن است که ایران در رتبه ۱۰۵ در بین ۱۸۰ کشور دنیا قرار دارد. این شاخص ترکیبی از عوامل و کارکردهای مختلف دولتها و عمدتاً شامل فعالیت‌های آن‌ها در مورد دو شاخص بهداشت محیط (شاخص‌هایی مانند آب، هوا و سلامت محیط‌زیست) و پویایی یا اعتبارسنجی اکوسیستم‌ها (تغییرات اقلیمی، صید، جنگل‌ها، کشاورزی، تنوع زیستی و زیستگاه‌ها، تأثیر منابع آبی بر اکوسیستم‌ها و تأثیر هوای اکوسیستم‌ها) است.

وضعیت فاجعه‌بار محیط‌زیست در ایران همچنان ادامه دارد، بدون این‌که چاره اساسی برای آن اندیشه شود، در مسیر برنامه‌های توسعه ایران، محیط‌زیست آن‌چنان که باید شاید مورد توجه قرار نگرفته است و هر آنچه مربوط به برنامه‌های حفاظت محیط‌زیست است در حد شعار و حرف باقی‌مانده است. درواقع با توجه به این آمار و وضعیت موجود ایران یکی از کشورهایی است که در کانون بحران‌های زیست‌محیطی قرار گرفته است و چشم‌انظر قوی چندین و چند فاجعه است. یکی از این فجایع زیست‌محیطی که در سال‌های اخیر ابعاد بین‌المللی هم پیدا کرده است، فاجعه زیست‌محیطی دریاچه ارومیه است.

پیشرفت‌های چشمگیری در حوزه مقابله با تغییرات آب و هوایی بود و کشورهایی همچون آمریکا و چین توافق پاریس را تصویب کردند، با ظهور ترامپ و دستوری وی مبنی بر خروج آمریکا از این توافق‌نامه، این پیشرفت متوقف شد. طی توافق‌نامه تاریخی پاریس جامعه بین‌المللی موظف می‌شد تا با در پیش گرفت اقدامات پیشگیرانه میانگین گرمایش کره زمین را تا زیر دو درجه سانتی گراد قبل از انقلاب صنعتی نگه دارد.

مباحث و مسائل زیست‌محیطی از جمله، تغییرات آب و هوایی کره زمین، از میان رفتن تنوع زیستی و حیوانی جهان، بحران کم‌آبی و خشکسالی و افزایش سطح بیابان‌زایی، آب شدن یخ‌های قطبی، سوراخ شدن لایه اوزون و تولید گازهای گلخانه‌ای در صدر بحران‌هایی قرار دارند که زندگی انسان را در این کره خاکی تهدید می‌کنند.

سال ۲۰۱۶ عنوان گرمترین سال کره زمین را از آن خود کرد، پیش‌ازین اعلام شده بود که سال ۲۰۱۵ گرمترین سال در ۱۳۷ سال گذشته بوده است، اما افزایش دما در سال گذشته هم ادامه داشت تا رکورد گرمترین سال شکسته شود.

دمای کره زمین نسبت به دوران پیش‌اصنعتی یعنی اواسط قرن ۲/۱ درجه سانتی گراد افزایش داشته است و البته میزان گازهای گلخانه‌ای، دمای هوا و دمای آب دریاها و اقیانوس‌ها هم در بالاترین حد خود قرار دارد. همچنین در گزارش‌های متعدد عنوان شده است که اکنون بیش از ۹۰ درصد مردم جهان در معرض آلودگی آب و هوا قرار دارند و هر سال بیش از ۶ میلیون نفر در اقصی نقاط جهان، به خاطر آلودگی هوا جان خود را از دست می‌دهند. نسل کنونی، نخستین نسلی است که به‌واسطه دست‌یابی به تکنولوژی‌های پیشرفته و سلاح‌های کشتار جمعی، توانایی نابودی کره زمین را دارد و در عین حال نخستین نسلی است که با توجه به مخاطرات موجود نمی‌تواند، اهمیت محیط‌زیست را نادیده بگیرد. این ترس و واهمه اکنون بسیار واقعی است که با ادامه وضعیت فعلی، زمین را برای همیشه از دست بدھیم.

آجیق سوز

۱۲

ایران، خطر بسیار نزدیک است

خطر کم‌آبی و خشکسالی در ایران بسیار جدی است و زنگ‌های خطر به صدا درآمده است. محققان پیش‌بینی کرده‌اند که تا سال ۲۰۲۵ ایران با کمبود فیزیکی آب مواجه خواهد شد و خبرگزاری جهانی طبیعت بزرگ‌ترین چالش ایران دوران معاصر را کم‌آبی و خشک سالی معرفی کرده است. طبق گزارش ناسا درباره شرایط جوی در ۳۰ سال آینده، ایران در میان ۴۵ کشور در رتبه چهارم دنیا قرار دارد. ایران از نظر توسعه بیابان در ردیف ۵ کشور نخست جهان قرار دارد و در طول ۳۰ سال گذشته ۳۰ درصد به مساحت بیابان‌زایی ایران اضافه شده است. این در حالی است که از بیابان‌زایی پس از کمبود آب شیرین و تغییرات اقلیمی به عنوان یکی از اساسی‌ترین چالش‌های جهان در آینده یاد می‌شود.

آمار سدهای موجود و ساخته شده بر روی حوزه آبریز دریاچه اورمیه بسیار متفاوت است که گاهی از ۱۰۰ هم می‌گذرد، اما مشخص است که این سدهای متعدد و غیر کارشناسی شده یکی از دلایل اصلی خشک شدن دریاچه اورمیه هستند که سابقه ساخت برخی از آن‌ها حتی به دوران قبل از انقلاب اسلامی برمی‌گردد. به عنوان نمونه زیرینه رود ۴۱ درصد آب

دریاچه را تشکیل می‌داد ولی از این مقدار حتی یک درصد هم به دریاچه نمی‌رسد و صرف مصارف کشاورزی می‌شود. عامل دیگر حفر چاه‌های غیرمجاز و استفاده از منابع آب زیرزمینی است که بر طبق برخی از گزارش‌های موافق در منطقه دریاچه اورمیه وجود دارد، از این تعداد فقط ۲۴۰ چاه عمیق مجاز هستند. پس از پیروزی روحانی در سال ۹۲ و عده انتخاباتی وی برای احیاء دریاچه اورمیه و پیرو تشكیل ستاد احیاء این امیدواری به وجود آمده بود که در سایه برنامه‌ریزی‌های صحیح و مدیریت این نهاد وابسته به دولت، شاهد احیاء دریاچه اورمیه باشیم، اما اکنون پس از گذشت ۴ سال باید گفت که ستاد احیاء در عمل هیچ برنامه‌ای برای احیاء و نجات دریاچه اورمیه نداشته و عملکرد موفقی نداشته است. این در حالی است که هنوز هم علاوه‌های شهداردهنده در مورد وضعیت دریاچه اورمیه به صدا درمی‌آید، مسئولین دولتی خود عنوان کرده‌اند که با خشکی دریاچه اورمیه زندگی ۱۴ میلیون نفر به خطر می‌افتد و ابعاد این فاجعه زیست محیطی محدود به آذربایجان نخواهد بود و کل ایران و حتی کشورهای همسایه ایران در منطقه را هم فراخواند گرفت. فرهاد پاک نیا مدیر مشارکت‌های مردمی شرکت امور آب آذربایجان شرقی در مصاحبه‌ای در

۲۹ آبان سال ۹۴ اظهار داشته است: «در صورت خشک شدن کامل دریاچه اورمیه زمین‌هایی که در شاع ۵۰۰ کیلومتری این دریاچه قرار دارند با خطر مواجه خواهند شد.» بنابراین خشکی دریاچه اورمیه مساحتی در حدود ۷۸۵ هزار کیلومترمربع (معادل وسعت ترکیه و پاکستان) را در معرض آسودگی نمکی قرار دهد که یکی از آسودگی‌های خطرناک و غیرقابل بازگشت محیط‌زیستی است. این در حالی است که تحقیقات نشان می‌دهد، نمک دریاچه اورمیه حاوی مواد سمی و مضر نظیر آرسنیک و جیوه است که می‌تواند به اختلالات ژنتیکی، سرطان مری، بیماری‌های عصبی و تولد نوزادان جهش‌یافته منجر شود و در طی سال‌های گذشته بادهای نمکی کل اقلیم آذربایجان را در برگرفته است. تصاویر ماهواره‌ای ناسا نشان می‌دهد در سال‌های گذشته هرساله نزدیک به ۲۲۰ کیلومترمربع از دریاچه اورمیه خشک شده است. به گزارش ناسا در ۱۴ سال گذشته ۷۰ درصد از وسعت سابق دریاچه اورمیه خشک شده است. معصومه ابتکار هم در سال ۹۳ هم طی یک مصاحبه در مورد آخرین وضعیت دریاچه اورمیه گفت: «نتیجه یک مطالعه علمی اخیر نشان می‌دهد که حدود ۸۸٪ از مساحت سطح دریاچه

دریاچه اورمیه: مستندسازی یک فاجعه

«دریاچه اورمیه تا ۱۵ سال آینده خشک می‌شود»، این تیتر روزنامه محلی نوید آذربایجان است به تاریخ ۲۴ شهریور ۱۳۸۰. اگر این تیتر واقع‌بینانه و آینده‌گرانه را کنار بگذاریم، گزارش‌هایی در دسترس هست که نشان می‌دهد که مسئولین کشور بیش از این تاریخ از وضعیت فاجعه‌بار دریاچه اورمیه و احتمال خشکی آن در طی سال‌های بعدی خبر داشته‌اند؛ اما نه تنها اقدامات پیشگیرانه برای نجات دریاچه اورمیه و ثبیت وضعیت آن صورت نمی‌گیرد که در مقابل دولت‌های بعدی با ادامه روند سدسازی و احداث پل میان‌گذر روی دریاچه اورمیه، باعث تشدید سرعت بروز این فاجعه می‌شوند. این هشدارهای کارشناسان و محققان محیط‌زیست جدی گرفته نشد تا اینکه فاجعه سرسید و البته حتی آن زمان که فاجعه به شکل علنی آشکار شد، هم دولتمردان وقت به انکار این مسئله پرداختند تا اینکه اولین اعتراضات مردمی به وضعیت فاجعه‌بار دریاچه اورمیه در سال ۸۹ شکل گرفت. این اعتراضات مردمی که به شکل مسالمت‌آمیز و مدنی برگزار شد را به یک معنای توان اولین اعتراضات زیست‌محیطی (سبز) در تاریخ معاصر ایران خواند. اگرچه پاسخ دولت سرکوب این اعتراضات بود، اما این اعتراضات مردمی در سال‌های بعد هم به طرق دیگر ادامه داشت و بدین گونه این مسئله تبدیل شد به یکی از دغدغه‌های اصلی افکار عمومی مردم آذربایجان و در رأس آن‌ها کنشگران مدنی این جامعه. طبق روال همیشگی دو جناح سیاسی ایران، مسئولیت خشکی دریاچه اورمیه را متوجه دیگری می‌دانستند، اما درواقع روند خشک شدن دریاچه اورمیه محدود به یک مقطع زمانی خاص نبود و طی یک بازه زمانی بلندمدت اتفاق افتاده بود.

در طی سال‌های گذشته مسئله دریاچه اورمیه تبدیل به یکی پر مناقشه‌ترین مسائل زیست‌محیطی ایران شده است که در سایه طرح آن در رسانه‌های عمومی، عملکرد فاجعه‌بار دولت‌های گذشته در عرصه محیط‌زیست هم تا حد زیادی آشکارشده است. درواقع با فشار افکار عمومی مردم آذربایجان، شکل‌گیری اعتراضات مردمی پیرامون وضعیت دریاچه اورمیه و نقش آفرینی فعل و مؤثر جامعه مدنی آذربایجان در این قضیه، باعث شد تا وضعیت فاجعه‌بار محیط‌زیست در ایران در کانون توجه کنشگران مدنی ایران قرار بگیرد. روند توسعه نامتوازن و غیر پایدار در ایران که همواره محیط‌زیست و منابع طبیعی این کشور را به نام توسعه و پیشرفت قربانی کرده است، زیر سؤال رفته است و اعتراضات زیادی نسبت به آن وجود دارد. در سایه همین توسعه نامتوازن و غیر پایدار است که دریاچه اورمیه بزرگ‌ترین دریاچه داخلی ایران و دومین دریاچه آب‌شور جهان در معرض نابودی قرار گرفته است. سدسازی‌های غیراصولی، حفر چاه‌های غیرمجاز و استفاده بی‌رویه از منابع آب زیرزمینی در حوزه آبریز دریاچه اورمیه و احداث میان‌گذر شهید کلانتری بر روی دریاچه اورمیه از عوامل اصلی بروز این فاجعه عنوان شده است.

می بلعد و دریا را خشک می کند تا انسان مصرف‌گرای معاصر را خشنود کند، غافل از اینکه زمین، دریا، گیاهان و هوای آن تنها سهم من و نسل مانیست و آیندگان هم در آن سهم دارند.



راهنمایی برای حل لabyrint از ایران

ارومیه در دهه‌های گذشته کاهش یافته است.» تمام این آمار و ارقام را حتی اگر کنار هم بگذاریم نمی‌توانیم وجود این فاجعه را انکار کنیم چون بادهای نمکی آن هر از چند گاهی زندگی را برای مردمان ساکن اطراف این دریاچه سخت می‌کند و کشاورزی از رونق افتاده است. به نظر می‌رسد در وضعیت کنونی دریاچه اورمیه احیاء و نجات آن تنها از عهده دولت ایران ساخته نیست و حمایت و مشارکت نهادهای بین‌المللی در این پروژه الزامی است.

این دریاچه که دارای ۱۰۱ جزیره و یکی از زیستگاه‌های اصلی حیات وحش در ایران است که بخش‌هایی از آن هم به عنوان پارک ملی به ثبت رسیده است و همچنین زیست‌بوم دریاچه اورمیه توسط یونسکو به عنوان یکی از ذخیره زیست کره جهان ثبت شده است.

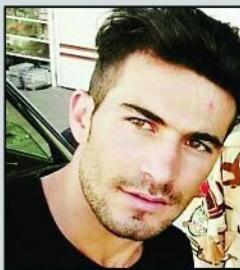
از همین رو مجله علمی پاپ ساینس دریاچه ارومیه را در صدر لیست جایگزین ناپذیرین مکان‌های طبیعی زمین قرار گرفته داده و نام این دریاچه ۳ بار در این لیست آمده است؛ به عنوان یک تالاب بین‌المللی و ثبت شده، به عنوان پارک ملی و یک ذخیره گاه زیست کره در جهان.

این وضعیت بی‌شك یکی از اصلی‌ترین چالش‌های زیست‌محیطی ایران و مهم‌ترین چالش زیست‌محیطی مردم آذربایجان در طی دهه‌های آینده است که اگر فکری برای حل آن اندیشه نشود، ابعاد ویرانگر اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی خواهد داشت. دریاچه اورمیه شریان حیاتی آذربایجان در طول تاریخ بستر تمدن‌های زیادی بوده است و اکنون در سایه زیاده خواهی انسان و توسعه‌طلبی اش، به حال مرگ افتاده است. مثل اکثر فجایع زیست‌محیطی که در جهان معاصر در حال رخ دادن است، در این فاجعه هم عامل انسانی نقش اول و آخر را بازی می‌کند.

آجیق سوز

۱۴

بهره سخن: ما در آذربایجان در کانون یک بحران زیست‌محیطی بزرگ قرار داریم و البته کل ایران از نظر محیط‌زیست در وضعیت قرمز قرار دارد. این مسئله دیگر یک مسئله انتزاعی نیست، یک مسئله واقعی و عینی است که حیات و زندگی ما به آن وابسته است. درواقع اگر دریاچه به طور کامل خشک شود که با ادامه روند فعلی و عدم برنامه‌ریزی و اقدامات مؤثر دولت و نهادهای بین‌المللی این امکان وجود دارد، این احتمال وجود دارد که شیوه زیست در منطقه آذربایجان به‌طور کلی دگرگون شود و یا شاهد مهاجرت‌های گسترده از این سرزمین برای فرار از خشک سالی و کم‌آبی باشیم. حتی اکنون هم شاهد تأثیرات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی این فاجعه زیست‌محیطی در آذربایجان هستیم هرچند هنوز هم ابعاد گسترده آن مورد انکار قرار می‌گیرد، اما خطیر بسیار نزدیک است. این فاجعه در سایه تفکر خودخواهانه، نگاه سودجویانه افراطی و البته زیاده‌خواهی انسان رقم خورده است که محیط زیست را به نام توسعه قربانی می‌کند و بهیچ‌وجه در اندیشه این کره خاکی و منابع طبیعی آن و آینده نیست. ماشین هولناک توسعه و پیشرفت زمین می‌خورد، هوا را



توحید نوبهار
دانشجوی رشته حقوق

آرتمیا

دریاچه از دلایل عمدۀ کاهش آب دریاچه اورمیه است. به دلیل کاهش آب دریاچه اورمیه میزان شوری آن در سال‌های اخیر افزایش یافته است که تأثیر این تغییر بر مقدار و سیستم آرتمیا با مشاهده محل و مقایسه با سال‌های گذشته به خوبی مشهود است. در حال حاضر غلطت نمک در دریاچه اورمیه به وضعیت فوق اشبع، یعنی بیش از ۳۵۰ گرم در لیتر رسیده است که این رقم در مقایسه با شرایط عادی آن (۱۸۰-۲۲۰ گرم بر لیتر) به دلیل بر هم زدن تعادل اکوسيستم، ادامه حیات این جاندار را به خطر می‌اندازد.

هم‌اکنون برای شرایط بحرانی دریاچه اورمیه تعداد آرتمیا از ۲۰ الی ۲۲ عدد تخم یا توده زنده در هر لیتر به یک الی دو عدد در هر لیتر رسیده است.

اگرچه در سال‌های اخیر به منظور حفظ و جلوگیری از انقراض این گونه ارزشمند تحقیقاتی انجام گرفته و امکان پرورش آن در خارج از دریاچه مورد بررسی هست اما نباید فراموش نمود که دریاچه اورمیه بزرگ ترین زیستگاه طبیعی برای این گونه بومی بشمار می‌رود و حفظ و نجات آن به عنوان سرمایه‌ای حیاتی مسئله‌ای است که می‌باید در اولویت برنامه‌ها باشد.

آرتمیا (نام علمی: Artemia) جانداری است سخت‌پوست که در آب‌های شور زندگی می‌کند. آرتمیا اورمیانا (آرتمیا دریاچه اورمیه) یکی از هفت گونه شناخته شده آرتمیا در جهان است. ارزش غذایی آن در حد مطلوب است و دارای بیش از ۵۲ درصد پروتئین و چهار درصد چربی هست. ترکیب و میزان اسیدهای آمینه و اسیدهای چرب آن در حدی است که نیازهای آبیان آب‌های شیرین را به طور کامل برآورده می‌سازد.

آرتمیا در صنایع پرورش میگو و ماهی مورداستفاده قرار می‌گیرد. در دنیا سالانه بیش از ۲۰۰۰

تن سیست آرتمیا معامله می‌شود و به خصوص از خود آرتمیا یا سیست آن در تغذیه مراحل نوزادی ماهیان، سخت‌پوستان و نرم‌تنان... سود می‌برند.

قدرت تحمل بسیار بالای A. urmiana نسبت به شوری محیط، از ویژگی‌های منحصر به فرد این جاندار به حساب می‌آید به طوری که در دریاچه‌های با شوری ۳۴ درصد نیز به طور زنده مشاهده شده است. در حقیقت این ویژگی به جاندار توانایی اشغال نیچه‌ای که شکارچیان قادر به تحمل آن نیستند را می‌دهد و بنابراین در شوری‌های پایین‌تر از ۴۵ در هزار که محل حضور انواع دشمنان است آرتمیا بهندرت یافت می‌شود.

این جاندار شاخص‌ترین موجود زنده دریاچه اورمیه است که غذای اصلی پرندگان را تشکیل می‌دهد و بیشترین منبع غذایی برای ماهیان خاویاری است.

این جاندار با شرایط آب‌شور دریاچه اورمیه سازگاری پیداکرده است و هم می‌تواند زنده‌زایی و هم تخم‌گذاری کند. البته در شرایطی که استرس محیطی نباشد این جاندار زنده‌زایی می‌کند.

کم آب دریاچه اورمیه و افزایش بیش از حد شوری بر میزان تولید مثل آرتمیا تأثیر منفی می‌گذارد.

در حال حاضر به دلیل کاهش آب دریاچه اورمیه ذخایر ارزشمند این گونه بومی در معرض تهدید قرار گرفته است. دریاچه اورمیه از سال ۷۶ با مشکل کم‌آبی مواجه گردیده و در حال حاضر بیش از ۹۰ درصد آب آن تبخیر برداشته است. کاهش بارندگی، افزایش اراضی کشاورزی و نظیر احداث سدهای متعدد بر رودخانه‌های حوضه



بحران آب در ایران و مدیریت ناکارآمد



علی محمدزاده
دانشجوی ارشد مدیریت اجرایی

چند استان محدود در کشور هست، یعنی اگر این چند استان را در نظر نگیریم میانگین کشوری بسیار پایین تر خواهد بود. از دلایل بحران آب در ایران را می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- ۱- رشد سریع جمعیت و پراکندگی نامناسب آن
- ۲- کشاورزی ناکارآمد
- ۳- سوء مدیریت و عطش بیش از حد توسعه (صنعت و ...)

ساختار نامناسب حکمرانی آب، تعدد ذی مدخلان، مدیریت ناهمانگ، ضعف سیاسی سازمان حفاظت از محیط‌زیست و فقدان تگرگش درازمدت

با توجه به اینکه اکثر صنایع بزرگ کشور در مرکز قرار دارد و در عین حال کمبود شدید آب نیز در این مناطق وجود دارد، کارشناسان پیش‌بینی می‌کنند که مسبب بحران آب در این مناطق، صنعت خواهد بود، همان صنعتی که روزگاری به خاطر آمدنی مردمان این مناطق را خوشحال می‌کرد، در آینده‌ای نه‌چندان دور بدختی را برای این مردمان خواهد آورد. علاوه بر آن به دلیل اینکه همسایگانمان نیز با بحران آب مواجه هستند، به نظر می‌رسد که این مایه حیات قابل واردات نیز خواهد بود. خشک شدن دریاچه ارومیه و تالاب‌های بختگان، گاوخونی، تستک، پریشان و رودخانه زاینده‌رود و ... از جمله قراین و شواهد این بحران در آینده نزدیک است. در چند سال آینده، بحران آب شدیدتر شده و احتمال فاجعه انسانی در اثر کمبود آب آشامیدنی وجود دارد. با بحرانی شدن اوضاع، زمان آن خواهد رسید که درگیری‌های منطقه‌ای و استانی بر سر آب شروع خواهد شد. البته از آن هم شاهد مناقشه‌هایی بر سر منابع آبی در کشور علی‌الخصوص در مرکز هستیم، جزو بحث‌هایی که بر سر زاینده‌رود شده، بحث‌های انتقال آب رودهای شمالی به مرکز کشور، اعتراضاتی که به خاطر خشکیدن دریاچه ارومیه انجام گرفته مصدقی بر مناقشه‌های استانی در آینده هستند.

در سال ۲۰۱۶ سازمان منابع جهانی نقشه‌ای منتشر کرد که نقشه‌ی بحران آب کشورها نامیده شد و در آن کمبود آب سالم را در کشورهای مختلف جهان مقایسه می‌کرد. این نقشه بهروشی نشان می‌دهد کمربند مغلی‌عربی که شامل کشورهای آسیای مرکزی از جمله مغولستان، افغانستان، ایران، پاکستان و شبه‌جزیره‌ی عربستان می‌شود، با بحران شدید آب روبه‌رو هستند. با توجه به برخی از عوامل می‌توان استدلال کرد که این کشورها به ناحیه‌ای تعلق دارند که به‌زودی با بحران کمبود آب سالم مواجه می‌شوند.

بحران آب در ایران سلسله چالش‌ها و مشکلات ناشی از کمبود آب و استفاده نادرست از منابع آب در کشور ایران است. ایران کشوری با اقلیم عمدتاً گرم و خشک است. رشد سریع جمعیت مهم‌ترین عامل کاهش سرانه آب تجدیدشونده کشور در قرن گذشته بوده است. جمعیت ایران در طی این هشت دهه، از حدود ۸ میلیون نفر در سال ۱۳۰۰-۰۶ به ۷۸ میلیون نفر تا پایان سال ۱۳۹۲ رسیده است. بر این اساس میزان سرانه آب تجدید پذیر سالانه کشور از میزان حدود ۱۳۰۰ مترمکعب در سال ۱۳۰۰ به حدود ۱۴۰۰ مترمکعب در سال ۱۳۹۲ تقلیل یافته و در صورت ادامه این روند، وضعیت در آینده به مراتب بدتر خواهد شد.

منابع آب تجدید پذیر کل ایران به ۱۳۰ میلیارد مترمکعب بالغ می‌گردد. مطالعات و بررسی‌ها نشان می‌دهد که در سال ۱۳۸۶ از کل منابع آب تجدیدشونده کشور حدود ۸۹/۵ میلیارد مترمکعب جهت مصارف بخش‌های کشاورزی، صنعت و معدن و خانگی برداشت می‌شده است که حدود ۵/۵ میلیارد مترمکعب آن (۹۳ درصد) به بخش کشاورزی، ۵/۵ میلیارد مترمکعب (۶ درصد) به بخش خانگی و مابقی به بخش صنعت و نیازهای متفرقه دیگر اختصاص داشته است.

طبق پیش‌بینی‌های جهانی سال ۱۴۰۰ سرانه آب به کمتر از ۱۴۰۰ مترمکعب برای هر فرد در سال خواهد رسید و این به معنی ورود به بحران آبی است. طبق آمارهای رسمی و به اعتقاد کارشناسان ایران در آستانه بحران آب به سرمی برده و طی سال‌های آینده تأمین آب به یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های کشور در بسیاری از استان‌ها، شهرها و مناطق تبدیل خواهد شد. ایران از نظر جغرافیایی در بخش نیمه‌خشک و خشک جهان قرار گرفته به شکلی که میانگین بارش در ایران حدود ۲۵۰ میلی‌متراست درحالی که میانگین جهانی حدود ۸۵۰ میلی‌متر است که بیش از سه برابر میزان بارش در ایران است و اگر درستش را بگوییم میزان بارش در کشور یک‌سوم معمول جهانی است. البته این میانگین بارش هم برای

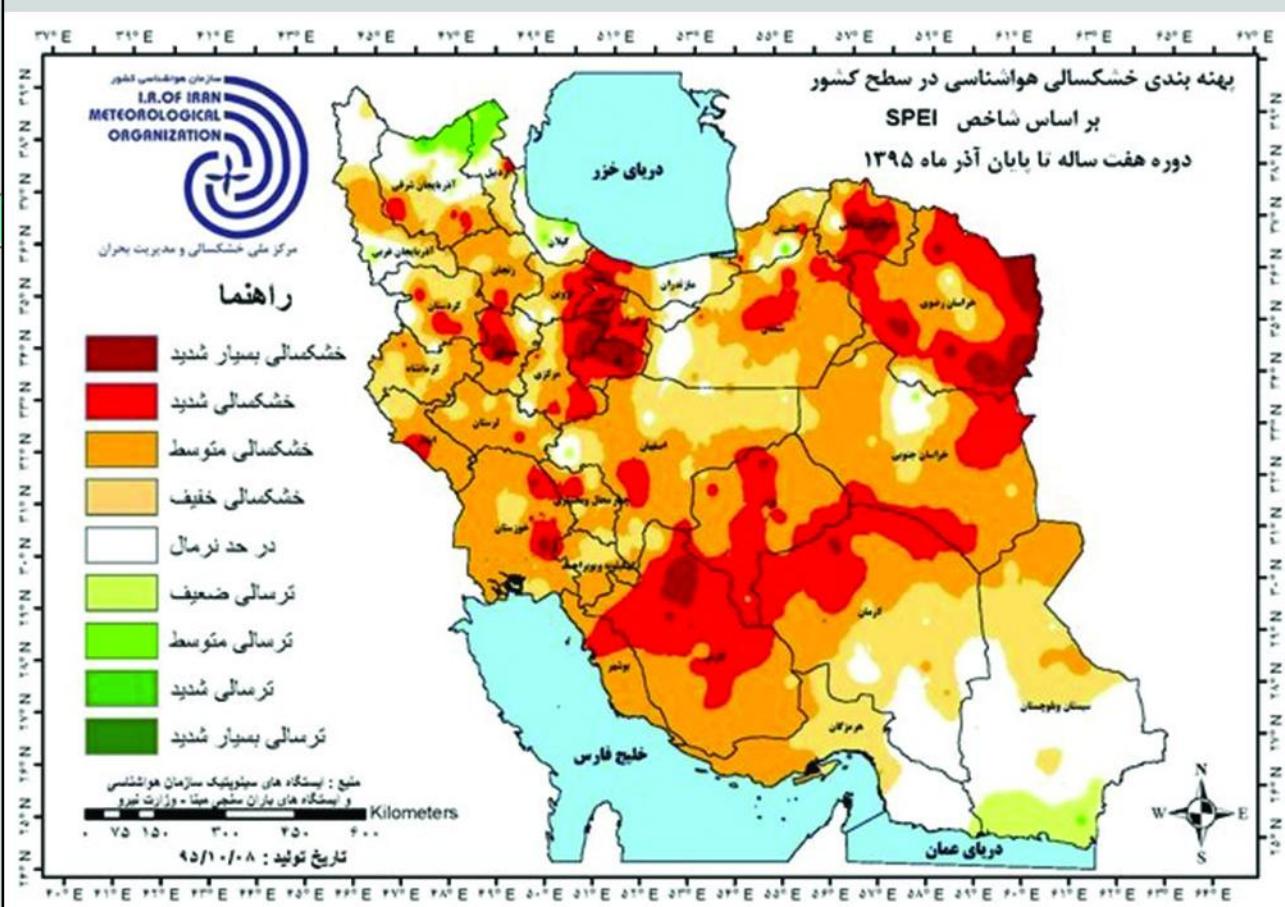
ساخت بیش از حد کارخانه‌های صنعتی در مرکز و استفاده از آبی که برای خود مردمان مرکز هم کم بود، برای این کارخانه‌ها، ساخت سدها توسط کشورهای همسایه از جمله افغانستان بر روی رودخانه‌ها و دریاچه‌های مرزی و ندادن سهم منطقه‌ای از این آبها، سدسازی‌های بیش از حد بر روی رودخانه‌های داخلی منتهی به دریاچه‌های کشور از جمله دریاچه اوسمه از دلایل اصلی بحران آبی آینده در کشور هستند.

باکوت خبری بحران آب در کشور و اعتراضات مردم مناطق و استان‌ها نه تنها راه چاره نیست بلکه وضعیت را وخیم‌تر هم خواهد کرد، فقط مروی بر تظاهرات مردمی انجام گرفته در سال‌های اخیر به خاطر دریاچه اورمیه در شهرهای مختلف آذربایجان، اعتراضات مردم خوزستان به خاطر بحران آب و ریز گردهای حاصل از آن و اعتراضات مردم اصفهان به خشکیدن زاینده‌رود، دلیلی محکم بر لزوم مدیریت صحیح منابع آبی و خروج از بحران ناشی از کمبود آب در آینده نزدیک است.

هر کسی با نگاهی دوربین متوجه می‌شود که بحران آبی در کشور، در آینده‌ای نه‌چندان دور گریبان مردمان استان‌های مختلف را خواهد گرفت. پس وقت آن است که مدیران رده‌بالای کشوری به فکر چاره‌ای برآیند چون ممکن است زمانی بررسد که چاره‌ها هم این خشم کهنه را نکد و دیر شده باشد. مدیران کشوری باید در اولین گام کارخانه‌های صنعتی را از مناطق کم آب به مناطق دیگر انتقال دهند یا حداقل از رشد فراینده کارخانه‌های در این مناطق جلوگیری کنند و در کارخانه‌های موجود نیز تصفیه آب خروجی کارخانه‌های به طور دقیق صورت گیرد، چون که کارخانه‌های علاوه بر مصرف آب زیاد، آن را آلوده و غیرقابل مصرف دوباره نیز می‌کنند. در گام بعدی باید جلوی سدسازی‌های کلان گرفته شده و سیستم انتقال طبیعی آب به هم نریزد، چون که در غیر این صورت شاهد وضعیتی بدتر از اورمیه خواهیم شد؛ و گام های دیگری که مختصان امر بارها و بارها به دولتمدار داده‌اند.

پادمان نزود هر کاری که با طبیعت می‌کنیم از سوی طبیعت یه جواب نمی‌ماند.

منابع:
بران، صدیقه؛ هنر بخش، نازلی؛ بحران و ضعیت آب در ایران و جهان؛ مرکز مطالعات استراتژیک پژوهشی، محمد مسعود، مرتضی، بحران آب در ایران و جهان، نشر کیکاووس، ۱۴۹۵.
بحار، آب، ایران، و تغییراتی، زبانه شقة.



سن اوْلمه يه جکسن ... یاشاییب، بو توپراغی دا یاشادا جاقسان...

بو خبری بیرینجی دئنه او لاراق میلت ایدی کی دولته وئردی! "اورمو گؤلو جان وئریر" البتہ کی، اونلار اوْزلری بیلیردیلر. آما ندنسه بیر ایش گۈرەن یو خودوا!

میلت هر بیر يئردن کی اليىندن گلیردی اورمو گۈلونون سىينى چاتدىرماغا چالىشىرىدى. آمما تأسفلر اولسون، بير سيرا يالنىش ايشلر اساسىندا، کى، بىرىسىز يېرىلردن جوشوردو مىلتىن بىر داۋانىشىنا امنىتى گۈزدە باخدىلار! آمما ندن؟ اورمو گۈلو قوروسا اوْلكە نين امنىتى تەلەكە يەلە اوْزىلەشەجك يا اورمو گۈلو جانلانسا مى؟

بو يالنىش باخىشلارى يارادانلار ھم بىر مىللەتھم بىر وطنە ئىتدىلر.

آمما خالقىمىز بونو بىلىر، اورمو گۈلو قوروسا بوتون آذربايچان محو او لاجاق و تارىخىن هر صفحە سىنده آدى پارلايان توركىلر، هر بير چتىن دورومدا اوْلكە نى قورويانلار، بئىووك دولتلر قورووب، بير زامان ۸ ايل بىر اوْلكەنى ئىغىر سىلاحلار قارشىسىندا قورويانلار بىر دئنه تارىخىدە اوْزىلرى قارا او لاجاقدىرا! نىيە كى او كىچمىشە يىيە او لانلار بىر گون دوزلا باشارا بىلمە دىلر دىيە جىكلە!

آرتىق بير گلچك نسلدە اولمايا جاق كى، كىچمىشىنە گۇنۇپ و گلچە يە آددىملاسىن!

بۇنا گۈرە ده میلت بىر دورو ما سىز قالمادى، بير ايشلر گۈرمك گىركىدىر دئىيب، قوللارىنى چىرمالادى.

آمما بىر آرادا، میلت و كىل لرىنин گۈرەوى نە ايدى؟ میلت او لانلارا اوى وئرمىشىدى كى، خالقىن اىستك-لرىنى دولته چاندىرسىنلار ھا بىلە او لانلارىن حاقلارىنى قورو سونلار. بىر آرادا او زامان كى، میلتىن حساسىتى گۈلە داها چوخ ايدى، میلت و كىللىرىنندن بىرىسى پارلماندا چىخىش اىدىب و دئىدى كى، اورمو گۈلو قوروسا، آذربايچانلىلار، آذربايچاندان كۈچرلر !!!

بو سۆز میلتى داها چوخ نازاحات اىدىب، دويغۇلارىنى جوشدوردو. بو يالنىش دانىشىق سبب او لدو كى، میلتىن گۇۋىنى و كىللىرىنە آرادان گىتسىن. هر حالدا اونوتىمالىيىق كى، آذربايچانىن بير سира میلت و كىللىرى، بىر دورو ما سىز قالماشىدىلار.

بو آرا دا آذربايچانىن هر بير آجى دوروموندا میلتىنinin بىر تىريبونى او لان تىراختور تاخىمى بىر میلتىن سئويملى تاخىمى او لاراق اعتراضلارا قاتىلىدى و فوتبال استادىيەملارىندا دا اورمو گۈلو شعارلارى سىلسىنى. نىچە كى، ايندى ده اورمو گۈلونون شىكلى تىراختور فورمالارىندا گۆزە چارپىر.

بو تاخىم گئچىكىنده آذربايچانلىلار اوچۇن تكچە بىر فوتبال تاخىمى كىمى دئىيل.

تىراختور كىمى بىر فوتبال تاخىمىنин كى، بىر سۆز و او زو ايلە داشىمىقادادىر كى، ايراندا ياشايان ۳۰ مىليوندان چوخ نوفوسو او لان توركلىرن تاخىمىدىر، سبب او لدو، دولت اورمو گۈلو قونوسونا داها چوخ دېققىلى او لسون نىيە كى، بىر دئنه بىر سۆز بىر يېردىن سىلسىنيدىلى قورولوش(نهاد)لار ياراندى، هامى آل-آلە وئردى كى آذربايچانىن بورلاسى(نگىن) قورو ماسىن، بىز خستە او لاندا، بىزىم درمانىمىز او لدو او، كەرلى او لان چاغلارىمىزدا لىمانىندا دوروب كەدرلى يىمىزى سوپوندا بوغاردىق، دوز يارانى آجيشىدىرار، دوزو ايلە ده بىزىم يارالارىمىزى آجيشىدىر مادان ساگالداردى او او بىزە دوست او لدو آمما بىز ياد كىمى داۋانىدىق اونولما. آمما سونوندا سوچلۇ او لدو غومۇزو آنلا ياركەن سۆز وئردىك كى، قوبىما ياجاغىق قورو ياسان!

بىر سىرالارى او لدو كى، سىندن يارالاندىلار او رامو گۈلۈن دېرىلدەرىك دئىيب مىلتىن سىينى قازاناندان سونرا سنى اونوتىدolar.

آمما بىر سنى اونوتىما ياجا يىق بونو بىلىسىنلار.

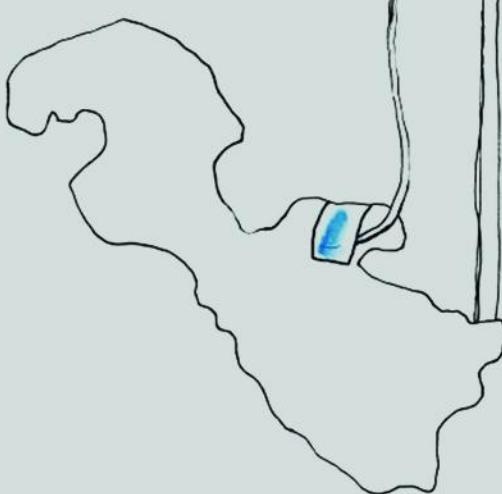
سن ياشايىب، بو توپراغى دا ياشادا جاقسان.

سن اوْلمه يه جکسن ...

آجىق سوز

18

Someone help us !
Please, pleeeeease
our lake is dying...
:(



اورمو گولو

من ياغماديم سنه، آرتيق سن ياغ منه!

دوزونو ياغدير گوزلريمه،

قوى بو سنه آغلامييان گوزلر دوزدان يانسيين کول اولسون!

دوزونو ياغدير اورگيمه،

قوى بو سنه يانمييان اورک دوزدان درده دوشسون پارچالانسين!

ياغدير چكينمه ياغدير.

سنسيز نه يه يارار بو گوزلر بو اوركل؟!

بيز سنه يانماديق اورمو گولوم، سن بيزي يانديرا!

ئئجه قييديق سنه؟!

باخ! گور نه سوسموشام

سوسموشام سنين کول اولماجيئي ايزله ييرم

سنده يانديرا، يانديرا منى...

اثلناز مرادي

دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی شهری



علی حمزه زاده‌نین

«همیاران زیست سبز»

قورولوشونون سورملوسو ایله دانیشیغى

حؤرمتلى رحمانى جنابلارى هر سوزدن اونچە آجىق سوز درگىسى وريندن سىزە منت دارلىغىمىزى بىلدىرىرىك كى، دىرىلى واختىنېزى بىزىمەلە پايلاشىپ سىنiz. ھابىلە قورولوشونوزدان ائتدىگى ايشلر اوچون تشكىر ائديب، گلەجك ده سىزە اوغۇرلار دىلەييرك. بىزىم ده اورك آزىمىز، سىز و مىللەتىمىز كىمى، اورمو گۈلۈنۈن كىچمەشىدە كى دورومونا قايىتماسى، جوشوب دالغانىماسى و يئنە ده دورنالارى، گەملىرى و اينسانلارى اۆزۈندە گۈرمەسىدیر. بو اوزىنە آجىق سوز درگى سىنinen اىكىنچى سايى سىندا آذربايجانىمىزىن ان اۇنملى مسئلەلرىندن بىرى سايلان اورمو گۈلۈنە توخونماق اىستەدىك، بو يولدا گۈرددوك كى سىزىن قورولوشونوز، بىر سىوپىل توپلۇم قورولوشدور (سازمان مردم نهاد)، اورمو گۈلۇ قونوسوندا چوخ دىرىلى ايشلر گۈرۈبدور، ائلە بونا گۈرددە سىزىن واختىنېزى الماق اىستەدىك، ھم قورولوشونۇلا اخوجولارى تانىش ائتمىش اولاق و ھم ده سىوپىل توپلۇم قورولوشلارىنىن اۇنمىن اولكەدە بىلەندىرىك. بو اوزىن سايىغى ايلە سورغولارىمىزى سىزىن سوروشوروق:

آجىق سوز: سايىن رحمانى جنابلارى لوطفاً بىزى و حؤرمتلى اخوجولارى اۆزۈنۈز و قورولوشونۇزلا تانىش ائدىن:

- اونچە سىزە خوش گىلدىن دئىيب و اخوجولارى دا سلام لايرام. بو توپلۇ (مجموعە) كى سىز بورا گلىب سىنiz «خانە محىيط زىست» (چئورە ئىسى) توپلۇسۇدور. «خانە محىيط زىست» نىچە مجموعەدن اولوشوركى، بىرىنин باش سوروملوسو منم. آدى دا «همىاران زىست سبز» دىر. بو قورولوش بىر نىچە باشقاقا قورولوشلا بىرلىكىدە كى اونلارдан بىرى ده «كمىتە مردم نهاد سىداد احىايى درىياچە اورمىيە» دىر چئورە ئىسى (خانە محىيط زىست) توپلۇسۇnda يېغىشىپلار.

بىزىم قورولوشومۇز ٧٦ ينجى اىلدىن ايشە باشلايىپ. ايلك اونچە باشقاقا بىر آدلا، سۇنرا ٨٠-٧٩ جى اىللىرىن بىرى «همىاران زىست سبز» باشىل چئورە ياردىمجىilarى) آدىلە يولۇنا داوم ائتمىكده دىر. ٨٣-٨٢ اىللىرىندن بىرى بو قورولوشون اۆزۈل قونوسو اورمو گۈلۇ اولوبىدور.

آجىق سوز: طبىعى دىركى بىر نىچە ايلدە قورولوشونۇز چوخ دىرىلى ايشلر گۈرۈبدور و اونلارىن ھامىسىنى بىر يئرە توپلاماق اوچون بلکە بىر كىتاب لازىم اولا آنچاق رىجا ائدىرىك گۈرۈدۈيونۇز ايشلرىنىن بىر سىراسى ايلە بىزى تانىش ائدىن.

- دىئىنېز كىمى، چوخلۇ ايشلر بو اىللىرده گۈرۈبىدور كى اونلارىن هر بىرىسى چىنلىكلىرە باخماياراق گۈزل خاطىرلەرده بىزىم اوچون يارادىپلار. بىر سىرا ايشلردىن سايماق اىستە-سم، اۇرنىك اوچون: -١٣٨٦ جى ايلدە قورولوشومۇزون «يو ان دى پى» ايلە بؤىك بىر پروقرامى اولدو، ١٠ گون اىچىنده بىلدىرىشىمىز اولدو و اورمو گۈلۇ ايلە باغلى فوتۇ سرگىمۇز اولدو. بو اىشىن آردىندا بىر چىرخ سورمك پروقرامى اورمو گۈلۇ شuarى ايلە تېرىزىن اورمۇيادك دوزنلەدىك، او زامان چوخ انتكىلى اولدو. بو ائىلمىرىن سونوجو بو اولدوکى، اوچ استان (دوغۇ آذربايجان، باتى آذربايجان و كردستان) دا بىر اطرافلى سند اورمو گۈلۈنۈن مدېرىتى اوچون اىكى وزىرىن معاونى و جومەور باشقانىن معاونى وريندن ايمضالاندى. بو سند ايمضالاسادا، اىجرا اولۇنموردوا ٥ ايل كىچىدى، بىز بو دوروما اعتراض ائتمك اوچون بىر دوز اوستوندە يېرىمك پروقرامى دوزن لەدىك، او پروقرامدا چوخلۇ چئورە چالىشقاڭلارىنداناستانىن و



هابئله استانين سوروملolarى دا ايشتراك ائتمىشدىلر. بو برنامەمېزدە سانال دونياسىندا چوخلۇ سىس سالدى. بىزىم اىستە يىمېز بىر ايىدى كى، بو سىند اىجرى اولسون. بونلاردان علاوه اؤلکەدە اولان باشقا چئورە قورولوشلارى اىلە بىرلىكىدە اؤلکەدە اولان گۈللەر اوچون بىر فيكىر اوتاغى قوروپۇدا يارادىلدى، باشدا اولان قۇنومۇز اورمو گۈلو ايىدى. بو قورولوشون باشقا چئورە قورولوشلارى كىمى، بىرىنجى آماجلارىندان بىرىيەدە اورمو گۈلۈنە اولان امنىتى باخىشلارىن آرادان گۈئۈرلەمىسى اولوب.

آچىق سۆز: سىزجە ايراندا سىيوبىل توپلۇم قورولوشلارى نە قدر حاكمىتىن توتدوغۇ قرارلارىنىدا ائتكىيلرى اولا بىلە؟ و قورولوشلارىن رول لارى نەدىر؟

- قورولوشلار يارانىرلاركى، مىللەتىن بىر سىرا اىستكلرىنى دولتە چاتدىرسىنلار و بىر سىرا ايشلەردى دولتە ياردىمچى اولسونلار. سئۇيندىرىجى دىر كى ايراندا دا بىر قورولوشلار اۇزلىكىلە چئورە ان جى او لارى چو خالماقدادىرلار؛ و بونلاردا حتما، ھەم دولتە ياردىمچى اولا جاقلار، ھەم دە دولتىن توتدوغۇ قرارلارىندان مثبت رول لارى اولا جاقدىر.

اۇرنىك اوچون: پارلمان دا اورمو گۈلۈنە بودجە آيیرماق اوچون بىر دىرنىك وار ايىدى، مىللەت و كىلىرىنىدىن بىر سىراسى دئىيىردىلر اورمو گۈلۈنە بودجە آيیرماق اولمازا! بىر چاغدا بىز ايشە باشلادىق و ۹۲ اينجى اىلە دەلت ايش اوستونە گىلندىن سونرا بودجە فصلينىدە پارلماندا گۈللەرین قورومالارينىن ضررلىرى اىلە باغلى بىرسىرگى قويىدوق، ايندە دەك بئلە بىر ايش پارلماندا اولمامىشىدى، بىز بىر ايشى گۈردوڭ، مىلتىنىدە اىستكلرى سبب اولدو مىلت و كىلىرى دە دانىشىقلارىندادا بىر قونويا قاتىلىسىنلار.

آچىق سۆز: تأسفلە بىر سىرا نىدىن سىز فيكىرلەر اوزىرىنىدە كئچمىش اىللەر دە اورمو گۈلۈنە امنىتى باخىشلارلا باخىبىلار كى، شايىد اگر بىر يالنىش فيكىرلەر اولماسايدى ايندى گۈلۈن دورومۇ داها ياخشى ايدى! هەر حالدا بىر باخىشلارىن سىزىن ايشلەرىنىزە دە ائتكىيسى اوlobe مو؟

- دىيە بىلەرم كى يوخ - طبىعتاً كى اوlobeدور. اۇرنىك اوچون ۸۹ - ۹۰ جى اىللەر دە بىز بىر اوتورم قورماق قرارينا گلەمىشىدىك كى تېرىزىدە قورولاجاغىدى، ھەر ايشى گۈرلەمىشىدۇ آنجاق اىكى گون قالان برنامەنىن قاباغىن آدیلار. آنجاق دئىيىم كىمى، بىزىم باش آماجلارىمېزدان بىرىسى بىر انتامىن آرادان قالدىرىيەلماسىدېر، بونا گۈرە دە هەر بىر ئەرە گەندىي بىمېز دە، چئورە قۇنلارىنى امنىتى قۇنلارىدا آيیرماق بىرىنجى اىستك لەرىمېزدىن اوlobeدور. بئلە كى، ھەر كىمىسە اىستە بىر اورمو گۈلۈنەن دانىشا اونا بىر آد قويولماسىن.

من بئلە دوشۇنورم، بىر ايشىدە ۷۰٪ قازانما بىلەمىشىك. بئلە كى، بىز ۱۳۹۴ ونجو اىلە بوجور ايشلەر گۈردوڭ و ھەنچ بىر سورون يارانىدە. ۱۵۰ نفر آداما ياخىن، توپلاتتى قوروب، سونرا اونلارى اورمۇ گۈلۈنە آپارىب، بىر بؤيووك اينسانى زنجىرە دوزلىتىك و ھەنچ بىر سورون بىزە يارانىدە.

آچىق سۆز: او زامان سىزىن اوغۇر قازانمانىزىن رمزى بىر امنىتى دورومۇن قارشىسىندا نە اوlobe؟

- بو سوروغۇ بىزىدەن سورولاندا بىز دئىيىرەك، بىر چئورە قورولوشو اوچون ياخىن بىر يول واردىر ياخىن بىر يول دوزلىدە. بىزىم گەتتىدىگىمېز يول صرات ئۆرپۈسۈ كىمى دىر. توکدن اينجە، قىلىنجىدان اىتى! بىز بىر كۆرپۈنون اوستوندە آددىيەلەرىق. نە آددىيەمېمىزى بىر تایا قويمۇشوق نە اوتايىا. ھاردا گۈرمۇشۇك چئورە قورولوشلارينا ضرر دىھىجك دايانيب، فيكىر لەشمىشىك او ايشى نىتجە گۈرمەلىك، بوراجاندا بىزە آد قويىمايىب.

بىزىم گۈردىيەمۇز ايشلەر مىللە امنىتىن قورونماسىنا ياردىمچىدىر. بىز ائدىن ايشلەر دەلت ائتمەلى دىر آنجاق بىز بىر يولدا اونا ياردىم ائدىرىك. بئلە كى، اورمو گۈلۈنون قوروماسىلا مىللە امنىت تەلەكە اىلە اوزىلەشە بىلە.

آچىق سۆز: سايىن رەحمانى جنابلارى بىلدىيىنiz كىمى ايندە دە چىشىدىلى نىنلار اورمۇ گۈلۈنون قوروماسىنا سايىلىپ دىر. حەتما كى «ھەمياران زىست سىبز» قورولوشوندا بىر قونودا بىلگىسى واردىر، سىزجە آن اۇنملى نىنلەر ھانسى سورونلار دىرلار؟

- بىرسىرا نىنلەر واردىر كى ايندە دەمك او لار چو خلارى او نىنلەر بىلەرلەر اۇرنىك اوچون: ياغىنتى لارىن آزماسى، يالنىش اكىنچىلىك، سىدلەر، كۆرپۈ و بىر سىرا باشقان نىنلەر. آنجاق منجە، اۇنملى سورون



مجید رحمانى

سورون لاردان بىلەرك يا بىلمەدن، گئرچەك اولمايان گرکنلىرى يانى مىللەتىن احتىاجى اولمايان نيازلارى ياراتماق دىر. بىر كىشى ناركوتىك مادھلەر قوللاتاندا گئت - گئدە اونا آليشىر. بىزىم مىلتىدە بو دورملا اوزىلەشىر. تاسفلە بىزىم چىشوره قۇنۇلارىندا و شەھر دوزلەتكە جمیعەتىن سىرالاماسىندا (چىنىش جمیعەت) بؤيووك سورونلاريمىز واردىر. عىنىي اورنىك بونا دئىسم، گلېرلەر تېرىزىدە شەھرىيار كىمى بىر شەھر كى اورادا سو يوخدو، آنجاق مىللەت گەندىب اورا يېرلەشىندەن سۇنرا طبىعى دىر كى، دولتىن سو اىستىيەجك. بو زامان گلېپ قوشاقاين اىكىنچى سو يولون تېرىزىدە چكە جىڭلەر حال بوكى، بو سو اورمو گۈلۈنۈن سوبودور كى تېرىزە گلېر! سەدلەر و كۈرپۈلدە، بىر گرک اولمايان نيازدىر كى يارانىبىدىر. كۈرپۈ دوزلەمىشىن اۇنچە مىلت اورمۇيا گئدە بىلمىرىدى مى؟

آچىق سۆز: «ستاد احیاى دریاچە اورمیه» نىن ايندىيەدى گۇردۇيو ايشلەر يېتىرىدىر مى؟ يوخسا يوخ؟ بىلدىگىنىز كىمى مختىف جريانلار اورمو گۈلۈنۈن دوروموندان هەر گون آىرى آىرى بىلگىلەر وئيرلەر. بئلە كى، بو بىلگىلەر بىر-بىريلە تو-تۈرلە! بىرىسى گۈلۈن دورومون ياخشى، ستاد احیا «نىن عملكىرىدىنى يېتىلى دئىير، او بىرى تام اونون ترسىنە! گئرچەك نە دىر؟!

- اورمو گۈلۈنۈن حقىقىتى، اورمو گۈلۈنۈن اۋۇزوندە دى، سىياسى حرکتىلەر دئىيەل!
بو كى «ستاد احیا» بىر ايش گۈرۈر؟ گۈرۈر
بو كى، ائتىيگى ايشلەر بىزى راضىلاشدیران دىر؟ دئىيەل
بىر سىرالارى دئىيەلر ايش اندىلىمېر؟ يالاندىر
بىر سىرالارى دا كى دئىيەلر بؤيووك ايشلەر گۈرمۇشك بودا يالان دىر!
اورمو گۈلۈ بوايدىن اولىنىھ قىدر تىتىپتە اولمالى اىدى. دئمك ٤٠ سانتى متر آزالمامالى اىدى، آمما ٢٠ سانتى متر سو آزالىب دىر
و بو «ستاد احیا» اوچون چاتىشىمامازلىق سايىلىر. بونون دا چىشىدىلى نىنلىرى واردىر. بىرى بودور كى، اورمو گۈلۈنە گئدن چايلاردان رسمى آمار وئىلىمېر.
بىر سورون دا بودور كى ھامى دئىيەر بىز نە قدر گۈلە سو تۈكە بىلەرىك؟! حال بوكى، سورون بودىيەل، سورون گۈلە سو يو تامىن ائتمىك دىر. چايلاردىر كى سو يو گۈلە چاتىرىرىلار، سو يو يېتىرمك اوچون يئر آلتى سولار گرک دولغۇن اولا اگرسە يئر آلتى سولاريمىز اولماسا، گۈلە سارى گلن سوبو يېر سوموروب، اونون سرعتى ايلە اۇلچىسو آزاچاقدىر.
تاسفلە چونكۇ بوقۇنۇيا فيكىر وئرن يوخدور، اگرسە دە كى ١٤٠١ جى اىلده اورمو گۈلۈ جانلانسا ١٤١٠ جو اىلده يئنە دە قورۇيماقا!

آچىق سۆز: سئويملى مجید بى رحمانى بىرداها سىزە منتدارلىغىمېزى بىلدىرىرىيەك كى دىرىلى واختىنېزى بىزىملە پاپلاشىدىنiz. سىزە و قورولۇشۇنۇزا هە بىر آددىيەنېزدا اوغۇرلار دىلە يېرلە. لوطفا سون سۆزۈنۈزە دىلە گىنېزى بويورون.

- منىم آن بؤيووك آزىزم كى هەر يېرده بونو سون سۆز اولاق دىه رم بودور كى، بىر گون رەھمانلىق لىمانىندا اورمو گۈلۈنۈن جانلانماسى اوچون بىر شادلىق تۈرە نى مىللەتىمىزلىق بىرلىكده قوراق.





Hamid Mohammadi

دانشجوی رشته حقوق

ارمنستان آراز را به کمال بزرگی از فاضلاب صنعتی مبدل می‌کند؟

ظاهراً بحران‌ها و چالش‌های زیستمحیطی از خطی آذربایجان دست‌بردار نیست، بعد از تبدیل دریاچه اورمیه به بزرگ‌ترین بحران زیستمحیطی کشور بحرانی دیگر به نام بحران زیستمحیطی آراز توسط ارمنستان در حال شکل‌گیری است. رودخانه آراز که به عنوان یکی از زیستگاه‌های حائز اهمیت برای پرندگان و آبزیان به شمار می‌رود چند سالی است مهمان ناخوانده سلامت این رودخانه و حیات موجود در آن را تهدید می‌کند. پساب‌ها و فاضلاب‌های صنعتی که توسط ارمنستان به سمت رودخانه آراز سرازیر می‌شوند باعفود و رسوخ به این رودخانه، سلامت روستاییان شمال غرب کشور و حتی برخی مناطق را نیز درنوردیده، برخی کارشناسان معتقدند استمرار روند موجود می‌تواند بحران جدیدی در حوزه زیستمحیطی مواجه سازد. چالشی که در صورت عدم کنترل و مهار آن می‌رود بعد از دریاچه اورمیه به دوین معطل در حوزه محیط‌زیست این منطقه مبدل شود.

پساب‌هایی که به راحتی تجزیه نمی‌شوند

ابراز نگرانی از آلودگی رودخانه آراز صرفاً به محیط‌زیست کشور خلاصه نمی‌شود بلکه پارلمان نشینان نیز دغدغه‌های خود را در این خصوص مطرح کرده‌اند چندی پیش مؤید حسینی صدر سخنگوی پیشین فراکسیون محیط‌زیست و توسعه پایدار مجلس با گلایه از ورود پساب‌ها و فاضلاب‌ها به رودخانه ارس عنوان کرده بود: ارمنستان اصول و استانداردهای زیستمحیطی را زیر را گذاشته است ب اعتقاد وی پساب‌ها، سومون صنعتی محسوب می‌شوند که فرآیند تجزیه‌پذیری آن بسیار پیچیده است. درواقع امر ارمنستان موظف است در راستای قواعد حسن هم‌جواری، اصول زیستمحیطی را رعایت کند و با وظیفه‌شناسی خود از بروز چنین اقدامات ناشایست جلوگیری کند.

سعید موسوی مسئول حوزه معاونت و نظارت و پایش اداره کل حفاظت از محیط‌زیست آذربایجان غربی در گفت‌وگو با رسانه‌ها عنوان کرده بود، رودخانه آراز از مهم‌ترین منابع خطه‌ی آذربایجان محسوب می‌شود که به دلیل ورود پساب‌های صنعتی و فاضلاب ناشی از فعالیت کارخانه مس ارمنستان در جوار این رودخانه آن را به کمال بزرگ از فاضلاب مبدل ساخته است. با وجود اظهار گلایه مسئولان ارشد محیط‌زیست کشور و نمایندگان مجلس شورای اسلامی همچنان معطل آلودگی آراز به قدرت خود باقی است.

در چنین شرایطی می‌طلبد دستگاه دیپلماسی کشور دستور کاری را برای این موضوع مدنظر قرار دهد و تا حصول نتیجه و اخذ تضمین‌های لازم رایزنی‌های خود را در این حوزه استمرار بخشد.

نوع آلودگی رودخانه آراز	مدت آغاز آلودگی	تأثیر روی اکوسیستم منطقه
پساب‌های صنعتی میکروبی توسط ارمنستان	بیش از ۱۵ سال	۱- تهدید سلامت محصولات کشاورزی منطقه
		۲- مرگ هزاران ماهی و آبزیان آراز
		۳- انتقال آلودگی به دریای خزر و رودخانه کور از طریقه رودخانه آراز
		۴- تهدید سلامت ساکنان حوزه آریز آراز

دریاچه‌ها و رودخانه‌های بحرانی در ایران

اجتماعی که از منابع طبیعی و زیست‌بوم خود پشتیبانی و نگهداری نکند، نابودی خود را تدارک می‌بیند. زندگی انسانی در پیوند تنگاتنگ با طبیعت و تمامی منابع آن قرار داشته و هرگونه آسیب به طبیعت به ناگزیر ضربه به زندگی انسانی است.

روند تخریبی زیست‌بوم کشور ما به طرز دردناکی جریان دارد و روزبه‌روز این وضعیت وخیم‌تر می‌شود.

دریاچه هامون، سومین دریاچه بزرگ ایران پس از دریاچه کاسپین خزر و دریاچه اورمیه است. دریاچه هامون وابسته به رودخانه هیرمند در افغانستان است و اکنون چندین سال است که دیگر آب هیرمند به این دریاچه سرازیر نمی‌شود. درگذشته‌های دور دریاچه هامون، دریاچه‌ای بزرگ و پرآب بوده است. پس از خشک‌سالی‌ها و تقسیم‌بندی‌های کشورها و نرسیدن آب به مرزهای ایران به مرور قسمت‌های وسیعی از آن خشک‌شده و اکنون به چهار دریاچه مجزا تقسیم شده است: دریاچه هامون صابری یا سیستان، دریاچه هامون پوزک ایران، دریاچه هامون هیرمند و دریاچه هامون پوزک افغانستان که بخش کوچکی از آن نیز در ایران واقع شده است. دولت افغانستان، سال‌ها پیش سدی به نام کجکی روی رودخانه هیرمند احداث کرده است که موجب تشدید بحران شد. رعایت نکردن حق آب ایران و قطع جریان آب رود هیرمند از سوی افغانستان باعث خشک شدن دریاچه هامون در حوزه آبریز منطقه سیستان شده است. امروز دریاچه هامون و تلاط آن با یک فاجعه زیست‌محیطی مواجه است. حیات سیستان در گروهاری بودن هیرمند و زنده‌بودن هامون است و هامون همچون قلبی است که تا کوچک‌ترین گزندی در آن ایجاد می‌شود سایر بخش‌های دیگر را نیز با بحران مواجهه می‌سازد. متأسفانه هیچ‌گونه مدیریت یکپارچه درباره دریاچه هامون بهمنظور حفظ منابع آن و تأمین نیروی انسانی برای نگهداری از آن وجود ندارد و دولت از هرگونه تلاش برای حفظ این اکوسیستم دور است.

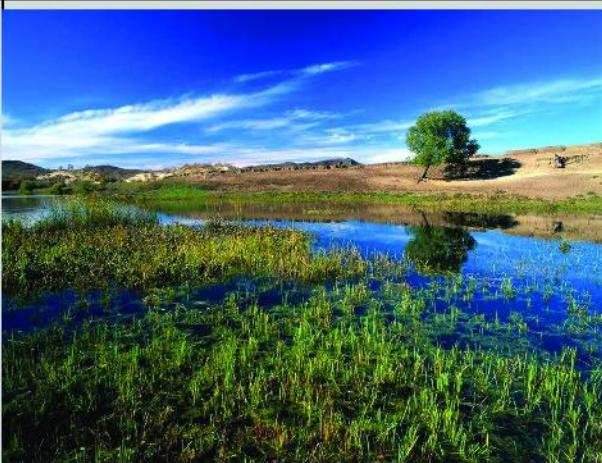


دریاچه اورمیه در جدال میان مرگ و زندگی است. تشدید بحران اکولوژیکی و حیاتی دریاچه اورمیه یکی از حادترین ویرانگری‌های زیست‌محیطی در ایران است. ساخت ۲۵ سد روی ۲۱ رودخانه مشرب کننده دریاچه اورمیه نقش مهمی بر خشک شدن دریاچه اورمیه داشته است. هم‌اکنون با سدسازی نزدیک به ۵۰ میلیارد مترمکعب آب از دریاچه اورمیه گرفته شده که این کار سبب خشک شدن حدود سه هزار کیلومترمربع شده است.

در سال ۱۳۸۹ بیش از دویست هزار هکتار از محدوده طبیعی دریاچه اورمیه به نمکزار تبدیل شد. با توجه به روند وخیم کنونی اگر اقدام جدی و فوری صورت نگیرد تا چند سال دیگر این دریاچه از بین خواهد رفت.

در ۱۳ سال گذشته بیش از ۳۰ طرح کشوری و استانی برای حل بحران دریاچه اورمیه به تصویب رسید، اما هیچ‌کدام اجرا نشد. آنچه مسلم است، این دریاچه زیبای کشورمان تا مرگ قطعی فاصله چندانی ندارد. خشک شدن این دریاچه علاوه بر اینکه یک فاجعه تمام‌عیار زیست‌محیطی است، یک بحران انسانی، اجتماعی و اقتصادی هم به دنبال خواهد داشت، چراکه باعث نابودی دامداری و کشاورزی و گردشگری در استان‌های پیرامون خود خواهد شد.





دریاچه پریشان که در ۱۲ کیلومتری جنوب شرقی کازرون قرار داشت و به وسعت ۴۳ کیلومترمربع بود و بزرگ‌ترین و زیباترین دریاچه آب شیرین داخلی کشور محسوب می‌شد، به دنبال کمی بارش و عدم مدیریت درست منابع آبی و مصرف ناهنجار و بی‌رویه آب، سوزاندن بخش بزرگی از نیزارهای اطرافش به علت عملیات راهسازی و ایجاد سد و خشکسالی‌های اخیر کم‌کم خشک شد و بالاخره در سال ۱۳۹۰ بیش از ۹۰ درصد از توان انباست آب خود را از دست داد. دریاچه پریشان دیگر پریشان نیست بلکه دریاچه سوخته است. دریاچه خشکشده «پریشان» به عنوان تالاب بین‌المللی ثبت شده بود و در تقسیم‌بندی مناطق جزو منطقه حفاظت‌شده محسوب می‌شد.



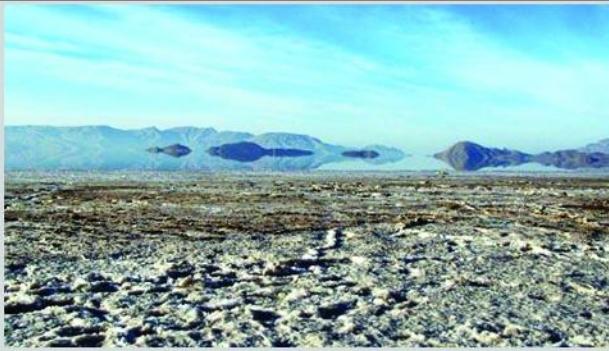
آجیق سوز
۲۵

درگذشته تالاب بین‌المللی ازلى در استان گیلان دارای ۱۲ متر عمق بود و همان‌گونه از جلک خفه کننده آزولا انباسته شده و آبهایش آلوده و بهشت کاهش یافته است. نیزارهای تالاب به طور وسیع صدمه دیده‌اند، انگل‌های تالاب بسیار زیاد شده و میزان آبیان و بچه ماهی‌ها به سرعت کم شده است. رفت‌وآمد قایق‌های متوری، آلوده شدن آب به روغن سنگین و گازوئیل و مواد شیمیایی سمی، صید بی‌رویه در زمان تخریزی ماهی‌ها، آلودگی‌های ناشی از مصرف سومون گیاهی و کود شیمیایی در مزارع اطراف تالاب و ساخت اسکله در محل تلاقی دریا با تالاب، رفت‌وآمد ماهی‌ها را برای تخریزی به تالاب کاهش داده و امکان تولید مثل به مراتب دشوار و محدود شده است.

به طور خلاصه می‌توان گفت پنج شناسه اصلی، توان زیست پالایی تالاب ازلى را تهدید می‌کنند. آن‌ها عبارت‌اند از افزایش رسوب واردشده به تالاب، افزایش پساب‌های سمعی صنعتی تخلیه شده در تالاب، تغییر کاربری اراضی و تبدیل بخشی از اراضی کنار تالاب به زمین‌های کشاورزی، جاده‌سازی و رشد بی‌رویه ساختمان. تالاب ازلى که از اکوسیستم‌های ثبت شده جهانی ایران است و تأثیر عمده‌ای روی آب‌وهوای محلی، زیست پرندگان، آبیان و اقتصاد مردم حاشیه‌نشین دارد، اکنون با آلودگی زیست‌محیطی سخت بیمار است.

دریاچه بختگان که در استان فارس است در سال ۱۳۴۷ به عنوان منطقه حفاظت‌شده اعلام شد، ولی اکنون این دریاچه در حال خشکی کامل است. استفاده‌های متعددی در بالادست تالاب برای آب آشامیدنی شیراز و روستاهای متعدد و همچنین استفاده از آب برای اراضی کشاورزی و صنعت رمک دریاچه را گرفت و در پی این بهره‌برداری‌ها به طور طبیعی چیز دیگری برای ورود به تالاب باقی نمی‌ماند. منشاً دریاچه بختگان رودخانه کوچک «سیوند» در دره‌ای به همین نام است که تنگه بلاگی نیز خوانده می‌شود. سیوند نام روستایی بزرگ و خوش آب‌وهوا در مسیر راه شیراز به اصفهان در میانه راه تخت جمشید به پاسارگاد است و سیلاب رود سیوند در انتهای مسیر خود به رود «کر» می‌پیوندد و از آنجا به دریاچه بختگان می‌ریزد. دولت در حال حاضر سدی را به روی این رودخانه احداث کرده که از نظر طرفداران محیط‌زیست حیات دریاچه بختگان را به طور جدی تهدید کرده و به علاوه خطر مهلكی برای تمامی آثار باستانی نزدیک آن به شمار می‌آید. خشک شدن دریاچه بختگان اثرات مخرب زیادی روی مزارع، باغات و همچنین سلامتی شهروندان و زیستمندان داشته است، به‌گونه‌ای که برخی از مردم به بیماری‌های پوستی یا حتی تنفسی مبتلا شده‌اند.





دریاچه طشك با وسعت تقریبی ۸۰۰ کیلومترمربع در شمال باختری دریاچه بختگان و ۱۶۰ کیلومتری خاور شیراز قرار دارد. تعدادی جزیره و شبه جزیره کوچک و بزرگ از جنس رادیولاریت، سنگ‌های پلازیک و آهک‌های سروک در این دریاچه وجود دارند که مهم‌ترین آن‌ها جزایر نرگس و گنبان است که مساحت آن‌ها تابع شرایط بارندگی سالانه است. یکی از جزایر دریاچه طشك جزیره پلیکان‌هاست که در گذشته محل لانه سازی پرندگان مختلف بوده است. درواقع ۹۵ درصد این دریاچه به دلیل خشک‌سالی‌های اخیر خشکشده و تنها چشمۀ گمبان که در اطراف آن واقع شده و در گذشته تا حدودی آب دریاچه را تأمین می‌کرده است، آب دارد. برداشت‌های بی‌رویه آب و عدم مدیریت درست و فقدان بودجه و نیروی کار کارشناس این دریاچه را با مشکل بحران حیاتی روبه‌رو ساخته است.



هورالعظیم از سه رودخانه دجله، فرات و کرخه تغذیه می‌شود. در فصل پاییز سه دسته از پرندگان مهاجر شامل پرندگان زمستان گذر، پرندگان بومی و پرندگان جوجه آور به تالاب‌های خوزستان از جمله تالاب هورالعظیم مهاجرت می‌کنند.

در اوایل سال ۱۳۸۷ گروه اقتصاد دولت با واگذاری بیش از هفت هزار هکتار از اراضی محدوده تالاب هورالعظیم به وزارت نفت جهت کشف و استخراج نفت موافقت کرد. اعلام موافقت دولت با واگذاری بیش از هفت هزار هکتار از زمین‌های هورالعظیم به صنایع پتروشیمی و نفت در حالی صورت گرفت که حوادث ناگوار و پیامدهای نابودی این تالاب از دیرباز از جانب فعالان محیط‌زیست مطرح شده است. اضافه بر این برنامه محیط‌زیست سازمان ملل چند سالی است که نسبت به پیامدهای نابودی این تالاب هشدار می‌دهد، اما ایران و عراق که هورالعظیم در مرز مشترک آن‌ها واقع شده است کوچک‌ترین توجهی به این هشدارها نکرده‌اند. سازمان ملل بارها هشدار داده که در جنوب غربی ایران فاجعه‌ای در مقیاس دریاچه آرال و جنگل‌های آمازون که بزرگ‌ترین فجایع زیست‌محیطی تاریخ هستند در حال وقوع است. مسئولان محیط‌زیست و کارشناسان این حوزه، منشاً اصلی بحران ریز گردها در استان خوزستان را خشک شدن بخشی از تالاب هورالعظیم به علت عملیات حفاری وزارت نفت ایران می‌دانند.

دریاچه کافتر در بخش مرکزی شهرستان اقلید در شمال استان فارس قرار داشت و درازای آن ۲۴ کیلومتر و پهنه‌ای آن شش کیلومتر بود. کافتر یکی از زیستگاه‌های آب شیرین استان فارس، از زیستگاه‌های بسیار ارزشمند پرندگان مهاجر محسوب می‌شد و مکان مناسب پرورش ماهی‌های کپور و آمور به شمار می‌رفت. وجود چشمه سارها و قنوات متعدد علاوه بر ایجاد مناظر زیبا و دیدنی، زمینه مساعدی برای پرورش ماهی قزل‌آل‌فراهم کرده بود. پیش از بحران اکولوژیکی و خشکسالی سالانه حدود یک هزار تن ماهی کپور از دریاچه صید می‌شد. آب مورد نیاز همه کشاورزان بومی را تأمین می‌کرد.

به‌طور مسلم یکی از دلایل بحران کمبود بارش است، ولی در ۱۵ سال گذشته به دلیل استفاده بی‌رویه آب و همچنین توسعه کشاورزی در بالادست خسارات جبران ناپذیری به کافتر وارد شد و این دریاچه آخرین نفس هایش را بعد از چهار سال کشید و نابود شد. اگر در گذشته روی دریاچه مدیریت و کارشناسی صورت می‌گرفت و سپس درباره آبرسانی و برداشت آب اقدام درست می‌شد، هم‌اکنون شرایط دریاچه کافتر این گونه نبود که به محلی برای اتومبیل رانی تبدیل شود.



آجیق سوز

۲۶

رودهای بیمار و آلوده



دادند و ۱۵ هزار نفر مجبور به ترک خانه و کاشانه خود شدند.

رود کارون مکانی برای رهاسازی بی‌رویه پساب‌های صنعتی، شهری و کشاورزی شده است و بیش از ۴۰ درصد فاضلاب شهری اهواز و فاضلاب‌های صنعتی و کشاورزی در بالادست رودخانه به صورت مستقیم به آن وارد می‌شود. همچنین به دلیل کاهش میزان دبی رودخانه و بازگشت آب از سوی دریا، سوری آب کارون افزایش یافته و معضل آلودگی آب رودخانه را تشدید کرده است. متأسفانه اکوسیستم گیاهی و جانوری رودخانه کارون به دلیل آلودگی بیش از حد این رودخانه در حال نابودی است و برخی گونه‌های جانوری مانند گربه‌ماهی در حال انقراض هستند. در حال حاضر در هر گوش‌های از کارون آلودگی صنعتی و زباله شهری و خانگی غوغایی می‌کند و مدفوع خانگی و لاشه حیوانات در کارون شناور هستند. در کارون آلودگی میکروبی و آلودگی ناشی از فلزات سنگین (سرب، کادمیوم، سیانور و آرسنیک) سلامتی انسان‌ها و آبزیان و جانوران را با خطرات جدی مواجه کرده است.

کشف رود این رودخانه تاریخی خراسان که با طول ۲۹۰ کیلومتر مسیرش به پل خاتون سرخس می‌رسد شادابی گذشته خود را ازدستداده است و امروز کشف رود به یک رودخانه سرشار از فاضلاب و لجن و بوی گند و آلودگی‌های سرطان‌زا و سبزی‌های آلوده تبدیل شده است. فاضلاب صنعتی حاصل از فعالیت‌های شهرک صنعتی توسع از تصفیه‌خانه پرکن‌آباد، فاضلاب صنعتی بنگاه‌های آبکاری منطقه دهرود، صنایع پوست و چرم همت‌آباد و کارگاه‌های قالی‌شویی منطقه التیمور، فاضلاب خانگی تصفیه‌خانه اولنگ و پرکن‌آباد، زه آبهای کشاورزی حاوی سموم و کودهای شیمیایی و فاضلاب هایی تصفیه نشده مناطق مختلف مشهد از جمله آلودگی هایی است که در بستر این رود تخلیه می‌شوند. پانزده سال است که مسئولان و بوروکراسی دولتی همه این پدیده‌های دلخراش را می‌شناسند، ولی کوچک‌ترین احساس مسئولیتی نسبت به نابودی زیست‌محیطی نشان نمی‌دهند.

زاینده‌رود در اصفهان خاموش است. بحران زاینده‌رود و متوقف کردن آب در بخش شرقی این رودخانه، از اصفهان تا تالاب گاوخرنی خطرناک‌ترین رویداد زیست‌بومی در مرکز ایران است. این بحران نه نتیجه خشک‌سالی طبیعی بلکه قبل از هر چیز ناشی از تصمیمات سیاسی و اداری است.

در دورانی که فشار کمی باران وجود دارد دولت تصمیم گرفت تا آب را به چهار محال و بختیاری جهت نیازهای اقتصادی پر مصرف بکشاند و آب مورد نیاز کارخانه‌های بزرگ پر مصرف را در اولویت قرار دهد و بدین ترتیب تمام مسیر را تا گاوخرنی از آب محروم و کشاورزان بی شماری را بی‌خانمان کرد و آبوهای محیط طبیعی و زندگی پرندگان و جانوران این منطقه را ناسامان ساخت. تالاب گاوخرنی نیز یک تالاب بین‌المللی بود که ۴۷۰ کیلومتر طول آن بود و به ثبت جهانی رسیده بود، اما امروز دیگر به خاطر خشکی زاینده‌رود وجود ندارد. از انتقال غیراصولی آب زاینده‌رود به شهرها و استان‌های دیگر، احداث غیرمنطقی و طبیعت ستیزانه صنایع بزرگ در حاشیه رودخانه، عدم راندمان مناسب در صنایع کشاورزی استان‌های چهار محال بختیاری و اصفهان، کاشت محصولات کشاورزی نظیر برنج، نگاه استانی به زاینده‌رود و... همه و همه در خشک شدن پرآب‌ترین رود فلات مرکزی ایران نقش داشته است.



رودخانه کارون در گذر از خوزستان حدود ۷۰ درصد آب شرب استان را تأمین می‌کند و این در حالی است که این رودخانه پذیرنده پساب‌های شهری، کشاورزی و صنعتی استان است. رودخانه کارون که زمانی پرآب‌ترین رود ایران بود امروز به سختی نفس می‌کشد.

به دنبال سدسازی‌ها استان خوزستان با کمبود بیش از چهار میلیارد مترمکعب آب مواجه است. تنها با آبگیری سد کارون سه تعداد ۶۳ آبادی شامل ۱۲۹۱ قطعه زمین کشاورزی و مسکونی به زیرآب رفت، تعداد ۳۵ روستا غرق شد و با به زیرآب رفتن زمین‌های کشاورزی ۲۸ روستا، کشاورزان بسیاری قدرت تولید و مشاغل خود را از دست

۸ دریاچه و رودخانه جهان که خشک شدند

بکی از چالش‌های ناشی از افزایش جمعیت زمین، نیاز فزاینده بشر به منابع آبی است و این در حالی است که حجم دریاچه‌ها و رودخانه‌ها رو به کاهش است. بشر برای رفع تشنگی، تولید غذا، انرژی، استخراج مواد معدنی خام از زمین و بسیاری از فعالیت‌های دیگر به آب نیاز دارد.

میانگین حجم آب موردنیاز هر خانوار چهارنفره روزانه می‌تواند به ۴۰۰ گالن یا حتی بیشتر برسد که در کنار آن باید حجم بالای استفاده از منابع آبی در امور کشاورزی، تولیدی و صنایع رانیز در نظر گرفت. همچنین الکتریسیته که به عنوان عامل محرك پیدایش تمدن برshمرده می‌شود از طریق توربین‌هایی تولید می‌شود که برای کار کردن به میزان زیادی آب نیاز دارد.

این در حالی است که با بالا رفتن دمای هوا ناشی از تغییرات اقلیمی، برخی از بزرگ‌ترین دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و دریاچه‌ای جهان باگذشت زمان در حال کوچکتر و خشک شدن هستند. زمانی که مقدار آب مصرفی بشر بیش از میزان آب تولیدی باشد که طبیعت وارد چرخه محیط‌زیست می‌کند، مجموع ذخایر آبی کاهش می‌یابد.

سایت «شبکه طبیعت مادر» در مطلبی به معرفی دریاچه‌ها و رودخانه‌هایی پرداخته که کاملاً خشک شده یا در حال خشک شدن هستند:

دریاچه پوپو: زمانی دریاچه پوپو دومین دریاچه بزرگ بولیوی بود اما اکنون این دریاچه خشک شده است. تصاویر گرفته شده از این دریاچه در آوریل سال ۲۰۱۳ نشان می‌دهد که میزان آب بسیار ناچیزی در آن باقی مانده است. همچنین تصاویر ماهواره‌ای ناسا در ژانویه ۲۰۱۶ نشان‌دهنده بستر خشک شده دریاچه در سمت راست آن است. خشکسالی، تغییرات اقلیمی و تغییر مسیر آب از منبع اصلی دریاچه در کاهش ذخایر آبی آن نقش داشته است.

رودخانه کلرادو: این رودخانه پس از عبور از پارک ملی کوه راکی در ایالت کلرادوی آمریکا از چهار ایالت دیگر و بخش‌هایی از مکزیک گذشته و به خلیج کالیفرنیا می‌ریخته اما اکنون جریان آب پیش از رسیدن به دهانه تاریخی رودخانه به مسیرهای دیگری کشیده شده و مسیر آن برای آبیاری محصولات کشاورزی، تأمین آب روستاهای شهرها و پر کردن استخرها تغییر یافته است. هر آنچه از جریان آب باقی می‌ماند و از مرز بین ایالت متحده و مکزیک می‌گذرد برای مکزیک به حساب می-

رودخانه سفیدرود با تأمین ۸۰ درصد آب استان از جمله منابع آبی مهم گیلان به شمار می‌رود که از خارج استان سرچشمۀ می‌گیرد و آسودگی آن به هشت استان دیگر نیز انتقال می‌باشد. این رود با تخلیه هزار و ۸۴۰ تن نیترات، فسفات و ۳۰۰ تن انواع حشره‌کش‌ها از آسوده‌ترین رودخانه‌های ایران در سواحل خزر است که به تنها‌ی بیش از پنج درصد بار آلودگی تخلیه شده است از سوم شیمیایی کشاورزی را در سواحل شمالی به خود اختصاص می‌دهد. کارشناسان بر این باورند که افزایش آلاینده‌های نفتی، میکروبی و کشاورزی، تعادل زیستی رودخانه سفیدرود را که یکی از مهم‌ترین آثار طبیعی ایران است به مخاطره انداخته است. تخلیه سالیانه یک هزار تن پساب صنعتی و خانگی و انواع زباله‌های رهاسده روستایی و شهری، سفیدرود را به زباله‌دانی تبدیل کرده است و با انتقال این آلودگی‌ها به خزر، فاجعه زیست محیطی هر روز ابعاد گسترده‌تری می‌گیرد. در حال حاضر اکوسیستم طبیعی سفیدرود دچار تغییرات زیادی شده که علاوه بر خطر نابودی کامل رودخانه و گونه‌های متنوع آبزیان موجود در آن، اقتصاد و معیشت هزاران انسانی را که در حاشیه رودخانه سفیدرود زندگی می‌کنند نیز به خطر انداخته است.



تقاضای منابع آبی تأثیرات نامطلوبی بر سطح آب این دریاچه داشته به‌گونه‌ای که در یک ماه حدود یک متر از عمق آن کاسته شده است.

کیست مرا یاری کند؟

می‌خواهم بگویم از دریاچه مظلومی که مظلومیت‌ش سر به جهانی شدن می‌زند اما هنوز مسئولین ما در خواب شیرین بی‌خيالی سیر می‌کنند منظور من دریاچه یا به عبارتی سوره‌زار اورمیه است بله دریاچه‌ای که برخلاف دریاچه‌های دیگر مورد مهر و محبت مسئولین قرار نگرفت و تمام مهری‌ها مردم به جان خربند و تنها دلسووز و حامی آن مردم باعیرت و باشرف تورک از سرتاسر جهان و ایران است اما وقتی حمایت کنی ولی قدرتی برای به ثمر نشاندن نداشته باشی چه فایده دارد. بیش از ۳۰ میلیون تورک در سرتاسر ایران در شیوه‌های اجتماعی کمپین Save lake urmia راه انداختن تا جایی که به گوش رئیس حفظ محیط‌زیست دنیا هم رسید اما باز مسئولین ما بی‌توجه‌تر از دیروز.

کار تا حدی جدی شده که خبرهای موثق حاکی از آن است که در مدت ماه‌ای نه‌چندان دور بلایی بر سر این دریاچه خواهد آمد که زیان و آسیب آن نتها به کل ایران بلکه کشورهای دیگر نیز خواهد رسید زمانی که فقط از این مکان زیبا فقط سوره‌زاری بیش نماند باد تمام خاک و نمک‌های را با خود برد و تبدیل به گردباد عظیمی خواهد کرد که کل مناطق را در بر خواهد گرفت آیا خطیری بزرگ‌تر از این ممکن است مملکت ما را تهدید کند؟ آیا همه مَا خواستار چنین وضعیتی هستیم؟

با این حال چرا به احیای آن بی‌اهمیت هستیم؟ این وضعیت به حدی جدی است که کودکان ما با شال‌های تراختور بر گردن با سن و سال اندک به این فهم و

شعور رسیده‌اند که دریاچه در حال نابودی است و به حد جسم کوچکشان با بطای های آب می‌خواهند این دریاچه را پر کنند و یا عده‌ای با اشکم چشم و در این راه تیم پر هوادار اذربایجان هم بیکار نشست و با هک کردن نشان دریاچه اورمیه بر روی پیراهن‌های تیم خواستار توجه بیشتر مردم و مسئولین شدند اما تابه اینجا ثمره‌ای نداشت؛ و همچنین عده‌ای با تشکیل زنجیر اتحاد برای رساندن حرف خود برای حفظ دریاچه شدند که با خالی شدن پشت خود توسط مسئولین و سورای شهر و استان روبرو شدند آیا این کارها درست است؟ که آقایان محترم در مجلس شعار حفظ دریاچه دهنده‌اما در عمل پشت مردم را خالی کنند؟ انگار تهرا راه نجات این دریاچه خداست آری همان‌طور که در سیل عظیم آذربایجان چندین و چند تن جان خود را از دست دادند تا در این راه بخشی از دریاچه پر شود بله گویی برای احیا، قربانیان زیادی باید داده شود تا عده‌ای از خواب شیرین بیدار شوند.

ساناز سادات موسوی

کارشناسی مهندسی شهرسازی

آید و میزان آب ناچیزی که باقی‌مانده برایر فاضلاب ناشی از فعالیت در زمین‌های کشاورزی ایالات متحده آلوده شده است. همچنین وقوع چند سال خشکسالی به طور چشمگیری میزان بارش لازم برای تأمین آب رودخانه کلرادو را کاهش داده است.

دریاچه آرال: این دریاچه که در منطقه‌ای در مرز قرقاسخت و ازبکستان واقع است مجموعه نامرتبط از حوضچه‌های کوچک حاوی آب دریاست. دریاچه آرال از دهه ۱۹۶۰ و هنگامی که اتحادیه جماهیر سوری اقدام به تغییر مسیر رودخانه‌های تغذیه‌کننده دریاچه آرال برای آبیاری زمین‌های کشاورزی کرد، عقب‌نشینی کرده است. در سال‌های اخیر اقداماتی صورت گرفته تا میزان جریان آب بیشتری وارد این دریاچه شود اما به نظر نمی‌آید با این روش‌ها بتوان این دریاچه را به حجم اولیه خود برگرداند. دریاچه آرال یکی از بزرگ‌ترین مشکلات زیست‌محیطی ناشی از فعالیت‌های انسانی در تاریخ است.

حوضه بدوواتر: خوشبختانه نقش انسان در کاهش ذخیره آبی این دریاچه کم‌رنگ‌تر بوده است. تنها عاملی که باعث عقب‌نشینی آب حوضه بدوواتر می‌شود چرخه طبیعی است. بدوواتر در حقیقت دریاچه‌ای فصلی است که پس از بارش باران و پیش از بخار شدن آب به وجود می‌آید. این دریاچه در دره مرگ کالیفرنیا، ۸۵ متر پایین‌تر از سطح دریا و به عنوان کم ارتفاع‌ترین منطقه در آمریکای شمالی واقع شده است.

دریاچه چاد: طبق بررسی سازمان ملل این دریاچه در آفریقا میزان ۹۵ درصد حجم آب خود را در فاصله سال‌های ۱۹۶۳ تا ۱۹۹۸ ازدست داده است. این دریاچه کم‌عمق به دلیل تغییر الگوهای بارش باران، از بین رفتان جنگل‌ها و افزایش تقاضای جمعیت اطراف آن بهشت آسیبدیده است. این دریاچه در سال ۱۹۰۸ و بار دیگر در سال ۱۹۸۴ خشک شد.

دریاچه اونز: تا اوایل دهه ۱۹۰۰ دریاچه اونز در شرق «سیرا نوادا» در ایالت کالیفرنیا جریان آبی به طول ۱۹ کیلومتر و عمق ۷ تا ۱۵ متر داشت. در سال ۱۹۱۳ آب تأمین‌کننده دریاچه اونز توسط دپارتمان آب و نیروی لس‌آنجلس تغییر مسیر پیدا کرد. سطح آب این دریاچه به تدریج کاهش یافت و به سطح فعلی رسید که بیشتر قسمت‌های آن خشک شده است.

دریاچه پاول: این دریاچه که در منطقه مرزی ایالت‌های آریزونا و یوتای آمریکا قرار دارد با ساخت سدی روی رودخانه کلرادو ایجاد شد. این سد که ۲۱۶ متر ارتفاع دارد در سال ۱۹۶۳ تکمیل شد اما تا ۱۷ سال پس از آن آبی در آن جریان پیدا نکرد و پس از آن چندین کیلومتر از زیستگاه‌های حیات وحش به زیرآب فرورفتند. امروز این دریاچه به منطقه‌ای تفریحی تبدیل شده است.

دریاچه مید: در حدود یک دهه دریاچه مید در ایالت نوادای آمریکا مجموع حجم آب خود را بیش از ۶۰ درصد ازدست داده است. خشکسالی‌های مداوم و افزایش

«اکیزلر» (دو قلوها) یک فیلم مستند به نویسنده‌گی و کارگردانی محمد علیمرادی، در مورد مرگ تدیریچی دریاچه اورمیه است. در این فیلم، راوی به سراغ یکی از روستاهای اطراف دریاچه اورمیه رفته و تأثیر خشک شدن دریاچه را در زندگی اجتماعی و اقتصادی این روستاشینان نشان می‌دهد. خانواده‌هایی که زندگی شان تحت الشاعع خشکی دریاچه قرار گرفته است و کودکان دوقلویی که هیچ آینده‌ای برای آن‌ها نمی‌شود، تصور کرد. عنوان فیلم همچنین اشاره‌ای دارد به سرنوشت مشابه دو دروان شوروی خشک شد و دیگری دریاچه اورمیه که در حال مرگ است.

فیلم درباره تأثیرات خشکی این دو دریاچه در زندگی ساکنان اطراف آن است و نشان می‌دهد که چگونه حیات ساکنان این مناطق، به حیات این دو گره خورده است و محمد علیمرادی نزدیک ۲ سال تمام را صرف ساخت این مستند کرده است، دو سال تمام، بدون بودجه، بدون پشتیبانی و حمایت و با کلی موانع ریزودرشت. ستاد احیاء با آن هم دبدبه و کبکه و بودجه‌های کلان ریالی هم برای ساخت این فیلم مستند کمک نکرد، آن‌هم مراجعه و نامه‌نگاری های مکرر به جایی نرسید و این کارگردان هم اسیر این بورکاراسی سردرگم کننده نشد و بالارا مستحکم به کار خود ادامه داد. یک لحظه این مسئله را تصور کنید که برای تصویربرداری از دریاچه اورمیه مجوز قانونی صادر نمی‌شد به بهانه‌های مختلف و کسی از این مسئولین و دست‌اندرکاران که هر روز فریاد والسفا دریاچه اورمیه سر می‌دهند، هیچ کدام سراغ این جوان فیلم‌ساز را نگرفتند، نه حمایت و نه تقدیر و تشکر.

او می‌توانست سفارشی کار کند حالا برای هر طرف که صرف می‌کرد، می‌توانست یک کار سفارشی‌تر و تمیز برای شوهای تبلیغاتی و سیاسی اصلاح طلبان و اصول‌گرایان فراهم کند؛ اما از اول گفت مستقل کار می‌کنم و مستقل کار کرد اگرچه در گرم‌ترین روزهای تابستان با دوربین مهندی رفت سراغ روستای دورافتاده زینت‌لی و در سردترین فصل سال باز همراه بابا این تصویربردار با جیب خالی و لباس‌های گرم عاریهای راهی فراستان و یکی از نزدیک‌ترین مناطق به سبیری یکی از سردترین نقاط کره زمین شد تا روایت اکیزلر را با تصاویر دریاچه آرال کامل کند. از اول تا آخر این کار را مستقل رفت و تمام کرد.

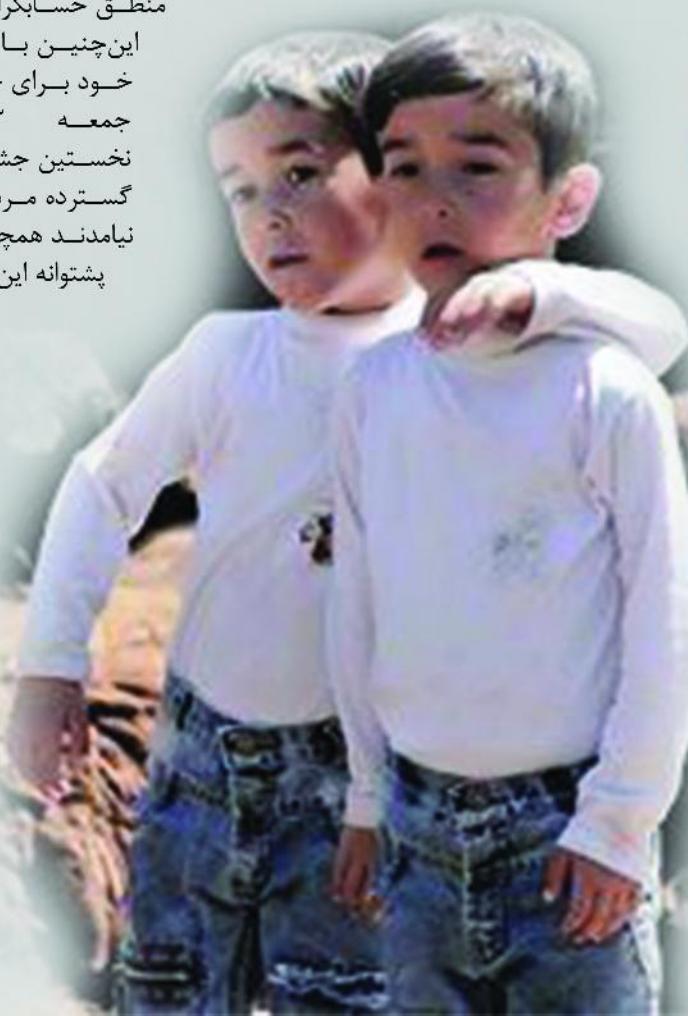
این پشتکار و اراده محمد علیمرادی قبل تحسین است، او بی‌شک یکی از پیگیرترین و مطلع‌ترین افراد در زمینه وضعیت دریاچه اورمیه است، از سال ۸۸ تصاویر و عکس‌هایی دارد در مورد دریاچه اورمیه و من خبردارم که دقیقاً از آن سال به بعد زندگی‌اش بمنوعی با وضعیت دریاچه گره خورده است. مثل مانیست که گاهی از دریاچه بنویسم برای آن اظهار نگرانی کنیم و بعد برویم سراغ زندگی‌مان.

در زمانه‌ای این‌چنین که روحیات فردگرایانه افراطی و اخلاق کاسب‌کارانه و منطق حسابگرانه حرف و اول آخر را می‌زند، اینکه کسانی را بینی که

این‌چنین با شور و شوق به‌رغم این‌همه موانع هنوز هم از زندگی خود برای خیر عمومی جامعه می‌گذرند بسیار روحیه‌بخش است.

جمعه ۱۳ مرداد فیلم مستند «اکیزلر» در نخستین جشنواره فیلم تبریز به نمایش درآمد با حضور و استقبال گسترده مردم، اگرچه هیچ‌کدام از مسئولین و دست‌اندرکاران نبودند و نیامند همچنان که از اول هم نبودند اما مهم این هست که به پشتونه این اراده مستحکم این فیلم مستقل به سرانجام رسید؛

دست‌مریزاد محمد جان!



اکیزیز

نویسنده و کارگردان
محمد علیمرادی

تصویر بردار
مهدی میمندی

صدا بردار
حسن سلمانی

تدوین
 قادر فریور

گوینده متن
مهدی سمساری

مجری طرح
انجمن سینمای جوان
دفتر تبریز

تهیه کننده
محمد علیمرادی



FOR SAVE URMIA LAKE
Public recall to from a human chain

بخش مقالات

اجتماعی فرهنگی تاریخی ادی



My name is Zahra,
I lived in Azerbaijan,
I was assassinated for my innocence, but
you will die for your silence.

گذارده و شبانه‌روز کشیک می‌دادند و قبل از همه اهالی روستاها دوباره به سنگ جمع کرده بود؛ زیرا گفته بود که امروز فردا کردها حمله خواهند کرد؛ روز بعد شش ساعت از شب گذشته دسته پیاده کردها به ده گُوورچین قلعه رسید و حمله آغاز شد؛ از چهار جانب ده جنگ در گرفت؛ های‌هوی گوش فلک را کر می‌کرد؛ تا طلیعه صبح با وجود جنگ شدید به علت تاریکی هوا تغییراتی نبود و تلفاتی نداشت؛ ولی با روشن شدن هوا کاظیم خان که با دوربین از سنگ تمام نواحی گُوورچین قلعه را زیر نظر داشت، از کثرت تعداد کردن و دنبال هم رسیدن آن‌ها دانست که آن تفنگچیان معددود پاسگاه‌ها در توی ده و برج جلو سنگ نخواهند توانست مدت زیادی مقاومت کنند و شاید همه به اسارت افتند یا کشته شوند؛ لذا با علائمی که قبل از قرار گذاشته بود، همه را خبر کرد که جنگ کنان خود را به سوی سنگ بکشند و داخل شوند، پس کاظیم خان همه افراد را به داخل قلعه کشید و خود و تفنگچیانش از توی سنگ تمام کوچه‌ها و گذرهای گُوورچین قلعه را می‌زندید بهطوری که کردها روزهای توی است عبور و مرور کنند؛ بدین ترتیب کردها ۲۵ روز در ده گُوورچین قلعه به کندن و سوختن و شکستن و بردن مشغول و روستاهای دیگر هم به همین روز گرفتار بودند که روز بیست و ششم کاظیم خان و افرادش را جمع کرد و گفت:

این کردها دیگر اینجا را استراحتگاه خود ساختند و برای ما ننگ است که این‌ها این جور راحت بخورند و بگردند و ببرند، ما هم با این‌همه جمعیت از زن و مرد و کودک و پیر و جوان در مضیقه این تحصن بمانیم؛ باید یک دستبردی به این‌ها بزنیم تا مجبور به رفتن بشوند؛

لذا ترتیب داد که ۳۵ نفر از تفنگچیان از کنار دریا به ده قالاقچی رفته و از پشت سر به کردهای آنجا حمله‌ور شوند؛ قضا آن شب هم شب تاریکی بود، و کردها هم فارغ‌البال از اینکه همه افراد کاظم در محاصره هستند راحت نشسته یا خوابیده بودند؛

لذا چون بلایی ناگهان بر سرشار ریخته و تعدادی را کشته و ۷ نفر هم اسیر کرده به سنگ آوردند. در روز ۲۸ کشتی از شرف خانه برای بازدید سنگ آمده بود؛ شبانه قرار گذاشته که با توب کشته ده را بمباران و تفنگداران نیز از همه طرف حمله کنند اما چون هوا بسیار تاریک بود از این حمله نتیجه‌ای گرفته نشد و کشتی هم به شرف خانه برگشت؛ روز بعد کاظیم خان چند نفر را به راه قوشچی به کمین فرستاد سه نفر کرد را در راه کشته و اسلحه و اسب آن‌ها را به سنگ آوردند؛ بقیه ماجرا را به قلم خود آقای ملا اسماعیل سپهر بخوانید:

القصه، اکراد از این محاصره نتیجه نبرده، پس از سی و پنج روز اقامت در گُوورچین قلعه و سایر دهات انزل خارج شدند؛ پس رضائیه و سلماس به کلی در اختیار و زیردست اکراد گردید؛ از زمان آشوری و مسیحی بدتر دچار سختی و تنگی گردیدند و هر روز مصیبت جدید و هر ساعت



کاظیم خان

آچیق سوْز

رضاء حسینی

کاظیم خان قوشچو در کشاکش جنگ جهانی دوم و حمله روس به این مناطق و نیز حمله و غارت‌های شورشیان کرد اهالی روستاهای اطراف از جمله گُوورچین قلعه، قالاقچی، بوداش (نجف‌آباد)، قره‌باغ، قوشچی، باری و... در این جزیره سنگی کوه مانند پناه داده و حفظ کرده است.

حمله قشون سیمیتقو به کاظیم داشی بعد از انتقال ژاندارم‌ها، سیمیتقو از شنیدن این ماجرا بیش از حد ناراحت شده و تصمیم به یکسره کردن کار کاظیم خان گرفت و عده چند صد نفری را برای قتل و غارت و کشت و کشtar روستاهای انزل و کاظم داشی فرستاد؛ ظیم خان که مردی پیش‌بین بود و می‌دانست بعد از آن چریان ژاندارم‌ها سیمیتقو انتقام‌کشی خواهد کرد؛ قبل از بلندی‌های اطراف گُوورچین قلعه تفنگدارانی

صحبت و خطاب قرار می‌دادند و این موضوع کاظمی خان را ناراحت می‌کرد و به تدریج کدورتی میانشان به وجود آمد و هر دو نسبت به هم سرسنگین شدند؛ لذا روزی عباد ده نفر از تفنگداران را برداشت و با خود به روستای نجف آباد رفت و در قلعه آنجا سکونت کرده و منحصן شد و از اهالی روستا به جبر و عنف مقداری آذوقه و لوازم گرفته داخل قلعه برداشت؛ کاظمی خان به محض اطلاع از جریان، سه نفر از ریش‌سفیدان: یکی ملا اسماعیل سپهرو و دیگری حاج الله‌وردي قنبری از معتمدان قوشچی و سومی میرزا علی پسر قنبر اهل قولونجی را برای استعمالت و دلچویی وی به نجف آباد فرستاد، بقیه ماجرا از متن نوشته آقای سپه‌عوناً نقل می‌شود:

«ما سه نفر عزیمت کرده و روانه نجف‌آباد شدیم، در راه دیدیم که کاظمی خان با چهل نفر تفنگدار سوار با ساز و اسلحه به ما رسیدند؛ ما گفتیم در صورتی که خود شما عازم بودید؛ رفتن ما چه فایده‌هست: گفت: ما به کوه بگ‌داغی به شکار خوک می‌رویم، شما آنچه دستور داده شده انجام دهید؟ القصه؛ ما سه نفر وارد نجف‌آباد شده و در پیش برج قلعه با عباد مشغول مذاکره شدیم؛ و در را و نکردند و در همین حال کاظم با تفنگداران از کنار ده آمده به خانه عبدالله نام که با قلعه ۲۵ قدم فاصله داشت [رفت] آمدن کاظم را ماندیده بودیم؛ اما عباد از برج ما را فحش و ناسزا گفت یعنی شما اصلاح نیامده‌اید، بلکه ما را خدمه و مکر می‌کنید، ما ازانجا برگشته‌یم نزد کاظمی خان آمدیم؛ کاظمی خان خود با عباد به بحث و مذاکره پرداخت؛ بعد از ایراد گلایه‌ها و رنجیدگی‌ها بالاخره با میانجیگری ریش‌سفیدان قره‌باغ و قالاقچی و نجف‌آباد بینشان مصالحه و آشتی شد و قرآن مهر کرده به هم‌دیگر دادند و قرار شد عباد با افرادش از قلعه بیرون آمده و با کاظمی خان به روستاهای قوشچی رفته و عباد در قوشچی ماند و کاظمی خان به سنگ برگشت.

پس از چند روزی عمومی عباد در قوشچی فوت می‌کند عباد که در مجلس ترحیم عمومی‌ش، بدون صلاح تشنه بود؛ کاظمی خان چند نفر را دفعتاً فرستاده و از همان مجلس عباد را دستگیر و به سنگ می‌بردند و بلا فاصله حکم کرد از قله سنگ به پایین انداختند و خردخمير و گوشت کوبیده شد...»

صدمات شدید وارد آوردند؛ معاش و مدار بیچاره اهالی از بد بدتر گردید؛ زندگانی آن‌ها در زیرزمین و سردارهای بعضی زاویه، بعضی گودال‌ها، بعضی بسته اکراد، بعضی نوکر اغیار، بعضی دست از خانه و اولاد کشیده بعضی ترک اخیارها، بعضی سرگردان روزگار، برخی خواستار مرگ، سهل است عمره شریفی مردم اهالی اورمیه را به قلعه قیصر خانم جمع کرده و انواع اقسام ایدا و اذیت می‌کردند...

کاظم داشی محل امن و وسیله مطمئن برای انتقال فراریان اورمیه

اهالی اورمیه دسته‌دسته از اورمیه ترک خانمان گفته فراری می‌شدند و شبانه تا قوشچی می‌آمدند؛ کاظمی خان که در آنجا پاسگاهی نهاده بود، آن‌ها را به سنگ اعزام می‌کردند همه آن‌ها بعد از پذیرایی و استراحت به وسیله زورق به شرف خانه منتقل شده، دنبال سرنوشت خود می‌رفتند؛ از آن جمله آقای میرزا فتحعلی که از علمای اورمیه بود و آقا شیخ نقی همچنین به کاظم داشی آمدند و مدتی در قلعه زندگی کردند، پس فامیل آن ها از آن سوی دریا آدم فرستادند و آن‌ها را بردن، و حاجی نصرت از معتمدان شهر شبانه خود را به جبل کندی رسانید و از سنگ، کاظمی خان اسب فرستاد و به سلامتی وارد کاظم داشی شده و از اشخاص دیگر حسین آقا و لطیف نامان از بزرگان ده انگنه به سنگ آمده و تفگ برداشته جزو مدافعان قلعه شدند.

محمد تمدن می‌نویسد:

شبانه با یکی از نوکران خود و دو سه نفر بلدچی از شهر خارج خود را به کنار دریاچه رسانده، و ازانجا گاه توی آب و گاه میان سنگ و شن کوهپایه‌ها از راه انگنه و جمال‌آباد به قریه قوشچی نزد کاظمی خان... رفتیم و این راه پیمایی دو روز متوالی انجام گرفت تا به سنگ کاظم رسیدیم؛ کاظمی خان احترام و محبت زیادی به این جانب و همراهانم نمود و چند روزی هم مهمان ایشان بودیم؛ پس از بازدید از تشکیلات اداری و نظامی کاظمی خان به وسیله قایق عازم شرف خانه شدیم.

القصه، اجتماع کاظم داشی بزرگ‌تر شده و رابطه حقیقی، توسط زورق و کشتی با اولیای دولتی شده و وسائل زندگی هم با وسیله زورق‌ها بهتر شد و اهالی هم غیرت و عصیت به خرج داده، قره‌باغ هم جزو شده، کدر از میان رفت تا سیصد نفر در کاظم داشی اسلحه بردار به قلم رفت...

جریان از سنگ انداختن عباد و کیل باشی

عباد و کیل باشی جوانی دلیر و با غیرت و شجاع و فهمیده و آداب دان بود؛ که همیشه همراه و هم‌رأی و همکار کاظمی خان می‌شد؛ به حضور مقامات دولتی که می‌رفتند؛ قیافه و برخورد و طرز حرف زدن کاظمی خان عامی ولی رفتار و برخورد و قیافه عباد جالب توجه بود؛ لذا مقامات ناشناخته به گمان اینکه او کاظمی خان است، او را طرف

ادامه از صفحه قبل

غرب آذربایجان

قلب تپنده دیار دده قورقود

ر.داغستانی

مقدمه:

آذربایجان سرزمینی کهن با هویت و بنیان‌های فرهنگی و تاریخی دیرین و ریشه‌دار که در کتب تاریخی حدود آن را ز همدان تا دریند خزران معرفی کرده‌اند، در کانون یکی از مراکز تمدنی جهان قرار گرفته است و تأثیرات شگرفی در بلوغ و توسعه فکری، علمی و عملی مردمان این حوزه داشته است. هرچند تندباد حوادث ازلحاظ سیاسی به‌واسطه رود آراز آن را به دو بخش نموده است اما همگان می‌دانند مرزهای سیاسی نمی‌توانند پیوندهای فرهنگی، برادری و تاریخ و هویت مشترک را از بین ببرند، در هم تنیدگی فرهنگی این‌سوی آراز با آن‌سوی آراز آن‌قدر عمیق است که هر فردی به‌سادگی متوجه این مهم است اما گویی طالع مشترکی در هردوی سوی آراز برای مردمانش در حال وقوع است. پس از اشغال قره باغ توسط ارمنستان غاصب، ارتباط زمینی ترکیه با کشورهای ترکیان حاشیه خزر قطع شد و جهت تکمیل پازلی که در شبکه‌های فراماسونری جهان و توسط موساد و سیا طراحی شده است پس از حمله آمریکا به عراق فرست تاریخی در اختیار کردهای عراق قرار گرفت تا با تصفیه نژادی و قومی ترکمن‌ها در شمال شرق عراق به پاکسازی قومی و تصفیه نژادی اقدام نماید تا فاز دوم پازل اجرا شود، اما فاز سوم این پازل به صورت نرم و ساکت در مرزهای ایران با ترکیه و در هر دو طرف مرز از محل مهاجرت‌های معنی‌دار، از دیاد جمعیت، تشکیل گروهک‌های تروریستی نظیر پ.ک، پژاک، دموکرات، کومله، خباط در حال اجراست.

اور میه و سولدورز در خط مقدم:

صحبت از ادعاهای ارضی گروهک‌های افراطی و تروریستی کرده‌ها است. با این توضیح که نبایستی در دام نقشه‌های پلیدی که باعث تنفس و دشمنی بین ملت‌ها و مذاهب

می‌شود افتاد و اصل را باید بر همزیستی مسالمت‌آمیز نهاد اما نمی‌توان در برابر یاوه سرایی و زیاده‌خواهی عده‌ای که همواره در طول اعصار بیویژه تاریخ معاصر باعث نامنی و قتل و غارت بوده‌اند سکوت کرد، چراکه تعالیم اسلامی به ما می‌یاد داده‌اند که سکوت در برابر ظالم و متجاوز به

زنده‌به‌گور کردن چراغ جریان را از قلم خود ملا اسماعیل سپهر نویسنده کاظمیم خان که مطالب روزانه را یادداشت کرده بخوانید: «از جمله قضیه چراغ است (چراغ نام شخصی است) و از احوالات آن بهقرار (زیر) است، چون همه وقت، شب و روز کاظمیم خان و محال انزل از حمله دشمن یعنی اکراد در احتیاط و خوف بوده و در سرکوب‌ها (کوها) شب و روز پاسبان‌ها نهاده و قراول می‌کشیدند و هم کسانی که با اکراد رابط باشند؟ به عنوان تفتیش می‌فرستادند تا از کارهای اکراد و قصد آن‌ها آگاه باشد، چراغ نام که از اهل قولنجی بوده مدتی بود آمده در گوور چین قلعه مقیم بود و شخص ندار بود، او را برای تفتیش گاه به قولنجی و گاه به ده آبگرم می‌فرستاد و هر چه قضایا می‌شد آگاه بوده راپورت می‌داد، قضارا روزی او را به قریه آبگرم فرستاد، شبانه برگشت و گفت: اکراد به آب گرم جمع می‌شوند و خیال دارند باز به دهات انزل حمله بیاورند، همان شب کاظمیم خان آدم دیگر به آب گرم نفرستاد تا خبر صحیح بیاورند، همان شب کاظمیم خان آدم دیگر به آب گرم فرستاد تا خبر صحیح بیاورد، آن آدم رفته دو ساعت از سر زدن آفتاب گذشته وارد و نوشته‌ای هم از ملاقبر نام (از ریش‌سفیدان آب گرم) آورد که چراغ دروغ گفته و این قضیه در اینجا ندارد.

کاظمیم خان به دو نفر بیل داد در کنار دریا گودالی کنند، قضا را خود چراغ بدون اینکه کسی او را بخواند یا حرفی بگوید آنچا آمد، گفت این گودال برای چیست؟ کاظمیم خان گفت این اتفاق دروغ گویان است، آن بیچاره از خبر دوم خبر نداشت، نمی‌دانست که عکس گفته او را آورده‌اند، باری (کاظم) خندان خندان گفت: چراغ داخل اینجا بشو ببینم بر قد تو راست می‌اید؟ آن بیچاره خواهناخواه داخل گودال شد گفت دراز بکش تا معلوم شود به قد تو هست، پس برو روی شکم دراز کشید، امر کرد خاک بریزند، خاک ریختند همان ساعت خفه شد و جان تسلیم کرد...»

صفی‌الدین اورمی، عسکر خان افشار، اقبال و کاظمی‌خان قوشچی، شهید باکری و امینی‌ها خدمت بر ابرو نمی‌آورد چون تن زخمی‌اش از مصیبت‌ها و نامهربانی‌ها در طول سده معاصر آن قدر به خود دیده که اکنون فولاد آب‌دیده شده است.

جمع‌بندی:

بازی خطرناکی در خاورمیانه در حال اجراست، دولت‌های بزرگ به دنبال کسب منابع اقتصادی و نفتی بیشتر به همراه گسترش حوزه نفوذ سیاسی و نظامی خود هستند و دولتهای درگیر به دنبال حفظ منافع ملی و برخی از فوصل‌طلبان نظیر بارزانی به دنبال تجزیه عراق و تشکیل دولت خیالی می‌باشند. همه رخدادهای خاورمیانه به گونه‌ای طراحی شده‌اند که ترو خشک را باهم می‌سوزانند مثلاً اتفاقات عراق و سوریه دقیقه بر سرنوشت تبریز و اردبیل و زنجان و همدان و اورمیه تأثیرگذار است. مهم‌ترین موضوعی که ما را تهدید می‌کند بحث وجود گروهک‌های افراطی تروریستی در منطقه است که هویت جغرافیایی آذربایجان را نشانه رفته‌اند. هرگونه سستی و اهمال کاری و بی‌تفاوتی به این موضوع می‌تواند عواقب وخیمی برای آذربایجان داشته باشد. حفظ وحدت در عین کثرت، افزایش وطن‌دوستی و تحلیل واقع بیانه از رویدادها به همراه داشتن برنامه مدون و منظم برای مقابله با زیاده‌خواهی‌های افراطیون و تروریست‌ها وظیفه‌ای است که بر دوش همه نخبگان و روشنفکران آذربایجانی است.

معنای حمایت از ظلم است. اگر اندکی به عقب برگردیم شاهد این مهم هستیم که در همین تاریخ معاصر و در سال ۱۲۹۰ شیخ عبیدالله شمزینانی از منطقه حکاری ترکیه بالشگری به اورمیه، قوشچای (میاندوآب)، بیناب حمله می‌کند و اکنون تاریخ شرمگین از بازگویی ددمنشی‌های این شیخ دیوانه است، کمی بعداز آن و در ۱۳۰۰ شمسی سیمیتقو، این یاغی غارتگر با همراهی جیلوها فجایعی را سبب می‌شوند که کمتر روزتا و شهری در غرب آذربایجان از وحشی‌گری‌های او در امان ماند، سپس در ۱۳۳۶ تهاجم بارزانی‌ها که عمیقاً از طرف دولت سوراها حمایت می‌شند منطقه را ملتهب می‌کنند و پس از انقلاب اسلامی در سال ۵۷ احزاب دموکرات و کومله چنان فجایعی به بار می‌آورند که اکنون داعش رهرو خلف آن جنایت‌ها در عراق و سوریه است. خلع سلاح پادگان مهاباد (سویوق بولاق) و حمله ۲۰-هزارنفری حزب به‌اصطلاح دموکرات کرده‌ها به سولدوز و شکست مفضضانه در آن جنگ، واقعه سقزو پاوه، سربریدن سربازان ژاندارمی و سپاهی و ارتشی، جنایت‌های این حزب در سرفاخان و ... تنها بخش‌های قابل ملاحظه‌ای از جنایت‌ها و ایجاد ناامنی‌ها در منطقه غرب آذربایجان است که فرصت زندگی و سرمایه‌گذاری را گرفت و اکنون ریشه عدم توسعه‌یافتنی در غرب آذربایجان را علاوه بر بی‌مهری‌های تهران باید در فکر عمل گروهک‌های افراطی و تروریستی کردی دانست که البته بخش زیادی از مردم عادی کرده را نیز قربانی هوس رانی خود کرده‌اند. شهید چمران در کتابش از نقد (سولدوز) به عنوان دروازه آذربایجان یاد می‌کند و می‌گوید اگر نقده سقوط می‌کرد تمام استان آذربایجان غربی قریب به یقین به دست اشرار ضدانقلاب (بخوانید گروهک‌های افراطی تروریستی کردی) می‌افتد. شاید به همین جهت است که سولدوز را سمبل ایستادگی و مقاومت می‌دانیم و اورمیه به عنوان دومین شهر بزرگ آذربایجان که در هر فرستی از حملات ریز و تند افراطیون وابسته به گروهک‌های تروریستی زخم برمی‌دارد و با





اونلار ایکی لیکده پاریس پارکلاریندا ساعات لارلا، حتی یاغیش آلتیندا، یاغان یاغیشا اهمیت وئرمەدن او توروب قالا بیلیردیلر. بىلە هاوا لاردا دئدونون (آمادئونون) آچیب باشلاری اوستوندە تو توغو ایرى، محکم کىشى چىرى نین آلتیندا بىر- بىرىنە سېغىنىمىش بو عاشقلىرىن چوخ ساكت و قايغىلى، لاكىن وورغۇن گۇرۇشلىرى اونلارين ھر ایکى سينى ساران جىدى دويغۇلاردان خېر وئيرىدى. مۇدیليانى بو شاهانه خانمى، يىنى- يىنى يازماغا باشلاسا دا، روسيادا آرتىق شاعر كىمى مشهور اولان آننا آخماتووانىي مصر فرعون لارى نين خانم لارى نين لباسىندا چىرىدى؛ اونلارين چەھەرلىرىنى آننا ياباخىب ياردىرىدى. آخماتووانىي بويون باغلارىنى، سينە بىندرلىنى، آغىر بىلزىكلىرىنى، قدىمىي بىزكىلىرىنى وجىلە چىكىر، تقدىر ائدىرىدى.

آننا سۇنرا لار، چوخ- چوخ سۇنرا لار بو يەھودى جاواندا هر شىئىن ايلاھى اولدوغۇن يازا جاقادى.

پارىسىي ان چوخ گىنجلەر گزمە يە چىخىرىدىلار؛ لاوبالى شكىل دە، آزاناجان، يولو ايتىرنەجىن گۈزىرىدىلر. قىلبىرى و دويغۇلارى ايلە ھماھنگ اولان شەھر قېرىستان لىغىندا دا دولاشىرىدىلار. بلکە قىلباً هر ايكىسى او شاق ايدى؛ ياشلى و دردى او شاق. مۇدیليانى نين لوڭرامبورگ باгинدا باشلارى او سوندە آچىب ساخلا دىغى اىرى چىرىن آلتىندا آوروپا ادبىياتىندا بىلدىكلىرى شعرلىرى بىرلىكده از بىر دئىيردىلر. بونلارى هر ايكىسى نين از بىر بىلدىيىنە سئۇينىرىدىلر. مەحبىتىن دىلى آچىلمىشدى. گئچە يارىدان كىچىندەن سۇنرا دا يو خولو كوچەلر دە تكباشىنا گىز مۇدیليانىيin آياق سىسلىرىندا اونو تانىيىرىدى.

آخى آننا آخماتووا بىر واخت مۇسکۇوانىي جزا لاندىرىپ اونو آلۇوون آغزينا وئرن قىزىل اوردو حاکىمىي احمد خانىن (...-1481) تۈرەمەسى اولدوغۇنۇ ھەئىرەدە غرورلا سۈپەلىمكەدە ايدى. تارىخ لر دە سۈپەلىن بىو "انتقامىن" سېبى او ايدى كى، روس قاچاق لارى 1472-جى ايل دە ساراي شەھىرىنى ضبط ائدىب ياندىرىمىشدىلار. احمد خان دا «آخمات»^{۱۲} قصاص آلمىشدى. ساراي شەھىنى دېبەسى قارشى سىندا مۇسکۇوا كىچىك بىر شەھر اولسا دا انتقام انتقام ايدى.

اودور كى، حىد بلوغا يېتىشىن دە اۋز كۇنلۇ ايلە رسمى فامiliاسى اولان «قۇرئىكوا/قارئىكوا» سوى آدیندان امتناع ائتدى. اولو بابالارى نين اصىل- نسيل آدى اولان آخماتووا فامiliاسىنىي گۇتسۇردو و عۆمۇر بويو خان باپاسىندا، اونون شهر تىنдин آيرىلىمادى.^{۱۳}

1946-جى ايل دە پارتىيانىن ادبىيات بارەدە مشئوم (شوم) قرارىندان سۇنرا آدى بىنام اولمۇش آخماتووا دان كۆچەدە تانىش لارى دا يان كېچىرىدىلر. او بونا دا مردىكىلە دۆزدۇ (عالى) و اورتا مكتب درسلىكلىرىنده اوپىرىدىلەن بىو قرار يالىز 1988 - جى ايل دە درسلىكلىرىن چىخارىلىدى). ساۋىت حاکىمیتى ايلرى نىن باشلانغىچىندان اولومونە كىمىي محرومىتلىرى چكە- چكە تكچە و قارىنى ساخلايا بىلدى. او فامiliاسىنىي ايسە «عزمتلى تاتار آدى» آدلاندىرىدى (تاتارسکۆئ، درئمۇچىي...). پراووسلاو (pravoslav)^{۱۴} كىلىسەلرىنده دىنин و روسون ادبى دوشىمنى كىمىي عصرلە لە ئەلتلىن «احمد خانىن» آدى ايلە غورلائىرىدى.

اونلارين گۇروشلىرىنده ائلە بىل ظاهرانە بىر حرارت، نە بىر دلى لىك، چىلغىن ليق يوخ ايدى؛ سانكى قاينار عشق جوشىمادان سويمۇشدو، يوخ... قلب لر اۋز طغىيانىدا ايدى.

آننا آخماتووانىن هەچ بىر حركتى عاشق رسامىن نظرىندان يايىنمىر، او بىو قادىن يىن هر كىچىك ژىستىنده ايلاھى لىك، شاعرانەلەك كىشى ئادىرىدى. بىر دفعە اونون آتىلەسینە گلن، لاكىن اونو باغلى گۈرن آننا گىتىرىدىيى قىزىل گول لرى (او گۇروش لرە هەميشە محېت سىمبولو قىزىل گول لە گلىرىدى) پىنجرەدن اىچرى يە آتا بىلير. سۇنرا دان اۋز آتىلەسینە گلىپ قاپىنىي آچاركىن رسام دۇشە مەدەكى قىزىل گول لرى گۇرمۇش و الى ايلە جىبىنده كىيى آچارىنى يوخلايا-

قاپى باغلى ايدى، سەن اىچىرى نىچە گىرمىشدىن؟»- دئىه سوروشموشدو. آخماتووا دا اونا: «من اونلارى پىنجرەدن آتمىشدىم»- دئىه جاواب وئىنده رسام حىرتىلە: آخى

اونلار ائلە گۈزل قوبولمۇشدو كى... دئىه وجىدە گلمىشدى. لاكىن عۆمۇر آدلى بىو مەحتشم آغا جادا هانسى زىدە يوخ ايدى؟! عاشقلىرىن قلب او دو ايلە تومارلانان، نازلانان، اوپوش لرە غرق اندىلەن بولالر سۇنرا اوغلۇنا نۇبەلر دە گۈزەلە- گۈزەلە يە لىنېڭراد تورمەسینە محبوس باغلاماسى^{۱۵} داشىيىجاقدى.

۱۲ دوس بىلەسىدە خەسەنلىرى اولسانپېشىندا، اوسا كىزىدە روس لار ئىشىدا الاقىدا هەمن سىسلىرىن بىلەسىدە قىچى سېبىنەن استقادة ئەپتىلەر، مەت، ھارمونى، قافۇنلى، مەلەپۇرلى، قاسىزگۈر، احمد، اھىت، حېرى، قېلىدە، رەختارا خېت و... ۱۳- Tatarskii ensiklopédicseski slovari, Kazan, 1999.

۱۴ مەحبىتىن دەپ، قۇلۇ اولۇپ بىرلىنى داشلىق تابىت مەنھەپ بىو مەھەپ ئەتفاق اىلن ادام بالغىلار، اېچى دەپ، آغىزى اچىق كىسى، جوول و...

اونون چوخ قیسا، منیم سه اوزون عُمرومون پرولوق^۲ اولموشدور». بو اوزون عُمرومون معشووق لاری دا چوخ- چوخ ایدی. آنتانین داصلیل «دون ژوان» سیاهی سی واردی. هه... هه... ۱۹۲۵- جی ایله لوژنیستکی یه دقت ائتمیشیدی بو سیاهینی^۳ آتنا آخماتووا ۷۵ ایل یاشادی؛ اری نیکولای قومیلی افین ساویت رئپرئسیاسی نین ایلک ایلرینده ایتیرمیشیدی (ن. قومیلی اف پروفسور. تاقانتسئوین سوئقد قوروپیونون عضوی کیمی تقسیرلی ساییلیب ۱۹۲۱- جی ایل ده گولله لنمیشیدی). یگانه اوغلو گله جک فیلولوق- تاریخچی لئو- قومیلی اف ایله همیشە آیرى دوشدو- گنج اوغلو بیتیب- توکنمهین استالین دوشرگله رینده (من اونو بالنیز کاتورقالار^۴ اوچونمو دوغدوم، دئیه آخماتووا آجى- آجى اوزوندن سوروشوردو) اوزو ایسه خوف قاریشیق آجى پشمان چیلیق ایچینده مشقّتلی عُمور یاشادی.

اونو حیاتدان دئردونجو اینفارکت^۵ آپاردى. حتی تجربه لی یاشلى حکیم لر بئله تعجب قالماشیدیلار: بیر اورك نه قدر يارا آلا بیلر؟!

بیر نئچە آى اول «آمادئۇ مۇدیلیانى» خاطره- مقالەسینى بیتیرمیشیدی.

آخماتووا- مۇدیلیانى مناسیبتلری تکجه قلب ایلنجه سى دئیلەمیش؛ او بیر اپپرزوود کیمی قیسا و اوتىرى اولسا دا، اولدوز قدر پارلاق و سۈئنمز، تاریخ قدر اعتبارلى دانیلماز فاكتلاردىر.

بو محبت تاریخچەسى قیسا اولسا دا، بئله «قیسا» سئوگى لر بوتۇو عُمرومۇ محبت نورونا بويابىب، هر زامان بو ایشىغى ساخلاماغا قادردىر.

پ.س. بیر نئچە ایل اول استانبولدا اولارکن اورادا چالىشان چوخلۇ روسلاردان بىرى- خدمتچى قادىن منه چاي گتىردى. اونو صحبتە توتىدوم. روس دىلینىدە ازىز شعر دئمە يە مئىلەم و خصوصى سىرۋىتىم اولماسا دا، آيرىجا اهمىتلى فاكتلارا گۇرە ازىز بىلدىيىم پارچالار وار: اونا آنا آخماتووا دان دئىdim:

ا snova oseni valit tamerlanom

V Arbatiskix perukkax tişina

اوزوم بىلمەدن و ايستەمەدن او غریب قادىنى آغلاتدىم. آتنا آخماتووا ياشايىردى. نه سوز، نه محبت اولمە يە جىكدىر.

21 - Marçenko A.M. Anna Andreevna axmatova (1889-1966). V kn.: Stixotvoreninya.Poema. M., Drol, 2003.

22 كاتورقا (Katorqa) حس و سورگونىدە سون درجه اغىر ايش چۈسى بېتارى در تىبىد و حس.

23 سکە

بو آياق سىسلىرىنىن گلىب اونون پىجرەسى آلتىندا ياواشادىغىنى دا دويىردو آخماتووا، دوروب پىجرە ژالۇزونون^۶ آراسىندان اونو گىزلى جە، حىران- حىران سىير انديردى. مۇدېلىانى اۆز صنعت مانىرىنە صادق قالاراق ۲۱ ياشلى آنانى دا چىلپاچ چكىردى. آه!... عادى واخت لاردا جىدىتى، تكىرو ايلە شاھزادەلر ده اۇتوب ئىچن آخماتووا بو آندا لطفوندە، نوازشلىرىندە، الفتىنە نىنچە سخاوتلى ايدى....

قىسا گۇرۇشلىرن دېرىن بؤيووك خاطرەلر قالدى- رسام چىكىيى ۱۶ شكلى آخماتووا ياباغىشلادى و خواهش انتدى كى، او بونلارين ھامى سىينى پطربور گداكى اوينىدە آسسىن. هەنج واخت اونلارى دېبورادان آلماسىن. او رجاء انتسە دە حىيات باشقۇ سۇرپىز حاضرلاماقدا ايدى؛ ھەمین شكىل لر ساویت حاكمىتىيىن ايلك ايل لریندە آخماتووانىن منزلەلەن آختابىش زامانى آپارىلىب يو خا چىخدى. آنا آخماتووا هەمین حادىئەنى «بؤيووك ايتىكى» آدلاندىردى. بالنیز بىر شكىل قالا بىلدى. اولوموندن آزجا اول بؤيووك بىر كتابى چاپا حاضرلانيزدى. اوستوندە مۇدېلىانىن ياراندىغى پورتەت وئىلىن بىو سونونجو كىتابى گۇرمەك شاعرە مىستر او لمادى. «زامانىن قاچىشى» آدلى ھەمین كتاب آخماتووانىن اولوموندن سونرا چىخدى.

آمادئۇ مۇدېلىانى سرخوشلوق، دىلن چىلىك، آغىر ورم خستەلىيىن اىچىنەدە دلى محېتلىه سئوە بىلدى. ھەم دە ياشادا بىلدى، يارادا و چكە بىلدى.

اودور كى، اونون اۇلۇموندن سونرا حاققىندا يازىلمىش مونوغرافىالارى، تدقىقاتلارى اوخويان آننا آخماتووا مۇدېلىانى يە حىصرا لونمۇش بىدىعى فيلىمى- «مونپارناس-۱۹»- «فيلىمىنى دە آراشدىرمالارى دا هيپرىد^۸ و باياغىلىق^۹ آدلاندىريردى. اونون تانىدىغى مۇدېلىانى داها بؤيووك، داها گوجلو و داها گۈزلە يە.

آمادئۇ جىيەر ورمىنە باخما ياراق چكىر، اىچىر و تك- تەها قالان غەمىلى چىلپاچ قادىن پورتەتلىرى يارادىر؛ اونلارين يالقىزلىغىنى، عربان لىغى، پالتار سىزلىغى ايلە دە قابارىق لاشىرىردى.

يوخ، يوخ بىو ايندى گۇرمەدە و آلىشماغا باشلايدىغىمېز اىرنج ائروتىك شكىل لردن دئىلەلدى. رسام چىلپاچ وئىترا هىيكلەرىنى اۆزونە مخصوص و سواسلىقلا قورۇپوردو. اونون فيكىرينجە، پالتار گۈزلەلىيى اۇرتوب ساخلايا، بىندىن دويولان گوجو، انزىنى، بلکەدە ايلەلەلىيى دە آزالدا بىلردى. پالتار بىدن دن- روح دان سوزۇلن صىميمىلىيى، احتراصى چوخ رىاكارلىق لا گىزلىدىپ قارالدا بىلەرى.

اىلە آخماتووا دا بوتۇن عُمۇرۇ بويو ھەچ واخت سعادت دن، خوشبخت محېت دن يازا بىلمەدى. آما ھەميشە، هر زامان آخماتووا صحبتلىرىنە، سۈزۈنە- دانىشىغىندا اۆزونە مخصوص ظاھرى سىرتلىك و سوپۇق بىگانەلىكىلە اونو آنا جاقدى. لاكىن اىچىن- اىچىن، يانا- يانا يازا جاقدى: «آرامىزدا هەر نە او لموشدو سا دا، بىزىم حىاتىمىزىن،

ساق خالي - خالچاسي

دونيانين ان قديم دوشكجهسى

مولف: ف. جليل اوف

حاضيرلايان: جواد نصيزاده

جيجم، كيليم، قيمتلى پارچا و يون قوبتلئن لر^۳ اونلارين يوكىك توخوجولوق صنتىندىن بلىرىتى وئيرى. بئله صنعت اثلىرىندىن بىرى ده يېر اوستونه سالىنان دوشكچەدىر.

دونيانين بو ان قديم دوشكجهسى صنعت كارلىق باخيمىندان حيرت دوغوردوغو كىمى، ۲۵۰۰ ايل تورپاق آلتدا خراب اولمادان قالماسى دا بىر معجزهدىر.

پازىرىك كورقان لارينى قوران قديم توركىلر ۷ متر درين لييىنده قازديقلارى قبرى لاي- لاي دولدورموش، اولجە چىر- چىرىپى، سونرا كول- كوس، اوستوندن اوت- يارپاق، داها سونرا ايسه تورپاق ئۆكموشلار، قبرىن اوستونو چاي داشلارى (قىمىر) ايله اۇرتوب، اونلاردان تې دوزلىتمىشلار. ۱۶۰۰ متر هوندورلوكده اولان بو اولقىن يابىلغانى نىن طبىعى شرايطى ائله ايدى كى، بورادا ياي قيسا اولوردو، سويو قبرىن دىيىنده بوز باغلامىشدىر. كورقان اوستو داشلار ايسه هاواداكى ايستىنى آشاغى بوراخىمادىغى اوچون اورادا دائمى منفى حرارت ماحفظە اولۇنمواشدور، بىلەجە يارانان دونما محيطى طبىعى كونرسواسيا اولوب، قبىرددە كى نسنه لرین خراب اولماسىنا امكان وئرمەميشىدەر.

سولماز رنگلارى، يوكىك صنعت كارلىقلارا ايشلىتمىش سوزئىتى رسمى و دىيگر بىزك- دوزكلىرى ايله بو گونكۇ تطبىقى صنعت دە ماھر اوستالارين بئله حسد آپاراجاغى بو دوشكچە ۲۵ عصر اۋۇز گۈزلەيىنى ساخالىيا بىلمىشدىر. ساقا تصویرى صنعتى نىن «آن اوسلوبو» عنعنهسىنى ساخالىيان اولو كىچەچى دوشكچەنىن اوستۇنەدە ميفيك بىر حيوانىن- قارتال باشلى آسانىن (غرب ملتلىرى بونا گىريふون دئىير) داغ كىچىسىنى نئجە پارچالادىغىنى تصویر ائتمىشدىر. صنعت كار بو سوزئىتى ائله قورمواشدور كى، ايکى سىيمتىك^۴ شكىل يېرىن ھەر ايکى طرفىنده عينى گۈركم آلىر. دوشكچەنىن سالالاتان طرفلىرى دە اوج دايىرەوى درى بىرىدىلىپ، رنگلى كىچە و آت توکو ايله بىزدىلمىش، اونا قىرچىنلى ساچاق فورماسى وئرلىميشىدەر.

شكىل لردىن گۈرونديوو كىمى، ۱۲۰x۶۰ سم اولچوودە اولان بو يېر اۇرتويو اينجە قىرمىزى كىچە اوزىرنىدە رنگلى درى يارچالاريندان «آن اوسلوبو» ايله بىرى دىيگرىنە عكس سىيم متىك اولچوودە قورولماش داغ كىچىسىنى پارچالايان قانادلى گىريふون موتىوئى نىن مىشىل سىيز بىر كومپوزىسيا ايله سرگىلىين اوج ساچاغىن اۇزو دە قوچ باشى فيقورو شكليندە اولوب، اينجە ناخىشلى آپلىكا اوسلوبوندا حاضيرلانيش و عمومى كومپوزىسيانى تماملايان بىر صنعت اثرى دىر.

۴ قوبتلان دیوار خالچالى
۵ قازان فېرىتە



داغلىق آلتايىن گۈزل يايلاق لاريندان اولان الچاتماز اولقىن وادىسىنده باسirيق آدلانان بىر قېرستان وار. قديم سويداش لارى نىن اوپىدوغۇ بو يېرە يېرلى آلتاي توركلىرى پازىرىك دئىير. قديم تورك عالمى نىن بو كىچىك بىر گوشەسى دونيانين گۈزوندن اوزاق اولسا دا، ۲۰ - جى يوز ايلين اوستاسىندا «پازىرىك مەننەتى» آدى ايله دونيايا سىس سالدى. مەننەتلىرىن اكراھالا دامغالادىغى كوچرى مەننەتىنى قالدىرىپ داغ باشينا قويدو. مىلادادن اۇنچە ۵ - جى عصردە سالىنىمىش بو قېرستانىن كورقان لارى بىر- بىر آچىلدىقجا آلتاي توركلىرى نىن اولو سوی لارى اۇزۇنۇن تارىخى قايىقا لارى ايله اوزە چىخدى، كورقان نسنه لرى اونلارىن توتوملو دونيا گۈرۈشۈندەن زىگىن گۈرانىندان و اتىنىك عنعنه لەرىندە توتارلى توتالقالار وئىرىدى. يايلاق- قىلاق حياتىنى ياشايان، حربى دموكراتىا قورولوشوندا ئۆمۈر سورن كۈچرى اتنوگرافىسلى ورق- ورق آچىلدىقجا بللى اولدو كى، پازىرىكدا باسىرىپىلان كۈچرى المخېچى لار ساكا مەننەتى دئىيلن و اورمو، خىزىر و آزاق سولارى اطرافىندا يايپىلان بىر مەننەتىن داشىيىجي لارىدىر. هەلە پازىرىك كورقان لارى سالىنان چاغدان مىن ايل اول ايلخىچى توركلىر كۈچرى دونياسى نىن قابپا سىينى اورمودان آچمىشدى، قديم تورك ائل لرى يېرىنندەن قالخىب بىتؤو اوراسيا چۈل لەرىنە يايلىميشىدى، بىر اوجو دۇنائى، بىر اوجو آلتاي.

اوzaق- اوzaق ائل لرە كۈچ ائدن توركلىر آت كولتونو، آت چىلىغى و آت مىنەمك باجاريغىنى و بىر دە آت بىزەمك مەھارتىنە نىسيل- نىسيل ياشاتمىش، آتا اولان سئوگى عنعنه سىينى قورو يوب گونومۇزە قدر ساخالىيا بىلمىشلار. كورقان لاردا مومىالانمىش آداملارارلا، اوروغون (طايفا- نىسيل) سايylan لارى ايله ياشاشى نۆكىر- كىزىلر و «نىئىئى» «آخال تكە» كەھرى جىنسىنندەن اولان گۈزلەن كەھر دا باسىرىپىلمىشىدىر. گۈرونور آلتاي توركلىرى يېرلى مونقول ائلارىنى دىيىل اورمو بولگەسىنده بىلەن كەھر جىنسىنە داها چوخ عزيزلىميشلار.

پازىرىك كورقان لاريندان تاپىلان بىزكلى يوین- يېر، تەلىك، يېر اوستو، دوشكچە، دوشلوك، قوشقۇن كىمى آت نسنه لرى قديم توركلىرىن آتچىلىق مەھارتىنى آيدىن عكس ايتدىرىرسە، قېرىلردن چىخان خالى، تېمە كىچە،

ایکی اوزلولر

علی محمد زاده

حاجی ایشچیلر با خیب همیشه کی تکراری سوزون دئدی :
 آقالار گؤزور سوزده کارخانیین ایشلری چتین له شیب بیزه ده
 والله ائله سیزه تای بیر کارگرین پولو قالیر. سیزدنه انتظاری میز
 وار کارخانیا تعصبو اولا و بیزیم له متخد اولوب کارخانی
 دولاندیراق. بورا یاتسا مندن قاباق سیزین افز چوچیز کسیله
 جك. یوخسا منه چوخ فرق ائله میر پولومو توکوب بانکه
 سودون الام. بئی بالاسی کیمی دولانارام. داها گلیب بوردا
 اوزومو یورمارام عظیم عمی ده گلیب دئیر ائله بیل اوشق
 لارین آیلیق لارا بیرده ایشه اعتراضی وارا دوزدو؟
 هامی سکوت لا بیربرینه با خیب گویاکی گؤزله بیردی
 قیراغیندا کی دیللن سین!
 بیردن حسن برقی دیله گلدی: حاجی عظیم عمی بیزیم آغ
 سقه لمیزدی او نه دئسه ائله اوجوردوا
 حاجی اونون سوزونو کسیب دئدی: من عظیم نن نظر ایسته
 سم اوزوندن سوروشاراما سیز اوزوز نه دئیر سیز؟ ایشیزدن
 راضی سیز یا یوخ!
 هامی بیرده قورخودان دایانیب آشاغی با خدی!
 بیردن بورا قدر یئکه دانیشان قاراولی سسے گلدی: الله
 سنن راضی اولسون حاجی! بیزکی راضی بیق!
 اونون دالی سوره دلی جعفر سانکی دانیشدق لارین یاددان
 چیخاریب دئدی: بونه سوزدو حاجی؟! بیز سین نؤکرینیکا!
 سین بیزه وئردیگین پول هله چوخدودا!
 ائله بو آندا عظیم عمی گؤزون حرص له دولدوروب دلی
 جفره با خدی، آمما هئچ دلی جفر اونو سایماییب دئدی:
 بیردنه ناراضی اولسا بیزکی ناراضی دئیلیکا!
 قاباق جادان اعتراض احاضیر لاشان ایشچیلر آرتیق حاجیدان
 تشکر ائله مه يه باشدلیلار!
 هامی ساع اول ساع اول دیه حاجی نی اتفاق یولا سالدیلار!
 حاجی عظیم عمیه چپ چپ با خیب اتفاق گیردی!
 آرتیق جو دئنموشدو، ناهار و اختی اعتراض احاضیر لاشان
 ایشچیلر آرتیق حاجیا مرشیه او خویوردولار!!!
 بیردن آقای مرادی حاجی نین منشی سی گلیب عظیم
 عمینی حاجی نین اتفاقینا چاغیردی!
 هامی بیر ۱۵ دقیقه گؤزله دی. عظیم چوله چیخدی هئچ کیمه
 بیر سوز دئمه دن، راحات جاسینا گندیب سرویس ده او توردو!
 اونون دالی سوره دلی جفر گوله گوله دئدی: خخخ گندیم
 حاجی نین یانینا گؤرمون نه اولوب؟؟؟
 بیر بئش دقیقه سورا یئنه ده گوله گوله چیخدی چوله : "بیگون یئنه قان دوشوب ، اوچوچیا جیران دوشوبا دیه سن
 عظیم عمی نین وضعی خرابدی، من دئدیم ده بونون دیلی
 باشینا بلا او لاجاق، سیز بونا قوشولما یین"
 هامی تئز تله سیک گندیلر میندیلر سرویس، داها انولریندە
 دوشە نه جک هئش زاد دانیشمادیلار.
 صباح صوب سرویس خطیب ده ۱۰ دقیقه عظیم عمینی گؤزله
 دی! آنجاق دقیقه ۱۱ اولمایش هامی نین سی چیخدی: "سور
 بابا! شوfer سور سن الله بوندان گلن چیخمازا بودا بیزی ساریب"
 او گونو ایشده عظیم عمی نین بوشلوغون هنچکیم حس ائتمه دی!
 آمما عظیم عمی نین ایشدن چیخماغینی بیلندن سونرا، هامی نه دنسه
 بیر بیر حاجی نین اتفاقینا گیریب چیخیردی!
 نه دنسه صحبت عظیم عمینین یترینی توغاق ایستمک دن گندیردی!

آجیق سوز

۴۲

ایشچی لر ناهار و اختی بیغشیدیلار بیر یئرە. هرە بیر سوز
 دئیردی، دلى جعفر دئدی: آقا بو گون ناهارдан سورا ایشلە
 مه یک!! قارداش ایشلە میریک، قارداش ایشلە میریکا!
 عظیم عمی (حاجی نین ایشچی لرین یانیندا ساغ آلى) او
 تایدان دیلندى : " جفر !!! یئنە سفح له دین؟ نه
 دانیشیرسان؟! حاجی بیلسە هامینی اوتورر ائشیه ائله بیر
 گوندده ایشچی تاپار!"
 حسن برقی دئدی: عظیم عمی! آخى بوجورد اولمازا حاجی
 دئیر تولید آزدى ، چوخالدین اوزوده هر كىس ساعات دا
 ۲۰۰ دنه، آمما او تایدان دا بیر تومن ده حقوقو چوخالتمیرا
 هله بو آيدا هامیا گیزلىن کسر کار ویریبا!"
 دلى جعفر دئدی: " بایاق آقای قبرینى ياخالامیشىدىم! آند اولا
 آلاها ایسته بیردیم ویرام گؤزو چیخا! دئیرم منیم آیلیغیم
 نیه ۵۰ مین آزالیب؟ کۆپک اوغلۇ دئركى آیلیغیز ائله
 دوزدوا!
 حسن برقی دئدی: عظیم عمی ایندی ئىلە یک؟ حاجی
 بیزی ساریب! گرک دانیشاق يا یوخ!
 عظیم عمی جواب وئردى: باخ بیر قرداش اوغلۇ، من بو
 آیلیق لا راحات جاسینا کېچینیرما آرواد رحمتلىك اۈلندن برى
 بیر قورو جانىم وار اونودا بوردا چورودورم، کى اۇلوم گلیب
 منىدە تاپا! آمما سیزه اوره يیم یانیر، گؤزورم حاجی سیزی
 چوخ اینجیدیر، بونا گۈرە سبز اوزوزدە گلین منیم له بىرگە
 حاجیدانشاق!
 قاراولى دئدی: يواش دانیشساق، حاجی قبول ائتمە يه
 جك، گرک حاجيلا جدى دانیشاق!
 عظیم عمی سون نقطە نى قويدوا بو آخشام حاجی اىلە
 دانیشاجاييق! ايندی حاجى حتما دوربىن لرده بیزه با خيرا!
 داها هامی گىتشىن ايشىنە!
 هامی بير لحظە دە داغىلدى!
 دلى جعفر سس لنه سس لنه گئدیردی: بويون گرک قان
 دوشە! گرک بورا قان دوشە!
 عظیم عمی جعفر بىسى دىه سسین او جالتدى، سورا
 يواشجادان دئدی بولى سسین یئنە او جالتدى!
 آخشام ساعات ۷ ده ايش قوتارمیشىدى! گئچە شىفتى نین
 سرویسى گلمىشىدى. آرتیق هامى بير بىر گئنیب يولا
 دوشوردو!
 عظیم عمی دئدی: او شاقلار سوزوموز ياددان چىخماسین! تئز
 سرویسە مىننە يىن، داييانىن حاجيلا دانیشاق سورا!
 عمی نى دۈورە له يىن ایشچى لر بیر هورا چكىب يولا
 دوشدولر.
 دلى جعفر اوت قويموشدو!!!
 ۱۰ دقیقه سورا هامى حاجی نین اتفاقینىن قاباغىنا
 دوزولموشدو. عظیم عمی گلدی قاپىنى دئيپوب كشدى او تاقا!
 بىر نئچە دقیقه حاجيلا تك قالىب سورا اونونلا بىرگە چوله
 چىخدىلار.

شد آنچه نباید می شد



همه ما خوب میدانیم که روح و روان هرکس و اقدامات او در زندگی روزمره و حیات اجتماعی حاصل اندیشه، اعتقاد و تفکر است.

به گونه‌ای که انسان‌ها در شغل و رشته فعالیت، تمامی رفتارها و اعمال خودشان را بر اساس اعتقادات فردی و جمعی خود انجام می‌دهند.

انسان‌هایی هستند که به خاطر انسانیت از مصالح‌های رنگارانگ جهانی می‌گذرند. ولی دفاع از مظلوم را به گوش جهانیان می‌رسانند.

اما انسان‌هایی هم هستند که بدون توجه به اندیشه‌های انسانی پا روی اعتقادات خود و ملت خود می‌گذارند و مظلومیت را به خاطر اندک مال دنیا و تعهدات ناشی از آن، به پای ظالم قربانی می‌کنند.

اتفاقی که اخیراً در فضای فوتبال کشور روى داد و باعث بحث های فراوانی در فضای اجتماعی کشور شد دلیلی شد که موضوع در تلنگر آچیق سوز هم جای بگیره

تلنگری واجبه به بعضیا بزنیم، اول به بازیکنانی که در مقابل تیم اسرائیلی بازی کردند !!! یادتان نرود شما خودتان هر تفکری که دارید و هر اندیشه‌ای که دارید برای خودتان ولی مسئولیتی هم در جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنید نیز دارید، شما در خارج از کشور نماد نمایند و با تن دادن به آن بازی درواقع مقاومت چندین ساله ملت را زیر سوال بردید.

اما تلنگری دیگر به کسانی که از اون بازیکنا حمایت می‌کنند، اینه که شما اگرچه اشخاص بزرگی هم باشید ولی حق ندارید از جانب ملت حرف بزنید، اگر ملت می‌خواهند این افراد محکوم شوند باید محکوم شوند و اگر نخواهند محکوم نمی‌شوند! پس خواهش حکم تبرئه نخوانید، دادگاه ملت و خصوصاً دادگاه تاریخ، حکم آن‌ها را خواهد داد.



عرف جامعه را به چالش نکشیم

علی محمدزاده

آن چیزی که ذهن نگارنده را در این روزها درگیر خودش کرده، مسائل مربوط به عرف یک جامعه و عوامل برهم زننده آن و تأثیرات برهم خوردن عرف جامعه بر روح جمعی آن جامعه است.

اگر ارتباطات جمعی در جامعه خود را برسه پایه شریعت، عرف و قانون در نظر بگیریم، می‌توان عرف را قانون نانوشته ای دانست که متأثر از شریعت آن جامعه نیز باشد. برای مثال شیوه سلام دادن، لباس پوشیدن، مراسمات و آیین‌ها در هر کشوری متناسب با عرف آن جامعه است ولی قانونی برای این کار نوشته نشده است. در یک تعریف کلی می‌توان عرف را عادات و رسومی دانست که عقلای جامعه آن را به طور کلی پذیرفته‌اند و روا می‌دارند و یا می‌توان عرف را مجموعه‌ای از توقفات، معیارها و هنجارهایی که از سوی عموم پذیرفته شده و به یک عادت تبدیل شده‌اند، در نظر گرفت.

عرف را جامعه متناسب باروح جمعی پدید می‌آورد و ممکن است آن عرف به شکل قانون در بیاید یا نیاید. این‌ها صرفاً تعاریفی از عرف جامعه بودند و مقصد نگارنده فقط ارائه تعاریف نیست بلکه سعی بر این است که عوامل برهم زننده عرف جامعه، مطرح و تأثیرات آن بر روح جمعی بررسی گردد. البته بررسی عرف و مسائل مربوط به آن در یک مقاله نمی‌گنجد ولی در این نوشتار سعی شده است که گوشهای از مسائل مطرح شود تا ذهن مخاطب برای بررسی‌های خودش هموار گردد.

بدون شک عرف هر جامعه ارتباط مستقیم با روح آن جامعه دارد، در جامعه‌ای که عرفی زیر پا گذاشته شود و در سطح آن ناهنجاری عملی گردد، معنویات آن جامعه لطمہ خواهد خورد.

حتی در پیشرفت‌های غربی نیز هر کشورهای غربی همواره سعی بر این دارد که عرف خود را پاسداری کند.

عرف جامعه از خانواده گرفته تا بطن جامعه و کانون‌هایی که محل گذر مردم هستند، مثل بازار و اماکن عمومی همواره تحت تأثیر اعتقادات مردم آن جامعه است و خدشه‌دار شدن آن باعث تزلزل اعتقادات جامعه خواهد شد.

قدرت‌های امپریالیستی همواره برای وابسته کردن دیگر ملل به خود و زیر سلطه درآوردن آن‌ها اول از همه عرف آن جوامع را مورد تاخت و تاز قرار داده‌اند. از این مطلب این نتیجه رانیز می‌توان گرفت که برای آنکه بهمیم امپریالیسم چشم طمع به کدام کشور دارد کافی است یکی از نشانه‌های ورود امپریالیسم به آن کشور یعنی تاختن به عرف جامعه را بررسی کنیم.

آجیق سوز

اکنون با نگاهی کوتاه به کشورهای خاورمیانه و علی‌الخصوص مملکت خودمان بِه راحتی می‌توان دریافت که چگونه عوامل امپریالیستی به تاختن بر عرف این جوامع پرداخته‌اند. البته قبلًا (مخصوصاً در زمان پهلوی) امپریالیسم بارها به شریعت مانیز حمله کرد اما با عکس‌العمل شدید مردم رو به رو شد به خاطر همین در زمان کنونی بیشتر از شریعت عرف جامعه را زیر سؤال می‌برد تا نسل‌های جدید خود به دست خودشان عرف جامعه را پایمال کنند. چون که با از بین رفتن عرف جامعه آن جامعه تهی شده و احساس ضعف خواهد کرد و برای جبران ضعف خود، با بت غرب مواجه شده و به آن روی خواهد آورد.

یقیناً در این مشکل وظیفه روشنفکران جامعه است که با هر تفکری، چپی و راستی ابتدا از داشته‌های جامعه خود در برابر بیگانگان حفاظت کنند و بعداز آن به جان همدیگر بیفتند و دعوای چپ و راستی راه بیندازند.

متأسفانه واقعیت این است که کم کم عرف جامعه ما به دست خودمان به زوال کشیده می‌شود و یقیناً این روند در آینده چیزی جز پشمایی برای جامعه نخواهد آورد. از عواملی که در عرف تأثیر به سزاگی دارند هویت، ملیت و مذهب افراد جامعه است که با نابودی عرف، این عوامل نیز به چالش کشیده شده و بهزودی آن‌ها هم مسیر نابودی را پیش خواهند گرفت و دیگر آن زمان، روشنفکران جامعه به جای دعواهای هویتی و قومیتی باید خودشان را به آب‌وآتش بزنند تا فقط گوشهای از هویتشان را نگذارند و نگذارند جامعه در بالاتر امپریالیسم گرفتار شود.

بدیختانه حتی بعضی روشنفکران خود در صدد آن هستند که عرف جامعه را به زوال ببرند و این نهایت بدختی است که عده‌ای روشنفکر به جای پاسداشت داشته‌های مادی و معنوی جامعه، با شمشیر عناد بر آن‌ها بتابند و با دست خود جامعه را به قهقهرا ببرند.

البته عده‌ای سیاست‌مدار و منفعت‌طلب نیز به فکر به چالش کشیدن عرف جامعه و به دست آوردن منافع ناشی از آن برای خود هستند.

چیزی که برای هر شخص متفکری عیان هست این است که دعواهای ایدئولوژیکی، جناحی و قومی، به هیچ عنوان نباید منجر به خطر افتادن داشته‌های جامعه شود و اگر برای جامعه تلاش می‌کنیم چرا جسم آن را می‌خواهیم ولی به روح آن اندک اهمیتی نمی‌دهیم؟!

یادمان باشد اروپای مسیحی برای برانداختن اندلس مسلمان (اسپانیای کنونی) که از سده اول اسلام، کشوری مسلمان بود خیلی تلاش کرد ولی با شکست‌های زیادی مواجه شد ولی درنهایت با گذشت بیش از ۶ سده با تاختن بر عرف جامعه اندلسی به دست نسل جدید پرورش‌یافته از درون خودش بالاخره توانست اسلام را در اندلس شکست داده و اندیشه‌های خود را دوباره در آنجا احیا کند.

حرف آخر این است که امپریالیسم که خود زاده کاپیتالیسم است عاشق چشم و ابروی مانیست. بلکه مصرف‌کننده می‌خواهد. مصرف‌کننده‌ای که هم محصولات و هم افکار تولیدی و دلخواه آن را مصرف کند. حال برای اینکه ما مصرف کننده باشیم ابتدا باید تولید کننده نباشیم، بعداز آنکه هم تولید مادی و هم تولید معنوی ما از بین رفت، نوبت آن می‌شود که امپریالیسم تولیدات مادی و معنوی دلخواه خود را در بازار ما به حراج بگذارد و ما را وابسته خود کند. پس لازم است که ابتدا داشته‌های ما را از بین برد البته توسط خود ما، توسط نسل‌هایی که خواهند آمد. به آن‌ها تلقین خواهد کرد که شما و پدرانتان موفق نبوده‌اید و غرب موفق بوده، پس به غرب ملحق شوید تا موفق شوید. پس اگر ما امروز از داشته‌های جامعه خود که شامل هویت، شریعت، عرف و قانونی که متعلق به خود ماست پاسداری نکنیم، یقیناً آیندگان نیز نخواهند توانست و در عرض چندین دهه ما مصرف‌کننده تولیدات غرب خواهیم بود.



امین رستم زاده

جنگ جهانی دوم و سرنوشت شوم آن برای اهر

قره داغ یا قاراداغ سرزمین وسیعی در شمال استان آذربایجان شرقی و هم مرز با کشور جمهوری آذربایجان و ارمنستان است. این سرزمین در طول اعصار تاریخ بارها صحنه‌های سخت و ملاتبار حادثه‌های طبیعی و جنگ‌ها و یورش‌های بی‌شماری را دیده و در سینه خود انده و حسرت فراوانی از ابتدای آفرینش حفظ کرده است.

گوز یاشیم قان اولدو بیر غم پنهان الیندن تاپمارام بیردم فراغت ناله و افغان الیندن

روزگارین چرخیشیدن چوخ بلار چکدی باشیم بس کیمه ائلیم شیکایت گردش دوران الیندن (اباز)

در جنگ جهانی دوم منطقه قره داغ مورد هجوم و یورش قوای ارتش سرخ روس قرار گرفته و سبب بروز حادثه‌ای تلخ در این منطقه شده است و روز سوم شهریور یادآور بمباران اهر توسط هوایپماهای شوروی در طی این جنگ است و این تاریخ فراموش نشده در طول جنگ جهانی دوم برای مردمان این منطقه است.

جنگ جهانی دوم میان متحده‌ین (آلمان، ایتالیا و ژاپن) و متفقین (انگلستان، فرانسه، شوروی و آمریکا) در تاریخ ۹ شهریور ۱۳۱۸ صورت گرفت. هم‌زمان با آغاز جنگ نخست وزیر ایران، علی منصور طی اعلامیه‌ای بی‌طرفی دولت ایران را در این جنگ اعلام کرد. نبرد میان این دو قوا به شدت در اروپا انجام می‌شد و نیروی تحت رهبری آلمان در یک‌قدمی تصرف کامل اروپا قراردادت. در ادامه نبرد در خرداد ۱۳۲۰ لشکر آلمان، ایتالیا، فنلاند و رومانی با تمام قوای خود که بزرگ‌ترین یورش‌های تاریخ نام‌گرفته است از مرزهای شوروی عبور کرده و از سه سو، مسکو را مورد حمله قراردادند. مرگ ۱۰۰ هزار سرباز و تسلیم شدن حداقل یک‌میلیون سرباز روسی زنگ خطر را در لندن و واشینگتن به صدا درآورد.

رضاخان تحت تأثیر پیروزی‌های آلمان، گرایش‌های هیتلری پیداکرده و متفقین در آن زمان تنها چیزی که در منطقه تحمل نداشتند ایران بی‌طرفی بود که طرفدار آلمانی را در سر داشت. با عقب‌نشینی قوای روس در برابر نازی‌ها، ارتش سرخ جهت استقامت، احتیاج به سلاح و تجهیزات داشت و تنها راه باقی مانده ارسالی این امکانات دریای جنوب ایران بود. ایران با اینکه از ابتدای شروع جنگ اعلام بی‌طرفی کرده بود ولی دولت‌های انگلیس و شوروی به منظور استفاده از راه آهن ایران، وجود عده‌ای از متخصصین و جاسوسان دولت آلمان نازی را دست‌آویز قرار داده و به ایران حمله نظامی انجام دادند. هدف عمده آن‌ها از اشغال این سرزمین عبارت بود از دستیابی به راه‌های ارتباطی کشور برای کمکرسانی به شوروی، استفاده از منابع نفتی کشور، اخراج کارشناسان و اتباع آلمانی برای جلوگیری از اقدامات خرابکارانه آن‌ها در رابطه با راه‌های ارتباطی و چاه‌های نفت و از بین بردن احتمال کودتا توسط طرفداران آلمان نازی بود.

سفرای دو کشور طی نامه‌ای انگیزه تصرف ایران را تمایلات آلمان گرایی در سیاست خارجی ذکر کردند. آن‌ها معتقد بودند که این تمایلات موجب افزایش فعالیت جاسوسان آلمانی در ایران گردیده است و اگر این چنین ادامه یابد، ایران تبدیل به پایگاهی برای انجام عملیات تبلیغاتی و خرابکارانه علیه دولت‌های انگلستان و شوروی خواهد شد. علی منصور، نخست وزیر وقت ایران، به مذاکره با نمایندگان دو دولت پرداخت؛ اما به علت آنکه به هیچ نتیجه مطلوبی دست نیافت و دیگر خود را قادر به اداره امور نمی‌دید از مقام خود استعفا داده و محمدعلی فروغی (ذکاء‌الملک) سرنشته امور را در دست گرفت.

بدین‌سان حمله به ایران روز دوشنبه سوم شهریور ۱۳۲۰ با هماهنگی دو کشور انگلیس از جنوب و شوروی از شمال رأس ساعت چهار بامداد انجام گرفت.

با یورش نیروهای بیگانه تمامیت ارضی و حاکمیت سیاسی ایران پایمال اجنب شد و این مسئله باعث گشت این کشور تا مدت های مديدة نتواند خود را از قیدوبندهای سلطه‌گر برخاند. از نظر اقتصادی، بالانکه مملکت به دلیل بی‌کفایتی حکومت پهلوی و گرایش‌های مرکز محورانه و تبعیض علیه سایر ملت‌های غیر فارس در ایران، درگیر مشکلات عدیدهای بهخصوص



قطعی و گرانی مایحتاج عمومی بود، می‌باشد عهده‌دار مخارج میهمانان ناخوانده خود نیز می‌شد. مهاجمان کار خود را با بمباران شدید شهرها و پادگان‌ها آغاز کردند و در عرض یک روز ایران را به تصرف درآوردند.

ورود ارتش سرخ از مرزهای شمالی:

در این هنگام مردم اهر و قره داغ که در خواب بودند ناگهان با صدای غرش هراسناکی بیدار شدند و چشم به آسمان دوختند. هواپیماهای سیاهرنگ جنگی برای مردم تازگی داشتند و به عبارتی می‌توان گفت اهالی فقط هر چند گاهی یک فروند هواپیمای ملخ‌دار در آسمان شهر دیده بودند که آن‌هم متعلق به هنگ هوایی تبریز بود. بمباران شهر توسط هواپیماهای چهار موتور روسی انجام می‌گیرد و بمباها بر چند خانه اصابت کرده و چند نفر کشته می‌شوند. عده‌ای از مردم با ترس و هراس از خانه‌ها خارج شده و به سمت باغات اطراف شهر فرار می‌کنند. هواپیماها اکثراً حاشیه‌ها و باغات را هدف قرار می‌داده‌اند که یکی از بمباها بر روی باغ متعلق به علی باقی افتاده است. اهالی محله باغبان لو که در اثر ترس به باغات پایین شیخ پناه برده بودند در اثر افتادن بمبی دیگر در این محل تلفات زیادی می‌دهند.

بنابراین یادداشت سرهنگ بایبوردی قریب به نود نفر که بیشتر از اهالی محله باغبان لو

بوده‌اند در آنجا کشته شده و تعدادی محروم می‌شوند و قیامتی به پا شده است. مردم شهر پس از اطلاع از این حادثه جهت کمک به محل باغ که در قسمت جنوب شهر قرار داشت روانه می‌شوند. در اثر بمباران، یک بمب بر روی مسجد ابواسحاق می‌افتد که به گفته شاهدان عمل نمی‌کند. بیشترین هدف هواپیماها ایجاد ترس و هراس در میان مردم بوده به طوری که پس از اندختن چند بمب کوچک بر روی شهر تنها اطراف شهر را بمباران کرده‌اند. در این حمله روس‌تاران نیز در امان نبوده‌اند، کلفیر، دیزبین، خونیق و خیلی جاهای دیگر نیز آسیب می‌بینند. مردم اهر کشته‌های باغ را آورده و در قبرستان دیک مجيد دفن می‌کنند. تعدادی نیز، جنازه‌ها را برده و هر کس را در محله‌های خود دفن می‌کنند.

ساعتها بعد هواپیماهای مهاجم با فرویختن اعلامیه‌ای به زبان فارسی و ترکی به مردم پیام می‌دهند که می‌خواهند ملت را از چنگ آلمان فاشیست نجات دهند. حمید ملازاده از آن روزها می‌نویسد: «در آن ایام رادیو بهمندرت یافت می‌شد بالین حال مردم به منظور آگاهی از حوادث و خبرهای روز در پای رادیو جمع شده بودند، رادیو تهران در برنامه عادی خبری ازانچه در آذربایجان می‌گذشت پخش نکرد، از بیماری ورم بیضه و عوایق و خیم آن مطالبی پخش کرد و سپس قمر الملوك وزیری آواز خوان مشهور دربار آوازی خواند. مردم آذربایجان از این بی‌اعتنایی تهران نسبت به آنچه در گوشهای از مملکت می‌گذشت سخت برآشته بودند؛ اما آن شب رادیوهای ترکیه، آلمان و دهلی خبر عبور ارتش سوری و انگلیس را بدون تفسیر اعلام داشتند». شهریار در شعری این بی‌حسی را چنین به نظم کشیده است:

به شهریور مه پارین که طیارات با تعجیل فرومی‌ریخت چون طیر ابابیلم به سر سجیل

چه گوییم ای همه ساز تو بی قانون و هر دمبلیل تو را یکشب نشد ساز و نوا در رادیو تعطیل

تو را تنبیور و تنبک بر فلک می‌شد مرا شیون الا تهرانیا انصاف می‌کن خر تو بی یا من (صفحه ۱۲۲۷)

پس از آن قشون پیاده ارتش سرخ از سمت خدا آفرین از روی پل سالم گذشته وارد قره داغ شدند. در راه مقاومتی وجود نداشته و آن‌ها به‌زودی وارد اهر شده‌اند.

روس‌ها به منظور جلوگیری از هرج و مرج در شهر حکومت نظامی برقرار کرده‌اند. اطراف مسجد حاجی معین که محله بیگلر نام داشته را محل ستاد قرار داده و در آنجا مستقر شدند.

سریازان با مردم به زبان ترکی به گفتگو پرداخته و از آن‌ها دلجویی می‌کرده‌اند. عده زیادی از اهالی که از روس‌تاراهای اطراف بودند و در اهر سکونت داشتند، شروع به تخلیه منازل خود و حرکت به روس‌تاراهای نموده و خانه‌های خود را بی‌سرپرست گذاشتند. امنیت در شهر با حضور نظامیان روس افزایش یافته و زندگی کم کم به حالت عادی خود بازمی‌گردد. روس‌ها تنها اقدام خصم‌های ای که پس از ورود انجام داده‌اند، مصادره اسباب‌ها بوده است. در روس‌تاری خونیق یک نفر از اهالی روس‌تاری این کار سر باز زده که به‌زور از او گرفته‌اند. در این حادثه مردم زیان‌های اقتصادی زیادی دیده و در آن زمان که اقتصاد مملکت در وضع بدی بود، شرایط سخت‌تر می‌شود. از اسناد برجای‌مانده از آن دوران از اداره انتظامات اهر به وزارت کشور در مورد شکایت یک نفر درباره تکلیف زیان خود چنین آمده است:

نام و نام خانوادگی درخواست دهنده: سلطنت نقره شناس دخت احمدعلی. موضوع شکایت: برادر بمباران هوایی خانه او خراب شده و یک طاقه فرش حسن نام که در مقابل یک هزار و سیصد و شصت ریال مأخوذه باقته تا تحويل دهد. در غائله اخیر ورود نیروی شوروی فرش تماماً می‌سوزد. حالا از اداره ثبت اسناد ارسباران او را زندانی کرده‌اند که پول حسن عزتیان را بپردازد، زیرا فرش را برای او مشغول باقتن بوده است. بدین صورت یک روز سیاه در تقویم اهر و قره داغ ثبت شده و حسرتی در دل‌های مردمان آن می‌گذارد.

حسین بایبوردی حادثه سوم شهریور ۱۳۲۰ را شومن ترین حادثه محلی و ضایعه ملی قره داغ دانسته است. می‌توان گفت در آن زمان تلفات شهر اهر نسبت به سایر نقاط آذربایجان بیشتر بوده و آن‌هم احتمالاً به دلیل اشتباه خلبان در بمباران باغات جنوب شهر بوده است.

شرح این هجران و این خون‌جگر

این زمان بگذار تا وقت دگر

یاد شهدای این حادثه تلخ گرامی باد.

منبع:

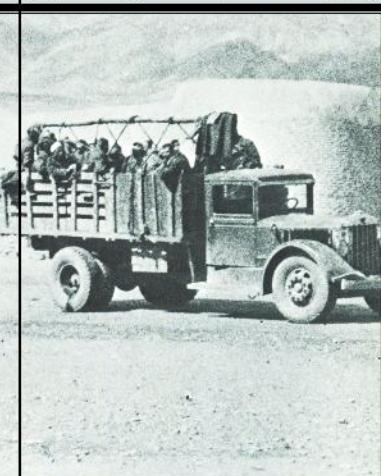
حسن بایبوردی، تاریخ ارساران، این سیما، ۱۳۴۱.

عباس اسلامی (بارز)، پاسلی ساوالان، دانیال، ۱۳۷۹.

حیدر ملازاده، سیری در کوچه‌های خاطرات، ارک، ۱۳۹۱.

علی غفوری، تاریخ جنگ‌های ایران اطلاعات، ۱۳۸۹.

بهجت تبریزی، دیوان فارسی شهریار، جلد دوم، نگاه، ۱۳۸۹.



دردلو، آغزیلار، روحی وضعیت لر

تحقیق و تدوین: حسن امودوا غلو

امک: رنج.

اون تارتمق: ناله کردن.

اون: ناله، فریاد، فنان، آه.

ایکرانمک: [اینگرانمک] ناله و فریاد کردن، درد و الم کشیدن، آه کشیدن.

ایکرلیک: [اینگرلیک] درد، رنج، الم، محنت، اندوه، بیماری، بیمار.

ایکلیک: دردانک، غناک، سوزناک.

ایتملامک: خم شدن برای گرفتن چیزی، تا شدن، نگاه حرمت آمیز همراه با گزیده، گریستن.

اینجیرمکام: ناله کردن به آهستگی، ناله خفیف، گریستن با آه و ناله.

اینجامکام: [اینجمیمک] متألم شدن، ناراحت شدن، رنجیدن، آزده شدن، شکسته خاطر شدن، دلگیر شدن.

اینچیرماق: از روی درد ناله کردن، گریستن با ناله، زاری کردن.

اینچیرمک: ناله و زاری کردن، هق گزیده، نفس همراه با سکسکه.

اینگرامکام: گزیده نوچ کردن، گزیده چین، ناله و زاری.

اینگرانمکام: گزیده پنهانی، ناله مخفیانه، نالیدن از درد.

اینگلدامکام: [اینگلیدمک] آه کشیدن، ناله سر زدن، با صدای بلند گریستن.

اینگلکام: ناله، فریاد، فنان، زاری.

آجشماق: سوزناک شدن، حرارت بعد از خارش، گرمی که از خاریدن پدید آید.

آجیلاناترمهق: غصناک کردن، خشمگین گردانیدن.

آجیلهامق: رنجیده شدن، منفعل شدن، زور زدن، خشم کردن.

آجیلیق: مرارت، تناخی، کدورت، غیظ، خشم، غضب.

آجیمهق: درد کردن، الم داشتن، سوزش داشتن، خشمگین بودن.

آجیماق: مول شدن، غمگین شدن، تلخی دیدن.

آجین: [آجیق] تلخ، مر، تلخناک، درد غم، الم، خشم.

آぐمن: رنج.

آگریتماق: به درد آوردن، متألم ساختن، ناراحت کردن.

آگریغلو: دردانک، غناک، اندوهگین، محزن.

آگریقلی: درد، رنج، الم، اذیت.

آگریکن: الم، درد غم، رنج، اذیت.

آگریماق: رنج کشیدن، رنج دیدن، مضطرب شدن، اندوهگین شدن.

آغلاماک: گزیده کردن، ناله کردن.

آفیزاماک: جاری کردن، اشک ریختن، روان کردن، جاری شدن اشک از چشم در اثر غم و یا شادی.

بوشورغانماق: مضطرب کردن، اذیت دادن، مکدر کردن، غصه دار کردن، متألم ساختن.

بوغ: غم، اندوه.

بیخماق: تنفس داشتن، بیزاری، ملال، رنجیدن.

بوس: غم و غصه.

تاوارلیک: دلتنگی، انتباخت دل، الم، غم، غصه.

تارغیلیق: [دارغیلیق] دلتنگی، انتباخت دل، الم، غم، غصه.

تاریچین تارتماق: ناله کشیدن، نفس را به حالت ندامت بیرون دادن، افسوس خوردن، متأسف شدن، آه کشیدن از درون.

تاسه: غصه، اسف، غم، اندوه، کدر.

تالیله: شتاب، اضطراب، خلجان.

تالیقماق: مرض شدن، بیمار گشتن.

^۱- مردم تبریز «سویوماق» گویند.

^۲- به شکل «صیغه» و به معنی «بخار، ابر» در زبان فارسی نیز داخل گردیده است.

^۳- نام طایفه‌ی مغول از این کلمه گرفته شده است مونگ+ اول/مونغ اول/مغول.

^۴- در متن کتاب دده قورقود به شکل «بونگالامک/بونالمانق» کار رفته است.

^۵- امیر علی شیرنوایی در محاکمه‌اللغتین به شکل «اینچیرمک» آورده است. بیت: «خرخ ظلموندی کس بغضی قریب بیغادرمین/اینگریز قریب بیغادرمین» در زبان ادبی امروز به شکل «هیچقیرماق» مصلح است.

معلمات آزمایش می شوند

ستگ کلیه

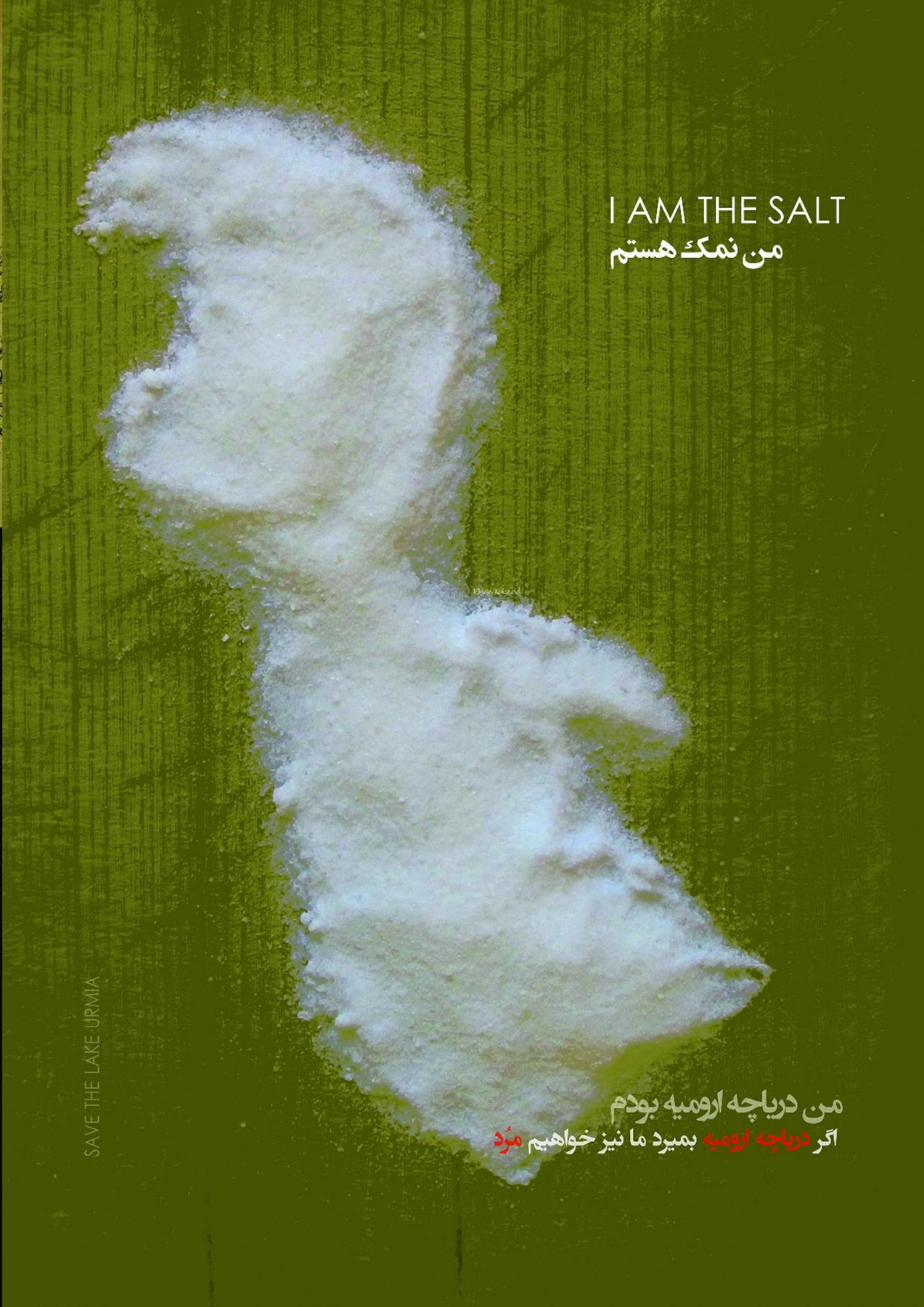
لهجه غلیظ

آرایسر

کشیدن سیگار و قلیل

فلسی را بالهجه حرف زدن

آیا
شما
فلسی
را
با
لهجه
حرف
میزنید



I AM THE SALT
من نمک هستم

من دریاچه ارومیه بودم
اگر دریاچه ارومیه بمیرد ما نیز خواهیم مرد

SAVE THE LAKE URMIAN